

# همپوستگی وثیقه کامیابیهای

## کمونیستهای جهان است

### مسائل بین المللی

\* مسائل بین‌المللی \* که هر دو ماه یکبار انتشار می‌یابد  
بمقتضای مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کارگری  
اختصاص دارد .  
مدرجات این نشریه از میان مقالات مجله \* مسائل صلح  
و سوسیالیسم \* که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست  
و کارگری و منعکس‌کننده نظریات و اندیشه‌های آنانست ،  
انتخاب و ترجمه میشود .  
در این شماره منتخبی از مقالات شماره های اول و دوم  
( ژانویه - فوریه ۱۹۶۴ ) مجله \* مسائل صلح  
و سوسیالیسم ) به چاپ رسیده است .

# همپیوستگی وثیقه کامیابیهای کمونیستهای جهان است

واتسلاوا سلاویک، نرمان فرید، مراد قوتلی

همبستگی بین المللی پرولترها در تمام کشورها، همبستگی تمام زحمتکشان، وحدت صفوف کمونیستی در مقیاس ملی همین المللی شرط لازم و تعدیه مبارزه پیرومندانه علیه امپریالیسم، در راه صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم را تشکیل میدهد.

در اسناد مشترک احزاب کمونیست و کارگری محتوی و اصول وحدت احزاب کمونیست معین شده است. در اعلامیه سال ۱۹۶۰ جلسه مشاوره نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری گفته میشود:

"مصلحت مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر پیوستگی هر چه بیشتر صفوف هر حزب کمونیست و ارتش بزرگ کمونیستهای تمام کشورها و وحدت اراده و عمل آنها را ایجاد میکند. اهتمام برای تحکیم دائم جنبش جهانی کمونیستی وظیفه عالی انترناسیونالیستی هر حزب مارکسیست - لنینیست است."

"دفاع قاطع از وحدت جنبش جهانی کمونیستی بر پایه اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و مجازند انستن هیچگونه اقدامی که باین وحدت خلل وارد سازد شرط حتمی پیروزی در مبارزه برای استقلال ملی، دموکراسی و صلح، حل موفقیت آمیز و طاع انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم است."

ضرورت حیاتی وحدت جنبش کمونیستی ناشی از نقشی است که کمونیست های یعنی مظهر انقلابی ترین گرایش تکامل جامعه بشری - ایفا میکنند. کمونیستها در میان تمام نیروهای سیاسی نیروی واقعا رشد - یابنده هستند.

صد مین سال تاسیس انترناسیونال اول که در سال جاری فرامیرسد نوع جنبش کمونیستی را بروشنی نشان میدهد. اتحادیه کمونیستها که مارکس وانگلس رسال ۱۸۴۷ اثر اینیاد نهادند نخست نزدیک به ۴۰۰ عضو داشت. در نخستین کنگره انترناسیونال اول در سال ۱۸۶۶ فقط چهار کشور نمایندگی داشتند. ولی اکنون احزاب کمونیست تقریباً در ۹۰ کشور جهان فعالیت میکنند و عده اعضای آنها به بیش از ۲۴ میلیون نفر میرسد.

در تاریخ بشری هیچ جنبشی مثل جنبش کمونیستی با چنین نیروی مقاومت ناپذیری در جامعه - گسترش نیافته است.

کمونیست ها که در یک سوم کره زمین جامعه سوسیالیستی بوجود آورده اند در جهان سرمایه داری نیز میلیونها زحمتکش را گرد خود متحد میسازند. کمونیستها در نخستین صفوف مبارزان فعال استقلال ملی جای استوار دارند و در راه پیشرفت اجتماعی و تأمین آینده تابناک تمام خلقها یکا میزنند.

ندای پروولت "پروولترهای تمام کشورها متحد شوید" که از طرف مارکس وانگلس اعلام شد و در زمان لنین با تأیید او شکل جدید "پروولترهای تمام کشورها، ملل ستم دیده متحد شوید" را بخود گرفت اکنون صد

همایلیون نفرا در سراسر جهان بهارزه علیه نظام سرمایه داری برمیانگیزد \*

در جریان فعالیت سیاسی مجدانه آگاهترین قشرهای زحمتکشان علیه بورژوازی انحصارگر، در جریان اعتراض اجتماعی خودی خودی اکثریت قاطع جامعه بشری علیه مرتجعین افراطی و دیوانگان اتم بازه بافکار و امیال ملل بی پروا و پیشرفته اهانت رو امید آرند - خود معای تازه بتازه ای از مردم باین حقیقت پی میبرند که فقط تحت رهبری کمونیستهاست که آنها میتوانند جامعه قارغ از جنگ و قارغ از ستگر ی بوجود آورند \* ملل جهان برای مساعی جانبا زانه ای که کمونیستها با کار میبرند تا جامعه بشری وادر همین دوران کنونی از کاپوس نابودی در آتتر جنگ هسته ای نجات یخشند - ارزش بسیار قائلند \*

مردم در جریان زندگی و فعالیت روزمره برایشان یقین حاصل میشود که بدون فعالیت انقلابی کمونیستها جهان ما ان نبود که اکنون هست و در نهای جامعه بشری نیز ای تچنین روشن و تابناک نبود \* مسئولیت کمونیستها در قبال سر نوشت تمدن با هر گامی که تاریخ بجلوهر میدارد افزایش مییابد \* هر چه خشر بزرگ در زندگی جامعه د اثره و ظاهری راکه در برابر کمونیستها قرار ارد وسعت میدهد و این بد ان معناست که مسئله حکیم وحدت جنبش کمونیستی هم در مقیاس ملی و هم در مقیاس جهانی اهمیت روز بروز حیاتی تری کسب میکند \* در این رهگذر محتوی وحدت نیز توسعه مییابد و اشکال آن نیز در عین ابقا \* اصول عام تکامل میپذیرد و تنوع بیشتری کسب میکند \*

محتوی وحدت جنبش کمونیستی را باید هم در تجربه انقلابی این جنبش بررسی کرد و هم در جریان انجام وظایف تاریخی که پیوسته جنبه بغرنجتر و متنوعتری بخود میگیرد \*

در مناسبات میان آن احزاب برادر که در راه بدست آوردن قدرت مبارز میکنند مسئله وحدت فکری و تبادل تجربه در زمینه مبارزه طبقاتی و پشتیبانی معنوی و - در شرایط معین - پشتیبانی سیاسی در

چارچوب امکاناتی که پروتاریا و کمونیستها به هنگام تسلط بورژوازی بدست میآورند - جای عده دارد \*

البته چنین خصوصیتی در مناسبات مذکور حامد و ملاتغیر نیست، بلکه عوازا ت افزایش تجربه انقلابی و در جریان تعرضیه امپریالیسم تکامل مییابد و متنوع میشود \*

در مناسبات میان آن احزاب کمونیست که بحکومت رسیده اند اصول وحدت فکری تمام و کمال برجسا

میباشد، ولی مسائل تازه ای میان میآید که ناشی از علاقمندی مشترک بساختن سوسیالیسم و کمونیسم،

دفاع از دستاوردهای انقلاب، پیشرفت همکاری همه جانبه مستقیم و بلاواسطه و تعاون مشترک است \*

تبادل تجربه محتوی تازه و اشکال تازه کسب میکند \* احزابی که مقام حکومت را بدست دارند دارای -

وظایف انترناسیونالیستی مشترک و مسر مسئولیتی هستند که محتوی مناسبات آنها را با احزاب موجود در

جهان سرمایه داری معین میکند. مسئله وحدت جنبه بخصوص بر م میبدهد، زیرا این احزاب فقط از طریق

فعالیت مشترک است که میتوانند این وظایف را انجام دهند \*

مارکسیسم - لنینیسم هیچگاه وحدت جنبش کمونیستی را یک پدیده بکمال رسیده و یکبار برای همیشه

تثبیت شده تلقی نکرده است \* احزاب کمونیست ارگانیک زنده ای هستند که در اوضاع و احوال اجتماعی

بغرنج و متضاد تکامل میپذیرند و فعالیت میکنند \* این احزاب در پروسه های اجتماعی تاثیر میبخشند ولی در

عین حال فشار نیروهای مختلف اجتماعی را نیز احساس میکنند \* باین جهت وحدت کمونیستی همواره یک

پروسه توقف ناپذیر تلقی شد و تلقی میشود \* این وحدت در مبارزه علیه تاخت و تازهای که از چپ و راست

انجا جگیرد و در جریان غلبه بر تضادها و دشواریهایی که هم ناشی از غلظت عینی هستند و هم ناشی از غلظت

ذهنی نظیر کیش شخصیت و غیره - پدید میآید و تکامل مییابد \* سنک محک وحدت همیشه و فاداری همه

مارکسیسم و توانائی حزب کمونیست در هدایت توده ها بر اقامت فعال انقلابی و در گون کنند ه برای

تأمین پیروزی سوسیالیسم است \*

پس از تشکیل سیستم جهانی سوسیالیسم پیوستگی صفوف جنبش جهانی کمونیستی بیشتر از پیش شد . در عین حال در داخل احزاب مبارزه مجدانه ای علیه انواع مختلف جریانهای اپوزونیستی اعم از جریان های سکتاریستی ، دکماتیک ، رویونیستی و غیره انجام گرفت که در ظاهر امر منته فقط با هم متفاوت بلکه گناه حتی متناقض بنظر میرسیدند ولی طبیعت اجتماعی همانهایی بود و عملاً واحد و دی یکدیگر نیرومیدادند . هر حزب به تشخیص خود سمت و هدف مبارزه برای تامین وحدت رامعین کرد .

در جنبش جهانی کمونیستی هم رویونیسم راست بعنوان خطر عدد ، بروز کرد . این جریان قبل از هر چیز در نتیجه واکنش خرد ، بورژوازی در قبال دشواریهای ناشی از تکامل انقلاب سوسیالیستی تشدید گردید . میدانیم که بورژوازی انحصارگر پس از تحمیل چند شکست بزرگ ، که در نتیجه آن پتک انقلاب زنجیر امپریالیسم را در یکسلسله از کشورهای اروپا و آسیا از هم گسست ، در تلاش برآمد چرخ تاریخ را متوقف سازد و هم در مقیاس جهانی وهم در اکثریت کشورهای سرمایه داری به کمونیسم غرباتی وارد سازد . عواقب سوء کثیر شخصیت و خسارات ناگزیر وارد بر جنبش کمونیستی در این مبارزه پس از کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی ، که در ایران جدیدی وارد جنبش کمونیستی را آغاز نهاد . نیز در جنبش انقلابی و در فعالیت احزاب کمونیست تاثیرات وخیم داشت .

روییونیستهای راست سعی داشتند نظریه رفرمیستی اتخاذ و روش غیر فعال در قبال سرمایه داری معاصر و اشتی طلبی با آن را به احزاب کمونیست تحمیل کنند . آنها ادعا میکردند که تغییراتی که در اثر تکامل نیروهای مولد در درون نظام سرمایه داری روی میدهد و نیز تشدید فعالیت جنبش کارگری بطور اعم و جنبش سرشناسی بظواهر خاص گویا تغییراتی در طبیعت سرمایه داری بوجود آورده است و از این امر هم گویا این نتیجه بدست میاید که مشی دگرگونی انقلابی جامعه کهنه شده است . در نظر آنها محل مسائل صرم اجتماعی در مقیاس ملی و جهانی فقط در نتیجه پیروی از راه استحاله تدریجی و مسالمت آمیز سرمایه داری بسوسیالیسم امکان پذیر شد و است . رویونیست ها با اصول مرکزیت دیمکراتیک در تشکیلات احزاب نیز که صحت آن در عرض آزمون شده مخالفت میکردند و میکوشیدند احزاب را از درون متلاشی سازند .

فعالیت ضد حزبی رویونیست ها برای مرتجعین دستاورد واقعی بود . آنها در این آرزو بودند که بکمک رویونیستها احزاب کمونیست را منسحب سازند ، وحدت آنها را برهم بزنند ، کمونیسم را از مواضعش بعقب برانند و سرانجام بکلی سرش را زیر خاک کنند . مارکسیست - لنینیست ها علیه رویونیست ها هم در داخل احزاب وهم در عرصه بین المللی به تعرض جدی دست زدند .

بطوریکه اسناد فراوان احزاب کمونیست و کارگری نشان میدهد در نتیجه مبارزه شدید یکده انجام گرفت گروههای رویونیستی هم در زمینه ایدئولوژیک و سیاسی وهم در زمینه تشکیلاتی درهم کوبیده شدند . نظریات آنها بی پایستگی خود را نشان داد و از عهد آزمایش زدگی بر نیامد و اکثریت قاطع خود رویونیستها از عرصه حیات سیاسی خارج شدند . خطر وحدت از اینجانبان بربط طرف گردید .

ولی این اواخر در افاق تاریخ خطر تازه و میتوان گفت خطر بسیار جدی برای وحدت کمونیسم جهانیست پدید آمده است . این خطر در نتیجه فعالیت رویونیست ها می از قماش جدید و این بار از " جناح چپ " بوجود آمده است . این مارکسیسم - لنینیسم و اسناد برنامه ای جنبش جهانی کمونیستی یعنی اعلامیه های سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ را در پرده شعارهای چپ و انقلابی نامورد تجدید نظر قرار داده و احزاب مارکسیست - لنینیست مباحثه تحمیل کرده اند .

بطوریکه میدانیم این مباحثه را عملاً مقالات منتشره در مطبوعات حزبی چین که بعد ها تحت عنوان "زنده باد لنینیسم" انتشار یافت آغاز نهاد. سپس رفقای چینی به بهانه اینکه درباره اعلامیه های ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ تفسیرهای مختلفی وجود دارد دایره مسائل مورد اختلاف را وسعت دادند و در تمام مسائل مهم استراتژی و تاکتیک بمخالفت با اسناد مورد توافق مشترک برخاستند. چکیده نظریات رهبران چینی نامه ۱۴ ژوئن ۱۹۶۳ کمیته مرکزی حزب کمونیست چین است که از طرف احزاب کمونیست بعنوان تلاش برای تحمیل مشی عمومی تجدید نظر شده به جنبش جهانی کمونیستی ارزیابی شده است.

مباحثه اگر بصورت بحث پیرامون نظریات مختلف در چارچوب اسناد مشترک تنظیم شده احزاب کمونیست باشد نه تنها مجاز بلکه مطلوب است، زیرا چنین مباحثه ای به تکامل بیشتر اندیشه مارکسیستی و پیوستگی بیشتر از پیش صفوف آنها کمک میکند. جنبش سیاسی بدو جنبین تبادل نظر نمیتواند بموجودیت خود ادامه دهد.

مناسقاته در جریان مباحثه خیلی زود معلوم شد که پائیان این مباحثه از اصول اعلامیه های ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ منحرف شده اند و سپس مباحثه شکل مبارزه سیاسی انشعاب طلبانه ای را در داخل جنبش کمونیستی کسب کرد. موازن، سنن و اصول مناسقات میان احزاب بنحوتها نجان نقض گردید. برخی از احزاب کمونیست در معرض اتهامات بی پایه روزیوئیسم حتی بند هست با امپریالیسم قرار گرفتند.

اختلافات حزبی در مناسقات دولتی میان کشورهای سوسیالیستی تاثیر منفی بخشید. براین اساس در کار سازمانهای توده ای بین المللی، که کمونیستها در آنها نقش عمده دارند، نیز دشواریهایی پدید آمدند.

خطر بزرگی که برای مناسقات عادی میان احزاب برای صفوف کمونیستی وجود دارد نظریه ایست که بموجب آن یک حزب کمونیست خود را ناو رکمل مینامد و بخود حق میدهد راسا معین کند که آیا احزاب دیگر - مارکسیست - لنینیست هستند یا روزیوئیست. اکثر ناسیونالیست هستند یا ناسیونالیست، انقلابی هستند یا فرمیست، قادرند مارکسیسم - لنینیسم را با شرایط مشخص کشور تطبیق دهند، مبارزه انقلابی پرولتاریا خودهای بزرگ مردم را رهبری کنند یا نه.

این نظریه بکلی خطاومتنی بر پایه ذهنی با اصول مارکسیسم - لنینیسم مغایرت دارد و راه را برای مدخله در امور احزاب دیگر، برای فعالیت انشعاب طلبانه در احزاب دیگر هموار میسازد و در واقع وجود حزب برگزیده مافوق احزاب دیگر را اعلام میکند. تعیین خصم انقلابی و طبیعت مارکسیستی - لنینیستی یک حزب و تعیین نهادی آن بخلق قبل از هر کسب حق معناز طبقه کارگر و تمام زحماتشان خود کشور است.

ایرادات اتهامات بی پایه علیه این یا آن حزب کمونیست علامتشرطی برای انشعاب طلبان بود.

در برخی از کشورها هم اکنون دستمندیهای فراکسیونیستی کم عده ولی بسیار پر قیل و قال بوجود آمده که بشدت سرگرم فعالیت انشعاب طلبانه هستند. از آن جمله اند مثلا دسته بندیهای ضد حزبی "کسار مترقی"، "پنک و پولاد" و غیره که از حاضر مرتد و ماجراجو تشکیل میشوند برای تشکیل "حزب مارکسیستی جدید" در ایالات متحده آمریکا تلاش میورزند. گروه ا. هیل در استرالیا علیه حزب کمونیست بم فعالیت تخریبی مشغولست و ضمنا از خارج کمک دریافت میدارد و فرقه انشعابی ژ. گریپ که مشی خود را در جنبه مخالف حزب کمونیست بلژیک قرار داده است.

این او اخر حملات دستمندی عناصر مرتدی بنام آمازوناس، گرابویس و پومار علیه حزب کمونیست برزیل شدت یافته است. این دسته خود را "حزب کمونیست واقعی برزیل" اعلام کرده است.

دسته ای مرکب از ۶ - ۸ تن از مرتدان و ماجراجویان سیاسی میکوشند حزب مارکسیستی کارسویس را "اصلاح" کنند و اعلام میدارند که حزب کمونیست حقیقی خود آنها هستند.

اطلاعاتی در دست است چنانکه در برخی از کشورهای دیگر نیز برای ایجاد نظائر این دسته های انشعاب طلب فعالیت بعمل می آید .

دسته بندی پنهانی که بتازگی پدید آمده اند بسیار کم عده هستند . ولی با سماجت درباره قصد خود برای " اصلاح " احزاب موجود سروصدا میکنند . آنها برای استتار غالباً میکوشند سیاهکارهای خود را با سوء استفاده از سخن انقلابی و اتصاحب نام های آشنا و ارجمند پرده پوشی کنند . این قبیل دستمندی های ضد حزبی انواع عناصر گوناگون را از مردمان گرفته تا عناصر افراطی چپ رو ، از انحلال طلبان راست کپاره ها در صد و محوسازمانهای کمونیستی برآمده اند ، گرفته تا عناصر افراطی سکتاریست - برزمنه مبارزه با احزاب کمونیست در صف واحدی متحد سازند .

ماد را اینجا فرصت بررسی تمام جوانب فعالیت تخریبی انشعاب طلبان را نداریم ، ولی میخواهیم این نکته را بخصوص تأکید کنیم که علاوه بر شکل مرئی عملیات ضد حزبی اشکال مخفی عملیات ضد حزبی نیز وجود دارد که بعلمت داشتن پرده ساتر خطر خاصی را برای جنبش کمونیستی در بردارند .  
مطلبی که سخت تولید فکر میکند اینست که دسته بندی پنهانی مذکور که بخودی خود ضعیف ، کم عده و بی بنیه اند غالباً امکانات مادی زیادی در اختیار دارند و مطبوعات فراکسیونستی خود را با تیراژهای گسترده انتشار میدهند .

برای ما مارکسیست ها مایه تا سف بسیار است که انشعاب طلبان محل وحدت حزب می اختابند اراده اعضای حزب در مطبوعات جنبشی کمونیست های انقلابی اصل شناخته میشوند . در عین حال احزاب کمونیست بر هبری آنها بطوریکه جانیته و خود سرانه در عداد روز نویست ها ، دستیاران امپریالیسم و حتی عمال مستقیم آنها نامبرد میشوند .

و این امر در مورد واحد های مبارزی از جنبش انقلابی نظیر احزاب کمونیست ایالات متحده امریکا ، ایتالیا ، فرانسه ، اسپانیا ، شیلی ، عراق ، هند و مستان بسیاری از احزاب کمونیست دیگری انجام میگردد که در شرایطی شاق علیه بجزروازی انحصارگرو در راه صلح و دموکراسی و سوسیالیسم شجاعانه مبارزه میکنند .  
مطلب دیگری هم که به مارکسیست ها هشدار باشد اینست که انشعاب طلبان و اندیشه های آنها تمام آنکسانی را بسوی خود جلب میکنند که خواستار مبارزه علیه احزاب کمونیست ویا لکه زدن بجامعه متحد کشورهای سوسیالیستی هستند . از ناسیونالیست بجزروا و عامی کوهه فکر بچشم آمده گرفته تا عناصر ماجراجو همه و هم میکوشند بنجل ضد کمونیستی خود را با پوشش عبارات انقلابی تعبیر نمایند .  
تروتسکیست ها هم وجد و شعف خود را پنهان نمیدارند . آنها وجود اختلاف نظری در داخل جنبش کمونیستی را تهنیت میگویند ، از پیدایش دسته های انشعاب طلب شادی میکنند ، آنها را مورد پشتیبانی قرار میدهند ، امیدواری افزایش تعداد آنها را دارند و فکر تشکیل سازمان متحد جهانی کلیه نیروهای مخالف وحدت صفوف کمونیستی را در سر میپروراندند .

مخالف ارتجاعی کشورهای سرمایه داری هم سخت دلشادند . این محافل برای دسته های انشعاب طلب ، برای " احزاب جدید کمونیست " تبلیغات پر سروصدا میکنند ، بنشر و پخش مطبوعات آنها کمک میکنند و برای تبلیغ نظریات آنان رادیو و تلویزیون در اختیارشان میگذارند . در این میان کمونیست های واقعی و اد شرایط مخفی فعالیت میکنند و بیاد شوارب های بسیار در کار خود مواجهند و حقوق و آزادی های دموکراتیک آنها را به پنهان های گوناگون محدود میکنند .

در چنین اوضاع و احوالی مانیز مجبوریم نظر خود را درباره این تئوری که میکوشد ضرورت ایجاد احزاب کمونیست موازی را تحت عنوان " اصلاح " احزاب موجود ثابت کند بیان داریم . آیا از نقطه نظر تئوری انقلابی اصولاً طرح مسئله وجود و حزب کمونیست مجاز هست ؟ آیا میتوان در عین پیروی از



مارکسیسم - لنینیسم به ایجاد گروهها و احزاب کمونیست موازی کمک کرد و با وجود آنها موافقت شدنی داشت ؟

تئوری مارکسیستی - لنینیستی و تجربه بیش از صد سال مبارزه طبقاتی آگاهانه پرولتاریا با نهائیت صراحت بدون ابهام باین سؤال پاسخ منسجمی میدهد \* مارکسیسم - لنینیسم تعالیم عام ، واحد و یکپارچه است و این جهت نه در مقیاس ریزین الللی و نه در مقیاس ملی و با چند نوع مارکسیسم نمیتواند وجود داشته باشد \* بر همین اساس در یک کشور واحد هم نمیتواند در آن واحد د و با چند حزب کمونیست وجود داشته باشد \*

استناداتی هم که موجود اکثریت \* خطاکار \* و اقلیت \* درستکار \* و نیز به برخی قرینه سازیهای تاریخی مثلا مبارزه لنین علیه اپروتونیست های انترناسیونال دوم میشود در برابر انتقاد تاب مقاومت ندارد \* این قبیل قرینه سازیهاست پایه ولرزان است زیرا همصید اند که مبارزه لنینیست ها علیه انترناسیونال دوم زمانی گسترش یافت که لیدرهای آن آشکارا بطریق کارگر خیانت کردند و راه سازش با پرژوازی را در پیش گرفتند \* ولی در حال حاضر کسانی که به روزیونیسم متهم میشوند واحد های مبارز و واقعا انقلابی جنبش کارگری یعنی احزاب کمونیست هستند که قهرمانانه با سرمایه داری پیکار میکنند و مبارزه طبقه کارگر را برای درهم پیچیدن طومار سرمایه انحصارگر رهبری مینمایند و انترناسیونالیست های لنینیست اصیل هستند \*

مارکسیسم - لنینیسم در تعیین جای تاریخی و اهمیت این یا آن جریان سیاسی نقش قاطع پراتیک را مملک قرار میدهد \* این پراتیک مبارزه طبقاتی است که خصلت و واقعا انقلابی فعالیت تئوریک و سیاسی احزاب کمونیست و کارگری را بطور منجز و دقیق معین میکند \* و همین پراتیک است که ماهیت واقعی دسته بندیها و احزاب \* جدید التاسیس را با تمام کراهت آن آشکار میسازد \* این دسته بندیها هر اندازه هم که در رفتار نظریات انقلابی تبلیغ کنند - در زندگی اجتماعی یعنی در کردار فقط یک نقش سازشی میکنند و آن اینکه دست افزار پرژوازی در مبارزه علیه کمونیسم هستند \*

مارکسیست ها در عین درک خطر جدی اعمال انشعاب طلبانه به هیچ وجه در مورد اختلاف نظرهای موجود در جنبش جهانی کمونیستی غول نمیکند ، این اختلافات را فاجعه نمیدانند و در مورد نقش حقیقی دسته بندیهای ضد حزبی هم دچار مغالظه نمیشوند \*

میلیونها کمونیست بمباحثات توجه جدی نشان داده اند \* در جریان مباحثات - احزاب کمونیست اعضا \* خود را از تمام مسائل مورد اختلاف مطلع ساخته اند \* سمت اساسی سیاست ، استراتژی و تاکتیک جنبش کمونیستی نیز در احزاب مورد بحث دامنه دار قرار گرفت \* کمونیستها نظریات اشتباه آمیزی را که در مورد این مسائل وجود داشته و مغایر با اسناد مصوبه جلسات مشاوره سکواست مورد انتقاد قرار دادند و مراتب پشتیبانی قاطع خود را از اعلامیه های ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ اعلام نمودند \* کمونیستها در زیر پرچم این اعلامیهها متحد شدند و دست بدست یکدیگر دادند تا با مبارزه مشترک ضربهات تازه ای بدشمن خود - پرژوازی انحصارگر وارد سازند \*

ارتجاع جهانی به این امید دلخوش کرده است که اختلافات موجود در جنبش جهانی کمونیستی کمونیستها را از مبارزه طبقاتی علیه نظام سرمایه داری منحرف خواهد کرد \* در میان میاستمداران



بهره‌رؤا پیشگویان بسیاری هستند که مدعی اند این اختلافات بیشتر از پیش عمیق خواهد شد و جهان یکپارچه سوسیالیستی بگروه بند پهای مخالف یکدیگر منشعب خواهند گشت و این امر به نظام سرمایه داری امکان خواهد داد نه فقط مواضع خود را حفظ کنند بلکه حتی آنها را توسعه دهد .

ولی این پیشگوئی‌های کلی بچون وعیم است . علت این خوش بینی هم تجربه تاریخی است و هم درک عمیق کمونیست‌ها در مورد ضرورت حیاتی وحدت . احزاب کمونیست نقش خود را بعنوان پیشاهنگ انقلابی طبقه کارگر و توده‌های محکشان بخوبی درک میکنند و حتی برای یک لحظه نیز فراموش نمیکنند که دشمن اساسی آنها بهره‌رؤا و انحصارگراست . آنها خوب میدانند که وثیقه کامیابی در تجربه امپریالیسم جهانی تحکیم صفوف مجموعه جنبش جهانی کمونیستی است .

مناطق جنبش انقلابی و وظائف مردم مبارزه در راه صلح ، دموکراسی و سوسیالیسم نفع آنها رفع اختلافات موجود و تحکیم وحدت را امرانه طلب میکند بلکه در عین حال امکانات جدیدی نیز برای همبستگی کشورهای سوسیالیستی و اتحاد احزاب کمونیست و تمام کمونیست‌ها در تشر واحد مبارزه فعال راه پیشرفت تاریخ فراهم میآورد . ضرورت عینی وحدت برای خود راه باز میکند و این راه را ناگزیر هموار خواهد ساخت .

احزاب کمونیست در همان حال که تمام سعی خود را برای تحکیم وحدت صفوف خویش بر اساس مارکسیسم خلاق بکار میبرند و از تئوری انقلابی و مشی عمومی مشترک تنظیم شده در قبالت تمام انحرافات و حملات دفاع میکنند برای آید یکنی آید فولوژیک و پیوستگی سازمانی صفوف اعتمای خویش نیز کار زیاد انجام میدهند .

احزاب کمونیست این اصل را مآخذ قرار میدهند که کمونیست‌ها باید همه چیز را بدانند و هم در عملی ساختن مشی سیاسی و هم در تعیین این مشی شرکت فعال داشته باشند . در بسیاری از احزاب ضمن بخشهای متعدد در مسائل مهم تئوریک و نیز هدهدهای پراتیک مبارزه انقلابی مورد شور و صد آقه قرار میگیرد .

در اثر این جستجوها بررسیهای خلاق فعالیت احزاب کمونیست تنوع بیشتری کسب کرده است . پس از پایان بحث و اتخاذ تصمیمات لازم هر سازمان و هر کمونیست با اطمینانی بیش از پیش مبارزه برای عملی ساختن این تصمیمات میبرد آرد .

احزاب بمنظور تحکیم وحدت ، بر اساس تجربه عملی کشورهای خود خطر دکماتیسم رویزیونیسم ، سکتاریسم و مآخراجویی خرده بهره‌رؤا می رانسان میدهند . وقتی برای برخی از کمونیست‌ها ابهام ، تردید و تزلزل پدید میآید سازمانهای حزبی صبورانه و بی‌مضایقه از صرف وقت و نیرو میکوشند رفقای را که به تردید و تزلزل گرفتار شده اند بهضاد رستی نظریاتشان متقاعد سازند . سازمانهای حزبی به کمونیست‌های گمراه شده کمک میکنند اشتباهات خود را بر طرف سازند و راه صحیح مبارزه فعال را در پیش گیرند .

احزاب کمونیست به تربیت آید فولوژیک کمونیست‌های جوان با روح مارکسیسم - لنینیسم توجه خاصی معطوف میدارند . آنها میآموزند که چگونه باید ماهیت تسلیم طلبانه انشعابیون را در پس عیارت پردازی های انقلابی نمای آنها تشخیص داد .

احزاب کمونیست همزمان با مبارزه در راه وحدت برای برانداختن بازماند مهای سکتاریسم و اعتزال نیز بهند میوزند و کارمیان قشرهای بزرگ اهالی و سازمانهای توده ای را بهبود می بخشند .

در عین حال احزاب علیه کلیه افراد و دسته بندیهای که انضباط حزبی و اصول سازمانی لنینی را نقض میکنند و مایل به تبعیت از تصمیمات جمعی حزب نیستند و میکوشند فعالیت فرآکسیونستی خود را از پیش ببرند - با قطعیت تمام مبارزه میکنند .

بر اساس تجربه و تحلیل دقیق پروسه هایی که در جنبش جهانی کمونیستی صورت میگیرد بررسی ادله پراهمتی کهگاه در جریان مباحثات به پیش کشید ، میشود به نتیجه ای که هم اکنون از مبارزه با رویزیونیسم و دکماتیسم در دست است - مامیتوانیم با اطمینان کامل به صحت نظر خود تاکید کنیم که

راه اصلی رفع اختلاف و تأمین همبستگی جنبش جهانی کمونیستی عبارتست از تحکیم و توسعه انترناسیونال پرولتری بر پایه تحقق اصول آن در فعالیت داخل احزاب، در مناسبات میان احزاب و در تمام زمینه های کار در میان توده ها. زیرا بطوریکه حوادث سالهای اخیر نشان میدهد با وجود اختلاف ظاهری این یا آن انحراف یا صراحت پرورشی هر چه بیشتری آشکار میشود که همه این انحرافات ماهیت واحدی دارند و آن ناسیونالیسم است که بعنوان واکنشی در مقابل ستم ملی موجود در جهان بورژوازی و بعنوان شقی در مقابل موازینی که در دوران کیش شخصیت پاره جنبش کمونیستی تحمیل شده و منحل استقلال احزاب بود - اشاعه می یابد.

ناسیونالیستها از پروسه تحکیم استقلال احزاب که بطور عینی پروسه سالم و لازمی است برای پیشرفت مقاصد کوتاه بینانه و خود خواهانه خویش استفاده میکنند و احزاب را امیدارند تا از مرز میان استقلال که دارای اهمیت حیاتی است از یکسو و انفراد و انزوا که احزاب کمونیست را از جنبش کمونیستی جدا میسازد از سوی دیگر، تجاوز نکنند، از مرزی تجاوز نکنند که در ظاهر امر همیشه کاملاً مشهود نیست، ولی از لحاظ سیاسی کاملاً قابل تشخیص است. خود جنبش را هم آنها میگویند یا حصارهای ملی مرز بندی کنند.

در این شرایط احزاب کمونیست، بطوریکه از اسناد آنها برمیآید اهمیت خاصی قائلند برای آنکه نه فقط اندیشه های انترناسیونالیسم پرولتری را تبلیغ کنند بلکه اعتمای حزب را نیز از طریق نشان دادن نمونه های مشخص همبستگی بین المللی پرولتری با روح این اصول تربیت نمایند. انترناسیونالیست اصیل پشتیبانی از جنبش انقلابی را در هر نقطه از جهان و وظیفه عملی خود میدانند. توده مردم سراسر جهان هنگامیکه خطر تهاجم امپریالیسم امریکا کوهارا تهدید میکرد تجلی بازار و اثر بخش انترناسیونالیسم پرولتری را بخصی دیدند و احساس کردند. پرولترهای تمام کشورها و ملل کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول مردم اتحاد شوروی بیاری ملت قهرمان کوه شتافتند.

انترناسیونالیسم پرولتری نه فقط برابری احزاب کمونیست در تنظیم مشی عمومی جنبش انقلابی بلکه در عین حال برابری مسئولیت آنها را در مورد عملی ساختن این مشی و تحکیم وحدت جنبش کمونیستی نیز ایجاب میکند. وقتی میگویند که در جنبش کمونیستی احزاب رهبری کنند و احزاب رهبری شوند و وجود ندارند معنایش آنستکه هر حزب بنوع خود علیه هر آنچه که موجب تضعیف وحدت میگردد و علیه کلیه عواملیکه موجب بروز انشعاب در ارتش کمونیستها میشود بطور فعال مبارزه میکنند. در داخل حزب نیز هر فرد کمونیست که با روح انترناسیونالیسم پرولتری تربیت شده است مبارزه در راه وحدت حزب خود و همبستگی با تمام جنبش جهانی کمونیستی را وظیفه خویش میدانند.

شرط حتمی و مسلم مبارزه با گرایشهای انشعابی در جنبش جهانی کمونیستی عبارتست از برانداختن تمام عواقب و مظاهر کیش شخصیت در هر یک از واحدهای جداگانه جنبش. ناسیونالیسم که در بالا از آن سخن رفت مظاهر کیش شخصیت را تقویت میکند و از مانده های کیش شخصیت نیز نمونه خود گرایشهای ناسیونالیستی را تشدید مینماید.

برانداختن عواقب هلاکت پارکیش شخصیت، تحکیم هر چه بیشتر رهبری جمعی در امر حزبی، توسعه مستمر دموکراسی درون حزبی و تشدید فعالیت کمونیستها احزاب را از تصادمات تاریخی نظیر تاثیرات منفی نقش شخصیت در فعالیت آنان مصون میسازد. در عین حال این امر مطمئن ترین پاد زهر انشعاب طلبی و اسلوب قاطع بر طرف ساختن اشتباهات و گمراهیهاست. بدینسان موجبات لازم برای آنکه کمونیستها در تنظیم سیاست حزب تاثیر مستقیم به بخشند و در تحقق شعارهای سیاسی شرکت علی بنمایند، فراهم میگردد. توسعه عرصه برای فعالیت صفوف حزبی برسد که اگر چه رهبران کمک میکند و نقش و اهمیت رهبرانی را که قادر باشند تجربه توده ها را از نظرگاه مارکسیسم - لنینیسم جمع آوری کنند و افزایش قدرت

پیکار حزب مساعدت نمایند - بالامیبرد .

کمونیست ها خوب میدانند که مبارزه انقلابی بهترین و مطمئن ترین وسیله تحکیم وحدت حزب و افزایش استعداد آن برای عملیات فعال است . تود مها در این مبارزه صحت انواع مختلف نظریات تئوریک را به محک آزمایش میگذارند ، نظریات صحیح را میپذیرند و نظریات غلط را رد میکنند . لنین نوشته است :  
 " تربیت واقعی تود مها هیچوقت نمیتواند جد از مبارزه مستقل سیاسی و مخصوص از مبارزه مستقل انقلابی خود تود مها انجام گیرد " ( کلیات آثار ، جلد ۲۳ ، ص ۲۳۳ ) .

فعالیت انقلابی روزمره کمونیست ها و هر کامیابی آنها در امر تحول انقلابی جامعه گام علی و واقعی در راه تحکیم وحدت است . تجلی علی این امر عبارتست از توسعه همکاری احزاب کمونیست کشورهای سرمایه داری رشد یافته در مبارزه علیه انحصارات متعلق به چند کشور ، محکتر شدن و متنوعتر شدن پیوند طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری با جنبش روز افزون ملی آزاد بیخشم ملل که بنیه خود موجب پیدایش اشکال جدید تعرض مشترک و منطبق با اصول انترناسیونالیسم پرولتری علیه امپریالیسم میگردد ، تنوع اسالیب مشخص مبارزه در راه وحدت طبقه کارگر کشورهای مختلف ، خلاقیت بیشتر احزاب کمونیست کشورهای سوسیالیستی در برخورد بمسائل سیاسی و اقتصادی ، تکمیل دیپلماتی سوسیالیستی ، جاذب تروجاند ارتشده اشکال کار سیاسی توده ای در میان زحمتکشان و سرانجام تشدید فعالیت سیاست خارجی صلحد و ستانه کشورهای سوسیالیستی . این کامیابیها موجبات لازم را برای ایراد ضربات نیرومند به اتنی کمونیسم فراهم ساختند و در مواردی دامنه نفوذ کمونیست ها را در میان قشرهای بزرگ زحمتکشان توسعه دادند و در موارد دیگر امکانات بالقوه دیگری برای این توسعه بوجود میآورند .

بدون ادنی تردید میتوان گفت که اگر در راه جنبش کمونیستی دشواریهای ناشی از اختلافات جدی پدید نیامده بود در هر مبارزه کمونیست ها پیش از اینها بود و دستاورد های کنونی آنان نیز در نزد توده مردم سراسر کیتی طنین رساتر و شورانگیزتر داشت .

مبارزه علیه خطر انشعاب دعوت تجربدی بوحدت نیست بلکه باید در حل مسائل تئوریک و پراتیک که سیر تکامل تاریخ در کلیه شئون حیات اجتماعی به پیش کشیده - بر پایه اصول کمونیسم شرکت فعال داشت .

هر حزب مارکسیست - لنینیست و هر فرد کمونیست اندیشناک عواقب اختلاف نظرهای آشکار شده است . در عین حال احزاب این مطلب را بروشنی درک میکنند که اگر این اختلاف نظر هاباقی بماند و طریق اولی اگر اختلافات موجود عمیقتر شود به جنبش کمونیستی جهان خسران جدی وارد خواهد آمد . چنین حادثه ای نباید روی دهد .

امروزه فقط طبقه کارگر نقش و اهمیت جنبش کارگری و وحدت این جنبش را درک میکند بلکه تمام عناصر ترقیخواه جهان نیز دارند به این حقیقت پی میبرند . مباحثاتی که در جنبش جهانی کمونیستی انجام میگردد و مسائلی که در جریان این مباحثات طرح میشود در مرکز توجه تمام جامعه بشری است . این اواخر عده هر چه بیشتری از احزاب کمونیست پیشنهاد های خود را برای رفع اختلافات در جنبش جهانی کمونیستی مطرح میسازند .

احزاب کمونیست بر آنند که نخستین گام در راه حصول این مقصود عبارتست از قطع مباحثه غنی و انتخاب اشکال دیگر برای بحث پیرامون مسائل مورد اختلاف از طریق مذاکرات دو جانبه یا چند جانبه زیر مباحثه ای که از حد خود بیسی فراتر می رود فقط دشمنان کمونیسم را دلشاد میسازد . این فکر مطرح است که جلسه مشاوره احزاب کمونیست پس از تدارک دقیق تشکیل شود .

شرط حتمی دیگر برقراری وحدت عبارتست از قطع حملات با احزاب و قطع مد اخله در امر و داخلی

آنها و خود داری از هرگونه فعالیت تخریبی و از هرگونه پشتیبانی از گروه‌های انشعاب طلب و از مطبوعات آنها .

در این اوضاع احوال فعالیت هر یک از احزاب مارکسیست - لنینیست و شرکت آن در مبارزه - بسرای تامین وحدت و برای تحقق فرارهای مشترک و تکامل خلاق ثغوری و پراتیک انقلابی و پیشرفت بسوی کمونیسم - اهمیت درجه اول دارد .

مبارزه در راه وحدت جنبش جهانی کمونیستی نمیتواند انحصار یک یا چند حزب باشد - این مبارزه دین انترناسیونالیستی و بزرگترین وظیفه تاریخی یکایک احزاب کمونیست و تمام جنبش جهانی است . جنبش کمونیستی در یکی از مراحل قطعی تکامل خویش است و ما اطمینان را سخ داریم که این جنبش از عهد رفیع اختلافات موجود برخوردارند و در آینده متحد تر و مقتدر تر خواهد شد .

در این اوضاع احوال فعالیت هر یک از احزاب مارکسیست - لنینیست و شرکت آن در مبارزه - بسرای تامین وحدت و برای تحقق فرارهای مشترک و تکامل خلاق ثغوری و پراتیک انقلابی و پیشرفت بسوی کمونیسم - اهمیت درجه اول دارد .

مبارزه در راه وحدت جنبش جهانی کمونیستی نمیتواند انحصار یک یا چند حزب باشد - این مبارزه دین انترناسیونالیستی و بزرگترین وظیفه تاریخی یکایک احزاب کمونیست و تمام جنبش جهانی است . جنبش کمونیستی در یکی از مراحل قطعی تکامل خویش است و ما اطمینان را سخ داریم که این جنبش از عهد رفیع اختلافات موجود برخوردارند و در آینده متحد تر و مقتدر تر خواهد شد .

مبارزه در راه وحدت جنبش جهانی کمونیستی نمیتواند انحصار یک یا چند حزب باشد - این مبارزه دین انترناسیونالیستی و بزرگترین وظیفه تاریخی یکایک احزاب کمونیست و تمام جنبش جهانی است . جنبش کمونیستی در یکی از مراحل قطعی تکامل خویش است و ما اطمینان را سخ داریم که این جنبش از عهد رفیع اختلافات موجود برخوردارند و در آینده متحد تر و مقتدر تر خواهد شد .

مبارزه در راه وحدت جنبش جهانی کمونیستی نمیتواند انحصار یک یا چند حزب باشد - این مبارزه دین انترناسیونالیستی و بزرگترین وظیفه تاریخی یکایک احزاب کمونیست و تمام جنبش جهانی است . جنبش کمونیستی در یکی از مراحل قطعی تکامل خویش است و ما اطمینان را سخ داریم که این جنبش از عهد رفیع اختلافات موجود برخوردارند و در آینده متحد تر و مقتدر تر خواهد شد .

مبارزه در راه وحدت جنبش جهانی کمونیستی نمیتواند انحصار یک یا چند حزب باشد - این مبارزه دین انترناسیونالیستی و بزرگترین وظیفه تاریخی یکایک احزاب کمونیست و تمام جنبش جهانی است . جنبش کمونیستی در یکی از مراحل قطعی تکامل خویش است و ما اطمینان را سخ داریم که این جنبش از عهد رفیع اختلافات موجود برخوردارند و در آینده متحد تر و مقتدر تر خواهد شد .

مبارزه در راه وحدت جنبش جهانی کمونیستی نمیتواند انحصار یک یا چند حزب باشد - این مبارزه دین انترناسیونالیستی و بزرگترین وظیفه تاریخی یکایک احزاب کمونیست و تمام جنبش جهانی است . جنبش کمونیستی در یکی از مراحل قطعی تکامل خویش است و ما اطمینان را سخ داریم که این جنبش از عهد رفیع اختلافات موجود برخوردارند و در آینده متحد تر و مقتدر تر خواهد شد .

مبارزه در راه وحدت جنبش جهانی کمونیستی نمیتواند انحصار یک یا چند حزب باشد - این مبارزه دین انترناسیونالیستی و بزرگترین وظیفه تاریخی یکایک احزاب کمونیست و تمام جنبش جهانی است . جنبش کمونیستی در یکی از مراحل قطعی تکامل خویش است و ما اطمینان را سخ داریم که این جنبش از عهد رفیع اختلافات موجود برخوردارند و در آینده متحد تر و مقتدر تر خواهد شد .

مبارزه در راه وحدت جنبش جهانی کمونیستی نمیتواند انحصار یک یا چند حزب باشد - این مبارزه دین انترناسیونالیستی و بزرگترین وظیفه تاریخی یکایک احزاب کمونیست و تمام جنبش جهانی است . جنبش کمونیستی در یکی از مراحل قطعی تکامل خویش است و ما اطمینان را سخ داریم که این جنبش از عهد رفیع اختلافات موجود برخوردارند و در آینده متحد تر و مقتدر تر خواهد شد .

# حزب کمونیست اتحاد شوروی

## پیشاهنگی جنبش جهانی کمونیستی است

زایعه پیرس

امپریالیست‌ها عجلوانه اعلام میکنند که جنبش جهانی کمونیستی، در اثر مباحثه ای که در آن دامن گرفته، به بحران علاج ناپذیری دچار شده است. آنها چهل و شش سال پیش نیز درباره جنبش‌ها همین مطلب را می‌گفتند. ولی تاریخ نشان داد که آنها در آن زمان مطلوب خود را موجود می‌گرفتند. جنبش کمونیستی همواره از تمام‌زمایش‌ها یا آبدیدگی و نیرومندی بیشتر بیرون آمده است. این امر بخصوص برای دوران مصادیق است. واقعیات عینی گواه بر آنست که قدرت جنبش کمونیستی و کارگری، پیشرفت لاینقطع سیستم جهانی سوسیالیستی و تشدید فعالیت احزاب کمونیست است که هزاره آنها با مبارز تمام هواداران صلح، دموکراسی، آزادی ملی و سوسیالیسم درهم آمیخته.

ما اطمینان داریم که مردم شوروی، مردم بانی نخستین کشور سوسیالیستی جهان - برنامه ساختن کمونیسم را در سر مودیکه معین کرده‌اند و بانجام خواهند رساند. و این امر افکار میلیون‌ها نفر را در گرسون خواهد کرد. همه تسریع پروژه انقلابی جهان کمک خواهد نمود. ما با استفاده از کامیابی‌های نوین ساختن کمونیسم و دفاع از صلح و اعتلا جنبش انقلابی آزاد بیختر شرایطی بوجود خواهیم آورد که در آن میتوانیم مناقشه تاریخی با امپریالیسم را بطور قطع حل کنیم. امروز نیروی وجود ندارد که بتواند از پیروزی تاریخی ما جلوگیری نماید. طبیعی است که سرعت نیل باین پیروزی بحدت جنبش ما بستگی خواهد داشت.

کمونیست‌های سراسر جهان بمناسبت مباحثه آشکاری که اخیراً در جنبش ما آغاز شده و در جریان آن احکام اساسی اسناد مصوبه کمونیسم جهانی یعنی اعلامیه‌های ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ مورد تردید قرار میگردد - نمیتوانند در خود نگرانی حدی احساس نکنند.

احزاب کمونیست مشی خود را در جلسات مشاوره سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰

معین کردند. اسناد مصوبه در این جلسات مشاوره برنامه جنبش جهانی

کمونیستی هستند و نظر تمام احزاب کمونیست را منعکس می‌سازند.

تنظیم و تصویب این اسناد بطریق زیر انجام گرفت: کمیته مرکزی حزب

مشی عمومی جنبش

جهانی کمونیستی

چگونه تنظیم شد؟

کمونیست اتحاد شوروی ضمن استقبال از تمایل احزاب برادر برای تدارک جلسه مشاوره سال ۱۹۵۷ کسار

سازمانی دامنه داری انجام داد. کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی طرح سندی را، که بعدها

مبنای اعلامیه سال ۱۹۵۷ قرار گرفت تنظیم کرد و مقدمات برای احزاب کمونیست کشورهای سوسیالیستی فرستاد.

طرح اعلامیه با موافقت مشترک حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب کمونیست چین برای بررسی به جلسه

مشاوره تقدیم شد. هیئت‌های نمایندگی احزاب کمونیست کشورهای سرماپه داری در جریان کار جلسه

مشاوره طرح مذکور را مورد بررسی قرار دادند و ملاحظات و نظریات تکمیلی خود را در آن وارد کردند.

بدینسان تمام هیئت های نمایندگی حاضر در مسکوری این سند تاریخی کار کردند . با آنکه اعلامیه از طرف نمایندگان ۱۲ کشور سوسیالیستی امضا شد ولی همالا این سند نتیجه کار خلاق جمعی و نتیجه بررسی نمایندگان تقریباً هفتاد حزب برادر بود .

این اعلامیه بعد ها از طرف تمام احزاب کمونیست و کارگری تأیید شد و اهمیت سند برنامه ای جنبش جهانی کمونیستی را کسب نمود .

طرح اعلامیه مصوبه ۸۱ حزب در سال ۱۹۶۰ از طرف کمیسیونی تهیه شده که نمایندگان بیش از ۲۰ حزب در آن شرکت داشتند . آنها روی هرتز ، هر جمل و هر کلمه بدقت تعمق کردند ، آنرا سنجیدند و سپس طرح اعلامیه در جلسه مشاوه ۸۱ حزب جز به جز مورد بحث و مذاکره قرار گرفت و تصویب رسید . در اعلامیه های ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ تجربه حاصله در جریان تکامل جنبش کمونیستی در آن کنونی و تجربه مبارزه انقلابی توده ها از لحاظ تئوریک تلخیص شد . در این دو اعلامیه هم تجربه بین المللی و هم تجربه ملی هر حزب منعکس شد مبر اساس تجزیه و تحلیل این تجربه یکسلسله نتیجه گیریهای اساسی درباره مسائل مربوط به طرق ساختمان سوسیالیسم ، همزیستی مسالمت آمیز و امکان پیشگیری از جنگ در دوران کنونی و غیره - بعمل آمده است .

همانطور که تذکر شدیم در تنظیم این اسناد تمام احزاب با استفاده از حقوق برابر شرکت داشتند . کاملاً طبیعی است که در این میان بزرگترین سهم را آن احزابی داشتند که انقلاب کرده اند . معنی احزابی که در امر تصرف قدرت و ساختمان سوسیالیسم تجربه عملی دارند .

چرا کمونیست ها حزب کمونیست اتحاد شوروی را پیشاهنگ خود میدانند ؟

احزاب کمونیست تمام کشورها در زمینه مبارزه طبقاتی بدرجات مختلف تجربه اندوخته اند . ولی بنا بر عمل تاریخی بزرگترین و متنوعترین تجربه از آن حزب کمونیست اتحاد شوروی است . نخستین حلقه زنجیر امپریالیسم در روسیه قدیم یعنی در روسیه تزاری از هم گسست . این انقلاب تحت رهبری حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست انجام گرفت . خدمت تاریخی حزب کمونیست اتحاد شوروی آنستکه امکان تصرف قدرت توسط پرولتاریا و امکان ساختمان جامعه سوسیالیستی را به ثبوت رسانید . حزب کمونیست اتحاد شوروی معضد ترین مسائل ساختمان سوسیالیسم را از لحاظ تئوریک مطرح کرد و موجبات حل عملی آنها را فراهم ساخت . ملل دیگر نیز راه رسیدن به سوسیالیسم را نشان داد . سنگین ترین بار دفاع از دستاوردهای انقلابی نیز بدوش اتحاد شوروی افتاد . وقتی ابرهای سیاه خطر فاشیسم آسمان سراسر جهان را پوشانید اتحاد شوروی علیه فاشیسم به پیکار حیات و ممات برخاست . در همین جنگ جهانی برای اتحاد شوروی به بهای میلیونها جان انسانی تمام شد . ویرانی های عظیمی در کشور بارآمد که تا آن زمان هیچ ملتی نظیر آنرا ندیده بود . تاریخ نشان داد که فقط با بودن یک دولت مقتدر سوسیالیستی میشد طور ما را فاشیسم را درهم پیچید . اکنون مردم شوروی تحت رهبری حزب کمونیست با ساختمان جامعه کمونیستی پرداخته اند و اطمینان دارند که راه رسیدن به کمونیسم را بروی جامعه انسانی خواهند گشود . اتحاد شوروی بموازات رشد فوق العاده سریع اقتصاد خود و ترقیع سطح زندگی مردم خویش تمام کشورهای که امروز سیستم سوسیالیستی را تشکیل میدهند و تمام مللی که پس از شکست بندهای بردگی استعماری به بنیاد گذاری کشورهای مستقل خویش پرداخته اند کمکهای گرانبهائی را میدارد .

ما مردم امریکای لاتین کمکهای راکه به کما میشود خوب می بینیم برای آن ارزشی بسزا داریم . رفیق آریسمندی بد رستی گفته است که پس از پیروزی انقلاب کما همه چیز در امریکای لاتین دگرگون خواهد شد .



درواقع نیز همینطور است • امروز در قاره‌ها کماکان سوسیالیستی وجود دارد • کمک‌های جوان مردان — پیشانیه اتحاد شوروی به کماکان نظریات میلیون‌ها تن از مردم امریکای لاتین که اتحاد شوروی را از خلال گرد و غبار تبلیغات امپریالیستی میدیدند — انقلاب واقعی ایجاد کرد • متأسفانه هنوز هم تمیداننده این کمک به کماکان فقط قسمتی از نسائی عظیمی است که اتحاد شوروی برای کمک‌های هم‌جان به کمک‌های سوسیالیستی و نیز بمللی که از قید تسلط استعمار آزاد شده یا در حال آزاد شدن هستند — میدارد •

فیدل کاسترو ضمن اشاره به کمک‌های پیشانیه اتحاد شوروی خاطر نشان ساخته است که :

\* کشوری که بخاطر دفاع از استقلال کوچک ، آنهم ملتی که هزاران کیلومتر از آن دورتر است ، تمام نعمی را که طی ۴۵ سال کار خلاق و به بهای قربانی‌های عظیم بدست آورده بود در کفتر از وی جنگ هسته ای قرار داد — چنین کشوری با تمام مجد و عظمت خود خواهد درخشید • کشور شوروی که در دوران جنگ کبیر میهنی علیه فاشیست‌ها بیشتر از مجموعه جمعیت‌ها جان نثار کرد تا از حق حیات و ثروت‌های عظیم خود دفاع کند — هنگامیکه پای دفاع از کشور کوچک ما بمیان آمد ، در استقبال از خطر جنگ صعب تزلزل بخود راهم نداد • تاریخ نشان‌دهنده همین استگی را بیاد ندارد • اینست انترناسیونالیسم • اینست کمونیسم • اتحاد شوروی سواى کمک‌هایی که بکشورها و ملل دیگر می‌دهد و ملل دیگر می‌دهد سبب عظیم بار دفاع از مجموعه سیستم جهانی را نیز با تکمیل کردن سلاح هسته ای بدو ش خود دارد • ماکه از اقتدار نظامی و تکنیکی اتحاد شوروی دلشادیم ( این اقتدار بیشک یکی از عوامل مهم حفظ صلح است ) — باید در نظر داشته باشیم که مردم شوروی این اقتدار را با صرف هزینه‌های هنگفت غیرمولد بوجود آورده اند •

خلاصه کلام آنکه اتحاد شوروی در خلال تمام تاریخ پرافتخار خود در عمل نشان داده است که انقلاب چگونه انجام بگیرد و سوسیالیسم چگونه ساخته میشود • امروز نیز اتحاد شوروی راه رسیدن به کمونیسم را از لحاظ تئوریک و پراتیک هموار میسازد •

<p>اتحاد شوروی و حزب کمونیست اتحاد شوروی در طول ۴۶ سال تمام همواره آماج دلیذ پرافتراء و محله از طرف امپریالیست‌ها و انواع مختلف مرتجعین بوده اند • نحوه برخورد به حزب لنینی و کشور اتحاد شوروی برای کمونیست‌های تمام مناطق جهان سنگ محک محسوب میشود • روش ضد شوروی با عنوان کمونیست همساز نیست • ماکمونیست‌های ابروگوه برانیم که ضریب زدن به حزب کمونیست اتحاد شوروی ضریب زدن به تمام جنبش جهانی کمونیستی است •</p>	<p><u>روش ضد شوروی با عنوان کمونیست همساز نیست •</u></p>
---	--

ولی در برخی از روزنامه‌ها ادعا میشود که این مطلب فقط تال‌حظه پیدایش سیستم جهانی سوسیالیسم صحیح بود و اکنون دیگر گویا این موضوع کهنه شده است • ولی چنین نظری با مفاد اعلامیه سال ۱۹۶۰ یکلی متضاد است • در این اعلامیه گفته میشود : " احزاب کمونیست و کارگری با اتفاق اعلام میدارند که حزب کمونیست اتحاد شوروی که مجرب‌ترین و آبدیدترین واحد جنبش جهانی کمونیستی است پیشاهنگ مورد قبول تمام جنبش جهانی کمونیستی هست و از این پس نیز خواهد بود • تجربه حزب کمونیست اتحاد شوروی که در جریان مبارزه برای پیروزی طبقه کارگر ، در جریان ساختمان سوسیالیسم و ساختمان دامنه دار کمونیسم بدست آمده برای تمام جنبش جهانی کمونیستی اهمیت اصولی دارد • نمونه اتحاد شوروی و همبستگی برادرانه آن به تمام احزاب کمونیست در مبارزه برای تأمین صلح و سوسیالیسم الهام‌بخشند و تحقق اصول انقلابی انترناسیونالیسم پرولتاری را در عمل متجلی میسازد • قرارهای تاریخی کنگر میسبب حزب کمونیست اتحاد شوروی نه فقط برای حزب کمونیست اتحاد شوروی برای ساختمان کمونیسم در اتحاد



شوروی اهمیت عظیم دارد بلکه در جنبش جهانی کمونیستی نیز مرحله تازه ای را آغاز نموده و تکامل  
بیش از پیش این جنبش بر بنیاد مارکسیسم - لنینیسم مساعدت نموده است \*  
شناسایی نقش برجسته ای که حزب کمونیست اتحاد شوروی در جریان تکامل تاریخی جامعه بشری  
ایفا میکند بنا بر ملاحظاتی و مقتضیات روزی با خاطر قبول صرفاً جوانمردانه خدمات کمونیست های شوروی  
و تمام مردم شوروی نیست \* این مسئله برای هر فرد کمونیست مسئله اصولی مبارزه انقلابی بوده و خواهد  
بود \* حتی زمانی هم که کمونیسم در سراسر جهان پیروز شود باز جامعه انسانی همچنان سپاسگاری خود  
را نسبت به مردمی که نخستین بار نشان دادند انقلاب سوسیالیستی - حافظ و دارس مصلحت تمام ملل  
مبارزه استقلال یعنی چه - حفظ خواهد کرد \*

با خاطر حقیقت باید یاد آوری کرده که هیئت نمایندگی جنبی اتحاد شوروی در جلسه مشاوره سال ۱۹۶۰  
پیشنهاد کرده در متن اعلامیه نوشته نشود که حزب کمونیست اتحاد شوروی در رأس جنبش کمونیستی قرار  
دارد \* کمونیست های شوروی بنا بر ملاحظاتی اصولی غالبه تاکید میکردند که در جنبش کمونیستی احزاب  
" مافوق " و " مادون " وجود ندارند ، همه احزاب کمونیست برابر و مستقلند و در مقابل سرنویست جنبش  
کمونیستی ، در مقابل پیروزیها و شکستهای آن مسئولیت برابر دارند \* هر حزب کمونیست در مقابل زحمتکشان  
کشور خویش و در مقابل تمام جنبش جهانی کارگری و کمونیستی مسئولیت دارد \* ولی احزاب کمونیست برادر  
و از جمله حزب کمونیست اوروگوئه لازم دانستند در اعلامیه سال ۱۹۶۰ فید کنند که حزب کمونیست اتحاد  
شوروی نقش پشاهتنگ دارد \*

خدمات تاریخی حزب کمونیست اتحاد شوروی يك واقعیت عینی است \* باین خدمات نباید با ارزیابی  
های مبتنی بر ذننیات کم و یا پشهادت داده شود \* اتحاد شوروی اعم از اینکه برخی افراد مسئولیت ناشناس  
هر چه بگویند عملاً در رأس مبارزه با امپریالیسم و حرکت جامعه بشری بمنوی کمونیسم قرار دارد و حافظ دستاورد  
های انقلاب جهانی است \* برای ما کمونیست ها فرمول مربوط به نقش پشاهتنگ حزب کمونیست اتحاد شوروی  
اهمیت بسیار دارد \* این واقعیت اطمینان خوشبینانه ما را به استواری سوسیالیسم جهانی مه خلیل  
ناپذیری تکیه گاه مادی پروسه تاریخی تکامل جامعه بشری تقویت میکند \* بدون ارزیابی شایسته خدمات  
تاریخی حزب کمونیست اتحاد شوروی و نقش آن در پروسه انقلابی جهانی نمیتوان کادر مارکسیست -  
لنینیست وفادار به امراترنا سوسیالیسم پرولتری و مصالح خلق خویش - تربیت کرد \*

این اوآخر در مطبوعات چینی ارزیابی نارمشی درباره کنگره بیستم حزب	اعلامیه های سال ۱۹۵۷
کمونیست اتحاد شوروی میشود ، احکام اساسی آن مورد انتقاد قرار میگیرد	وسال ۱۹۶۰ و مشی
و حتی تلاش بعمل میآید تاقرارهای این کنگره معارضه با اعلامیه های ۱۹۵۷	کنگره بیستم حزب
کمونیست اتحاد شوروی و ۱۹۶۰ وانمود گردد *	کمونیست اتحاد شوروی

ما کمونیست های اوروگوئه نمیتوانیم با این جریان موافقت کنیم \* ماهمه در  
مبارزه خود تا ثیرات مساعد کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی را احساس  
میکنیم و بیوند مستقیم میان مشی سیاسی کنگره بیستم و سمت عمومی جنبش جهانی کمونیستی را بر روشنی مینیم \*  
امپروانیم که کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی هم از نظر زمانی ، هم از نظر تاریخی و هم از نظر تئوریک  
شرط حتمی برای جلسات مشاوره جهانی کمونیست های سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ بوده است \* کنگره  
بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی یک سلسله مسائل اصولی را بیان کشید که برای تمام جنبش کمونیستی  
اهمیت عظیم داشت \* این کنگره محتوی اساسی دوران ما را تعیین کرد و نشان داد که وسیع کنونی با وضع  
موجود در دوران قبل از جنگ جهانی دوم ، که اتحاد شوروی تنها کشور سوسیالیستی بود ، از بیخ و بن

مقاومت است • کنگره بیستم با توجه به تناسب جدید قوای طبقاتی در صحنه جهانی و اقتدار روزافزون اقتصادی و نظامی سیستم سوسیالیستی حکم مربوط یا امکان پیشگیری برون جنگ جهانی جدید را اعلام کرد. و اهمیت خاص تعقیب سیاست همزیستی مسالمت آمیز را در شرایط وجود سلاح موشکی و هسته ای مستدل ساخت • هر دو این احکام در اعلامیه های ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ وارد شد •

از تشکیل کنگره بیستم نزدیک به هشت سال میگذرد و زندگی صحت احکام آنرا به ثبوت رسانده است • طی این مدت امپریالیسم همواره برای تشدید و خامت اوضاع جهان تلاش کرد و انواع شیوه ها را بکاربرد و حتی جهان را بکنار پرتگاه جنگ کشاند؛ ولی نتوانست آتش جنگ جهانی را روشن کند • بدینسان سیاست بحیثیت سؤال شونده اگر بنا بنگفته برخی افراد مسائل جنگ و صلح را ستادها و کشورهای امپریالیستی معین میکنند پس در این سالها چه خبریانی گذشته است؟ آیا امپریالیستها انسان دوست شده اند؟ روشن است که نه • ما منکر آنیم که ماهیت تبهکارانه و استثمارگرانه امپریالیسم تغییر کرده باشد • ولی تناسب قوا در عرصه جهانی تغییر کرده است، محتوی دوران مانیزم تغییر کرده است و در چنین شرایطی امپریالیسم قادر نیست چون فرمانروای مطلق مسیر حوادث را معین کند • البته از چنین تصریحی خطرا امپریالیسم کمتر نمیشود؛ ولی این امر در نفعای وسیعتر و خوشبینانه تری در برابر ملل جهان میگذراید و ملل می بینند که از طریق مبارزه میتوان پیروزی نیروهای صلح را بر نیروهای جنگ تامین کرد •

مسئله برانداختن کیش شخصیت استالین برانداختن عواقب آن در قرارهای کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی جای مهم دارد • افشاها شجاعانه کیش شخصیت از طرف حزب کمونیست اتحاد شوروی بطوریکه حزب ما هم در آنزمان اعلام کرده است؛ نه فقط اعتبار حزب کمونیست اتحاد شوروی را پائین نیآورد بلکه بر عکس برآورد بگر نقش این حزب را بعنوان پشاهنگ جنبش کمونیستی تأکید نمود و سطح عالی اصلیت را در این حزب نشان داد • حزب کمونیست اتحاد شوروی البته پیش بینی میکرد که دشمنان خواهند کوشید از موضوع اشتباهات ناشی از کیش شخصیت برای مقاصد ضد شوروی استفاده کنند ولی حزب به پیروی از ملاحظات اصولی و از منافع مبارزه بخاطر کمونیسم و مصالح جنبش جهانی کمونیستی به این کار تن در داد • انتقاد از کیش شخصیت موجب شده که اندیشه خلاق نه فقط در حزب کمونیست اتحاد شوروی بلکه در تمام جنبش کمونیستی به رونق و شکفتگی خود برسد • علاوه بر این امر کنگره بیستم با افشاها کیش شخصیت مواضع لنینی را در مناسبات میان احزاب کمونیست احیا کرد • کنگره بیستم برای توسعه دموکراسی حیات حزبی و دولتی مشی مشخصی اتخاذ کرد و طرق تحکیم و تکمیل دموکراسی سوسیالیستی را معین نمود • برهنگان آشکار است که میان اعلامیه های ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ و قرارهای کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی ارتباط مستقیم وجود دارد و همین جهت کسانی که با کنگره بیستم مخالفت میکنند با این عمل به عدول خود از نظریات مشترک مجموعه جنبش کمونیستی اتراف مینمایند •

همزیستی مسالمت آمیز در اعلامیه سال ۱۹۶۰ گفته میشود: "کمونیستها رسالت تاریخی یکی از اشکال مبارزه طبقاتی است •

و امکان هرگونه جنگ را از صفحه حیات جامعه انسانی برای همیشه منتفی سازند • بلکه در این نیزمیدانند که در همین دوران حاضر جامعه انسانی را از کابوس جنگ جهانی جدید برهانند • احزاب کمونیست کلیتاً سره تمام نیروهای خود را در راه انجام این رسالت تاریخی بکار خواهند برد • این سخنان تمام عقد مضمون انسان دوستانه اندیشه های ما و نحوه برخورد طبقاتی به جنگ اتمی و اطمینان مطلق به پیروزی ما را در خود جمع دارد •

کمونیست‌ها همیشه با جنگ‌های تحالوظکارانه که امریالیست‌ها، سوداگران اسلحه، کسانیکه می‌کشند ملل دیگر را تابع خود سازند و چرخ تاریخ را بکمک اعمال قهرموقوف کنند - در آن ذینفعند مخالف بوده اند. • طبقه کارگروهمل بچنگ جهانی نیازی ندارند و چنین راهی را برای رسیدن به پیروزی مردم میدانند. • ماهرگونه ادله‌پاروهرگونه اندیشه ایرامنی براینکه فتای امریالیسم بطورخود بخود انجام میگیرد مردم میدانیم. • این پروسه شاق و دشوار خواهد بود. • ولی ملل جهان و هرملت در کشور خود حتماً این پروسه را انجام خواهد داد. • احزاب کمونیست مارکسیست - لنینیست در راس این مبارزه قرار خواهند داشت.

نیاید تصور کرد که ملل انقلاب را به پیروی از هوس انقلابی انجام میدهند. • ملت اینکه ملل دست با انقلاب میزنند آنستکه سرمایه داری قادی نیست ملت‌ها را با سعادت برساند. • فقط سوسیالیسم و کمونیسم میتوانند ملل را با سعادت برسانند. • بهمین جهت وظیفه انترناسیونالیستی درجه اول حزب کمونیستی که حکومت را بدست دارد عبارتست از توسعه موفقیت آمیز اقتصاد سوسیالیستی و ترفیع سطح زندگی مردم خود. • مردم کشورهای سرمایه داری با مشاهده نوعی خاصشخص بروشنی خواهند دیدند که سوسیالیسم از هر جهت پیش از سرمایه داری به زحمتکشان نعمت ارزانی میدارد. • ولی بطورخی از مطبوعات تکامل نیروهای مولده و ارتقا سطح زندگی مردم شوروی بعنوان استحالته پیروژائی جامع شوروی تلقی میگردد. • برای اثبات این اتهام موحش و موهن هیچ برهان کم و بیش مقنع و با فاکت واقعی ذکر نمیشود زیرا چنین برهان و چنین فاکتی اصلاً وجود ندارد. • ولی شگفتی ما از چیز دیگرست. • چگونه میتوان مردمی را که اول بار در جهان انقلاب سوسیالیستی انجام داده و دولت کارگران و دهقانان را بوجود آورده اند به استحالته پیروژائی مهم ساخت. • چگونه میتوان مردمی که دردوران جنگ داخلی و مناخله جنگی بیگانگان گرسنه مهربانه سلاح بدست از حکومت شوروی دفاع کردند و در سالهای انجا نخستین برنامه‌های پنجساله به پیروی از وظیفه ملی و انترناسیونالیستی خود بخاطر ایجاد پایه‌های اقتصادی سوسیالیسم آگاهانه به محدودیت‌های بزرگ مادی تن در دادند چنین تهمتی زد.

انترناسیونالیسم پرولتری مردم شوروی بخصوص دردوران دومین جنگ جهانی بروشنی متجلی شد. • مردم شوروی در این جنگ فقط برای دفاع از میهن خود علیه فاشیسم بیکار نمیگردند بلکه این بیکار را برای آزادی ملل اروپا و آسیا، برای نجات تمام جامعه انسانی از خطر اسارت فاشیستی نیز انجام میدادند. اتحاد شوروی پس از دومین جنگ جهانی برای تحکیم سیستم جهانی سوسیالیسم و پشتیبانی از جنبش آزادبخش ملی مساعی خستگی ناپذیری بکار برد.

در حال حاضر وظیفه اساسی انترناسیونالیستی حزب کمونیست اتحاد شوروی و تمام مردم شوروی مبارزه در راه ساختمان کمونیسم در اتحاد شوروی است. • این امر جوابگوی منافع سیستم جهانی سوسیالیسم و منافع پرولتاریای جهانی و تمام جامعه انسانی است. • کامیابیهای اتحاد شوروی در ساختمان کمونیسم روز بروز هواداران بیشتری را در کشورهای سرمایه داری بسوی کمونیسم جلب مینماید و تکامل پروسه انقلابی کمک میکند. • در این اوضاع و احوال انتقاد کردن از حزب کمونیست اتحاد شوروی بخاطر مجاهداتش در راه ارتقا سطح زندگی مردم شوروی و مهم ساختن این مردم به استحالته پیروژائی تنها ضربت زدن به اتحاد شوروی نیست بلکه ضربتی است که بتعمام جنبش جهانی کمونیستی وارد میشود. • مارکسیست - لنینیست‌ها خاطرنشان میسازند که سیاست همزیستی مسالمت آمیز مشی استراتژیکی است برای تمام دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم در مقیاس جهانی. • آنها اعلام میکنند که همزیستی مسالمت آمیز تمام شرایط لازم را برای کلیه اشکال مبارزه طبقاتی پرولتاریا و ملل متعدده در راه

آزادی فراهم میسازد و فقط يك شكل را مستثنی میکند و آن تصادم جنگی میان دو سیستم جهانی است \*

چکسی تا بحال در مقابل این سیاست مقاومت کرده و این مقاومت ادامه میدهد ؟ امپریالیستها

علت این امر همانست که امپریالیستها از همزیستی مسالمت آمیز نفعی برای خود متصور نمی بینند و این نکته پی میروند که هر روز که میگذرد برای تامین صلح غنیمت است و هر سال که میگذرد امکان امپریالیستها برای افروختن نایره جنگ کمتر میشود \*

امپریالیسم و طبقات حاکم کشورهای امپریالیستی در "جنگ سرد" ذینفعند ؛ زیرا "جنگ سرد" برای مبارزه علیه طبقه کارگر، علیه ملل و علیه دموکراسی بهترین شرایط را پدید میآورد \*

ولی ملل در همزیستی مسالمت آمیز ذینفعند ؛ زیرا سیاست همزیستی مسالمت آمیز مبارزه انقلابی ملل را آسان میسازد \*

پس از جنگ جهانی اول اتحاد شوروی پدید آمد و پس از جنگ جهانی دوم سیستم جهانی سوسیالیسم بوجود آمد \*

ولی از این امر نباید چنین نتیجه گرفت که برای پیروزی انقلابهای جدید حتما جنگ جهانی سوم لازم است \*

چنین ادعایی بمعنائ عدم درک پروسه ایست که در جهان کنونی صورت میپذیرد و این همان مطلبی است که در مورد رهبران چینی و نیز در مورد کسانی صادق است که با تحریف حقیقت میکوشند ثابت کنند که سیاست همزیستی مسالمت آمیز بمعنای امتناع از پشتیبانی ملل مبارزه آزادی و امتناع از مبارزه طبقاتی است \*

اتحاد شوروی پشتیبانی خود را از جنگهای عادلانه ملل تنها با صدور اعلامیه و تشکیل دموکراسیون بعمل نمیآورد بلکه همانطور که بارها دیده شده از طریق کمک های مادی است که این پشتیبانی را عملی میسازد \*

نیکیتا خروشچف گفته است ؛ " بسیاری از ملل در مبارزه آزاد بیکسر خود از سلاح مسا استفاده کرده و پیروزی و آزادی از قید ستم ملی ناکام آمده اند \*

جنگهای مقدسی است و این جهت ماهواره از ملل مبارزه استقلال جانبداری کرده ؛ میکنیم و خواهی کرد \*

درباره مسئله اشکال تکامل انقلاب

کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی گفتگویی را کعدتی پیش از تشکیل آن در یک سلسله از احزاب برادر آغاز شده بود در سطح عالی تئوریک ادامه دارد و ضمن تلخیص تجارب تازه ای که از مبارزه طبقاتی در جهان سرمایه داری بدست آمده بود و ضمن تحلیل شرایط تاریخی جدید یک در افسر رشد سوسیالیسم پدید گشته بود نظر خود را درباره اشکال مختلفه انقلابهای دوران حاضر بیان داشت و خاطر نشان ساخت که اشکال انقلاب بیشتر متنوع میشوند و در کشورهای معین در شرایط معین امکان انجام مسالمت آمیز تحولات انقلابی موجود است \*

کنگره بیستم بار دیگر این حکم را کسبیتی - لنینیستی را یاد آور شد که هر ملت باید راه خود را مطابق با شرایط کشور خود انتخاب کند و احزاب باید از لحاظ ایدئولوژیک و پراتیک بتعام اشکال مبارزه احاطه داشته برای تحقق این اشکال آماده باشند \*

این راه بسته به اوضاع و احوال مشخص میکنند مسالمت آمیز باشد یا غیر مسالمت آمیز \*

ولی توجیه امکان افزایش اشکال مسالمت آمیز تکامل انقلاب اهمیت اصولی فراوان داشت \*

دستگاه تبلیغات امپریالیستی طی دهها سال کمونیستها را هوادار اعمال قهر باطن اعمال قهر، هوادار انقلاب خونینی که برای توده های خلق مشقت و محرومیت پیاورد - جلو نگری ساخت \*

امپریالیستها همواره علیه ما از این اتهامات استفاده میکردند \*

و آنکه ما با راهات توضیح میدادیم که مبارزه مسا برای انجام آنچنان انقلابیست که مردم را بسعادت میرساند آنها همواره میکوشیدند بکمک این اتهامات اذهان میلیونها نفر را در سراسر جهان مشوب سازند \*

ولی کنگره بیستم با طرح مسئله تنوع اشکال انقلاب این سلاح دروغین را از چنگ طبقات حاکمه خارج کرد و بار دیگر با نهایت صراحت نشان داد که این همان مشت ناچیز عناصر استثمارگرند که در حالیکه قبل از هر چیز منتهیروی مسلخ اندامیکند شیوه‌های قهری غیصر دم اعما می نمایند در حالیکه کمونیست‌ها می‌خواهند به اعمال قهر برتود مها پایان بخشند. ولی انقلاب در مواردی می‌تواند خصلت مسلحانه داشته باشد و در موارد دیگر خصلت کم‌بیش مسالمت آمیز. ما نمی‌توانیم از پیش معین کنیم که انقلاب چه شکلی بخود خواهد گرفت. شدت اعمال قهر متقابل در تحلیل آخر منوط است به منتهیروی مقاومت بورژوازی در قبال تکامل انقلاب.

تزافزایش امکان انجام مسالمت‌آمیز وظایف انقلابی و ضرورت انتخاب شکل مسالمت آمیز یا غیر مسالمت آمیز مبارزه بر حسب شرایط مشخص مورد پشتیبانی تمام احزاب قرار گرفت و این امر در اعلامیه‌های ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ منعکس گردید.

مادیرنامه حزب کمونیست اورگوئه که در سال ۱۹۵۷ در کنگره ما به تصویب رسیده اعلام کرده ایم که میکوشیم پیرویه انقلابی را در کشور خود کمتر در ناک کنیم. چرا؟ آیا بخاطر دلسوزی به سرنوشت عناصر مترجعی نظیر ناروندته، سه سارک باتلیه، رودریگس لارت و غیره؟ نه ما دلسوز سرنوشت این عناصر نیستیم. ما در قبال سرنوشت طبقه کارگر، در قبال سرنوشت مردم مسئولیت احساس می‌کنیم. ولی در عین حال میدانیم که در امریکای لاتین زندگی می‌کنیم که امپریالیسم امریکای شمالی بر آن حاکم است و ایمن امپریالیسم بر منتهیروی نظامی ما بر هیئت‌های مستشاران نظامی خود اتکا دارد. ما باینجهت اگر حزب واقعا بخواهد انقلابی باشد، باید برای استفاده از هر شکل مبارزه آماده باشد. و اگر طبقات حاکمه با اعمال قهر توسل جویند ما مجبور خواهیم شد با قرارداد اشدن در راستود مها این اعمال قهر را با اعمال قهر پاسخ دهیم.

در سال ۱۹۵۶ هنگامیکه اسناد کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی در پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب ما بررسی میشد یکی از شرکت کنندگان پلنوم اظهار داشت که با قطعنامه پیششهادی برای اخذ رای مخالف است، زیرا این قطعنامه بحد کافی روشن نیست. بعقیده این رفیق میبایست در قطعنامه تصریح شود که فقط از طریق مسالمت آمیز انقلاب خواهیم کرد. ولی بقیه شرکت کنندگان پلنوم با ایمن نظر موافقت نکردند. اگر اعلام میکردیم که حزب ما فقط طرفدار راه مسالمت آمیز است آنوقت به رقم بیست‌های تمام عیار تبدیل شده بودیم.

در کنگره هشتم حزب ما اعلام شده ما اکنون پیرویه تجمع قوارا می‌گذرانیم و این امر سیاست ما را در مورد توده‌ها و در مسئله ساختمان حزب معین میکند. اگر معتقد می‌بودیم که این پیرویه را میتوان بکمک وسیله خاص تسریع کرد بی هیچ تردید این کار را انجام میدادیم. در کشور ما هیچکس مانند آزه حزب کمونیست طالب انقلاب نیست. حزب مانیز همان بخاطر انقلاب تأسیس شده است. بهمین جهت ما بآن قسمت از دو مین اعلامیه‌ها و اناکه در آن گفته میشود انجام انقلاب وظیفه درجه اول هر فرد انقلابی است تمام و کمال موافقت داریم. ولی اگر ما بخواهد ات خود، احساسات خود و تعالیات خود را با واقعیت عینی اشتباه میکردیم دیگر مارکسیست - لنینیست نبودیم و از افراد انقلابی پایه یاوه سرایان میان تهی بدل میشدیم و پایه ما حراجویان خطرناک.

ولی تز حزب کمونیست اتحاد شوروی و سایر احزاب در باره افزایش امکانات انقلاب مسالمت آمیز که در شرایط مشخص تاریخی دارای خصلت مترقی است بهانه ای قرار گرفت برای آنکه علیه حزب کمونیست اتحاد شوروی اتهام رویونیسم و امتناع از پشتیبانی مبارزه انقلابی تود مها وارد گردد. تمام مارکسیست‌ها، تمام انقلابیون اصیل با ارشاد شدند و وقتی فیدل کاسترو در نطق روز ۲۶ ژوئیه ۱۹۶۲ در پاسخ مغتریانی که



ادغام کردند گویا اتحاد شوروی با انقلاب خلقها مخالف است - گفت : \* مایه تحریر خود امید انیم هر ملتی اگر کاری را که ملت کما کرد یکند از پشتیبانی قاطع اتحاد شوروی وارد نگاه سوسیالیستی برخوردار خواهد بود \* .

قرارهای کنگره بیستم از طرف تمام احزاب برادر بعنوان سهم مهمی در مبارزه برای انقلاب بعنوان آغاز مرحله چرخش در جنبش کمونیستی تلقی گردید . هشتمین کنگره حزب کمونیست چین منعقد شد در سال ۱۹۵۶ برای کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی ارزش عالی قائل شد . قرارهای این کنگره را اکنون نیز تمام کمونیستها بقوت خود باقی میدانند ؛ زیرا آن حزب کنگره نهم نداشته است . رفیولینوشاتوسی در گزارش خود به هشتمین کنگره حزب کمونیست چین گفت : \* کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی که در فوریه سال جاری تشکیل شد مهمترین حادثه سیاسی است که اهمیت جهانی دارد . کنگره تنها فقط طرح بااعتلا ششمین برنامه پنجساله و یکسلسله رهنمودهای سیاسی بسیار مهم را که هدف آنها تکامل بیشتر امر سوسیالیسم بود ، تدوین نمود و کثیر شخص پرستی را نیز که موجب بروز عواقب وخیم در داخل حزب گردید ، نکو هوش کرد ؛ بلکه پیشنهادهائی نیز برای تکامل بیشتر همزیستی مسالمت آمیز و همکاری بین المللی مطرح ساخت و سهم برجسته ای در امر کاهش تنشج اوضاع ادانمود \* . مامیونیم که در اینجا خط مشی حزب کمونیست اتحاد شوروی در مورد مسائل همزیستی مسالمت آمیز و امکان پیشگیری جنگ جدید و غیره و عبارت دیگر در مورد مسائل پیشنهادی کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی بطور مثبت ارزیابی شده است . سپس در این گزارش ما چنین میخوانیم : \* جامعه بشری در مبارزه برای صلح و ترقی ناگزیر راه پرپیچ و خمی را در پیش خواهد داشت ولی گرایش عمومی تکامل جهانی بسوی آینده تابناک است . فقط کافیست که تمام کشورهای سوسیالیسم و نیروهای صلح و دموکراسی در تمام کشورها دست بدست یکدیگر بدهند و مساعی مشترک بکار برند ، در چنین صورتی امر مبارزه در راه صلح جهانی باید از تأمین ترقی جامعه بشری پیشک به پیروزی خواهد انجامید \* . مشی بدون انحراف مادامسور بین المللی مبارزه در راه صلح جهانی و تأمین ترقی جامعه بشری است \* .

ما بخوانندگان پیشنهاد میکنیم قرارهای کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی را با اسناد مصوبه هشتمین کنگره حزب کمونیست چین مقابله کنند . این مقابله نشان میدهد که وقتی رفقای چینی مشی صحیح تعقیب میکردند هیچگونه اختلاف نظری با ما نداشتند . ولی امروزه مشی نادرست تعقیب میکنند یا تمام جنبش جهانی کمونیستی اختلاف نظر پیدا کرده اند .

صفوف خود را بیش مباحثه ای که به جنبش کمونیستی تحمیل شده مبدء این حقیقت است  
از پیش متحد سازیم که اشتباهات شوروی اگر بموقع اصلاح نشوند بمرو زمان با اشتباهات پراکنک

سنگین بدل میگردد \*

احزاب کمونیست که بهار کسیم - لنینیسم وفادارند علیه چین هیچگونه فعالیت تبلیغاتی انجام دادند و نمیدهند . برعکس ، تمام آنچه که درباره مردم چین و حزب کمونیست چین گفته میشود گواه بر همبستگی احزاب کمونیست با آنهاست . بجاست بیاد آورده شود که همانا در ره تو همبستگی حزب کمونیست اتحاد شوروی و قیه احزاب کمونیست بود که چین در موقع خود توانست از داخل جنگی مستقیم امپریالیسم مصون ماند و به احراز کامیابی در زمینه تکامل اقتصادی خود پرداخت . در اثر این همبستگی حسن اقبال محافل وسیع اجتماعی جهان متوجه چین گردید . اگر کار توضیحی دامنه دار احزاب کمونیست نبود تجد مهای مردم هنوز هم فقط تصورات تحریف شده ای که همه روزه توسط دستگاه تبلیغات بورژوازی پخش میشود درباره چین میداشتند . این فعالیت احزاب کمونیست تحقق وظیفه انترناسیونالیستی ما است .

حزب ماکه به احکام اعلامیه های ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ وفادار است با استواری از مشی جنبش جهانی

کمونیستی دفاع میکند • ما پیشنهادی را که رفیق خروشچف در ششمین کنگره حزب متحد سوسیالیست آلمان درباره قطع مباحثات در مطبوعات اعلام کرد باخرسندی تلقی کردیم • متأسفانه رهبران چینی این پیشنهاد را اجرا نکردند • آنها حملات خود را بطور آشکار ادامه میدهند و همزمان با آن می کوشند احزاب کمونیست را باتکلیف برعکس که از این احزاب اخراج شده اند منسحب سازند • ما این اعمال را که هیچ وجه مشترکی با ابتدائی ترین موازین کمونیستی ندارد تقبیح میکنیم • ما کمونیستها خواستار قطع مباحثه آشکار هستیم تا دشمنان ما از این امر دلشاد نباشند • ما طرفدار آنیم که تمام مساعی مادر مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع مصروف گردد • ولی این امر مستلزم آنستکه رفقای عضو رهبری حزب کمونیست چین نیز همین تفاهم را از خود نشان دهند • کمسیکه و صیایای لنین را از یاد نبرد • باشد میدانند که وقتی پای گرمی ترین چیزها برای ما یعنی وحدت احزاب در میان است نباید بدون فعالیت نشست • این واقعیت که در کشور ما دکماتیک هانتوانستند موفقیتی بدست آورند نباید هشیاری ما و مسئولیت ما را در قبال تمام جنبش کمونیستی که جزف از آن هستیم، کاهش دهد •

امروز پیروزی اندیشه های مادرمقیاس جهانی عیان است • امپریالیسم آرزومند انشعاب در صفوف ما است تا بدینوسیله روز پیروزی ما را بعقب بیاورد • ما باید صفوف خود را متحد سازیم و دوش و دوش حزب کمونیست اتحاد شوروی و سایر احزاب کمونیست با پیگیری وثبات قدم از اصول اعلامیه های جلسات شماره مسکود دفاع کنیم • فقط از این راه است که میتوانیم وحدت خود را حفظ کنیم •

حزب ما بر آنست که در دفاع از اصول مارکسیسم - لنینیسم بیطرف نباید وجود داشته باشد • ما از همان آغاز در کنار حزب کمونیست اتحاد شوروی و تمام جنبش جهانی کمونیستی موضع محکم اتخاذ کردیم • بیطرفی در این مسائل فقط میتواند جنبش ما را تضعیف کند و این بیطرفی فقط بسود انشعاب طلبان تمام میشود • استواری تمام احزاب در دفاع از اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم - شرط عدد حفظ وحدت است •





# صلح - سلاح هسته‌ای - سیاست

## گلد استرلینگ

\* جنگ عبارتست از ادامه سیاست ولی با وسایل دیگر \* - این سخنان را زمانی کلوزوتس ژنرال و تئوریسین نظامی پروس نوشته است \* این اظهار نظر بعقیده مارکسیست‌ها منعکس کننده بستگی دیالکتیکی معینی است که متقابلاً میان جنگ و سیاست وجود دارد \* ولی در این مورد با استدلالاتی پایین شرح برخورد میکنیم : حال که جنگ ادامه سیاست امپریالیسم است که از طبیعت تجاوزکاران ناشی میشود پس هر اقدامی که برای تامین همزیستی مسالمت آمیز و خلع سلاح و پیشگیری از جنگ جهانی بعمل آید مادامکه امپریالیسم وجود دارد - در دایره آرزوهای نیکخواهانه باقی خواهد ماند و طرفداران چنین خط مشی پندارهای باطل میباشند و نظریه ای راملاک قرار میدهند که خصلت طبقاتی جنگ و طبیعت تجاوز امپریالیسم را نفی میکند \*

چنین برخوردی بطلب الیتمیدان وسیعی برای ایراد اتهام \* رویزونیسم معاصر \* ، \* خیانت بامبارزه انقلابی ملل \* و غیره به مارکسیست - لنینیست‌ها - باز میکنند \*  
هیچیک از مارکسیست‌ها نمیگویند که طبیعت امپریالیسم تغییر کرده است \* امپریالیسم تجاوزکار میماند و این کیفیت عامل تعیین کننده ایست برای سیاست آن \* جنگ غیر عادلانه ، تجاوزکارانه و غارتگرانه همچنان بعنوان ادامه سیاست امپریالیستی باقی میماند \*

سیاست امپریالیسم بارها ما را بلب پرتگاه جنگ جهانی جدید کشانده است ، ولی با وجود این حفظ صلح جهانی امکان پذیر شده است \* مثلاً هنگام بحران ویتنام در آوریل سال ۱۹۵۴ ، بحران سوئز در پانزدهم سال ۱۹۵۶ و بحران کارائیب در اکتبر - نوامبر سال ۱۹۶۲ - وضع بر این منوال بود \* ایمن بحرانها حادثترین و حساسترین لحظات دوران قبل از جنگ بوده است \* در تمام این موارد امپریالیست‌ها نقشه‌های مشخصی برای " جنگ بزرگ " داشتند و اقدامات سیاسی هم در این زمینه انجام دادند \* معجزاً " جنگ بزرگ " درگیر نشد \*

البته نقش عمده را در این مورد تغییر تناسب قوا که بسود صلح و سوسیالیسم در عرصه جهانی انجام گرفته بازی میکنند \* ولی از این گذشته این واقعیت نیز که جنگ جهانی دوران کنونی نه فقط از نقطه نظر فنی بلکه همچنین از نقطه نظر شیوه‌ها - و اشکال سیاست - پدیده ایست دارای کیفیت جدید - اهمیت بسیار زیاد دارد \* اکنون هر دو طرف برای نابودی یکدیگر سلاح هسته‌ای و وسائل پرتاب انرا به تعداد کافی دارند \* این در موقع خود همراه با سایر نمایندگان امپریالیسم انگلیس هنگامیکه در دوران بحران کارائیب با نقشه دالسمینی بر استفاده از سلاح اتمی مخالفت میکرد ، بعنوان برهان عمده بقدرت نظامی اتحاد شوروی استناد میوزید \* همان ایدن وقتی که در دوران بحران سوئز این برهان را از یاد بسرد میجوشت از صحنه سیاست کنار برود \*

پروسه قشریندی در داخل اردوگاه امپریالیستی تحت تاثیر و تعامل پیش گفته شدید میگردد و مبارزه میان

" عناصر واقع بین " و " عناصر هار " حدت میپذیرد . برای " عناصر واقع بین " این عقیده پدید میگردد که جنگ جهانی هسته ای با تناسب کثونی قوا در جهان دیگر برای آنها سیاست " با صوفیه " نیست . باینجهت آنها در جستجوی " مرزهای جدیدی " هستند که از جمله گاه تصدیق ضرورت علی ساختن برخی از عناصر سیاست همزیستی مسالمت آمیز را نیز در بر میگیرد . البته باید در نظر داشت که رهنمون آنها در این امر منافع امپریالیستی است نه نگرانی از سرنوشت جهان . یک نکته حوزا است و آن اینکه برای سراسر جهان بی تفاوت نیست کهشی سیاست خارجی این یا آن کشور را چکسانی معین میکنند ؛ " عناصر واقع بین " یا " عناصر هار " .

دگماتیک ها بعلمت درک یکجانبه و نادرستی که از تناسب قوا دارند و نیز بعلمت امتناع علی از بررسی این مسئله که سلاح موشکی هسته ای چقدر تغییراتی در تکنیک جنگی پدید آورده است - مبارزه در راه صلح را دشوار میسازند . آیا این تغییرات جنبه کمی دارد یا اینکه ما فقط با تغییرات کیفی روبرو هستیم ؟ بنظر ما سلاح هسته ای موجب تغییرات کیفی در تکنیک جنگی شده است . این مطلب همسلم است که تاثیر این سلاح در اسالیب و اشکال سیاست نیز از بسیاری جهات خصلت کیفی جدید دارد .

نخست آنکه برای اولین بار در تمام تاریخ جامعه بشری دو دولت اتمی قبل از آغاز احتمالی تصادم با اندازه ای سلاح هسته ای پر قدرت ایجاد کرده اند که برای نابودی مجموعه ای از کشورهای و ملل و تبدیل بسیاری از مناطق کره زمین به بیابانهای بی حاصل کاملاً کافی خواهد بود . وسایل پرتاب این سسلح نیز ایجاد شده و ممکن است آنها میتوان عمل بهر نقطه ای از کره زمین ضربت زد . بدینسان هم اکنون برای نابودی جامعه انسانی امکان فنی موجود است .

دوم آنکه سلاح هسته ای و وسایل پرتاب آن تازه " آخرین فرا آورده تکنیک جنگی " نیست . تولید و استعمال اثر بخش این سلاح فقط بر اساس جدیدترین دستاوردهای علمی فنی میسر است . این امر هماهنگی فوق العاده پژوهشهای علمی ، شبیه کار کاملاً جدید کارشناسان ، اختصاصی کردن تولید و سرمایه گذاری های عظیم را ایجاد میکند . تاکنون برای تولید هیچ سلاحی چنین تمرکز از منابع انسانی و مادی ضرور نبوده است .

سوم آنکه سلاح هسته ای مظهریست از تمرکز بی سابقه کار " مرده " . در همین حال این سسلح را میتوان با شرکت نسبتاً بسیار ناچیز کار " زنده " بحرکت در آورد . چند هزار " سپاهی بلاواسطه و فعال " میتوانند ویرانههای بیار آورنده ارتشهای چند میلیونی مجهز به سلاحهای نوع عادی قادر به انجام آن نخواهند بود .

چهارم آنکه سلاح موشکی هسته ای نیروی انفجاری فوق العاده و قدرت انهدام بی سابقه و شعلع عمل عظیم و نیز سرعت بینظیر رسیدن به هدف را در خود جمع دارد . عواقب راد یواکتیو انفجار هسته ای را هم باید بان افزود . علاوه بر این عجلاتهنوز هیچگونه وسیله تدافعی موشکی که بتواند در مدت نسبتاً کوتاهی پس از پایان تصادم جنگی زندگی عادی جامعه بشری را بحالت عادی بازگرداند - وجود ندارد . سلاح موشکی هسته ای طی چند ساعت و در بهترین حالات طی چند روز میتواند بیشتر از مجموعه جنگهای که تاکنون در عالم روی داده انهدام بیار آورد .

پنجم آنکه چگونگی استراتژی جنگی جدید را نیز همان خصلت جنگ هسته ای معین میکند . در صورت جنگ ضربات وارده بیش از آنکه غلیظیروهای مسلح دشمن متوجه باشد غلیظراکز بزرگ صنعتی و مناطق بزرگ و حتی سراسر کشورها متوجه خواهد بود و این امر ناگزیر موجب محو بخش معینی از جمعیت عادی کشور خواهد شد . این گرایش تا حد و معینی در برخی از عملیات جنگ جهانی اخیر نمودار شد .

بناباظهارده ای از تئوریسین های نظامی در صورت بروز جنگ جهانی سوم بکاربردن سلاح هسته ای چنین گرایشی در تمام عملیات عده حاکم خواهد بود. تفاوت میان جبهه پوشت جبهه، میان مناطقی که آماج عملیات نظامی قرار گرفته و قرار نگرفته اند - بطور عده و پایکلی از زمین خواهد رفت. آیا تغییرات وارده در خصلت جنگ آینده و عواقب ناشی از آن کار را به نفی نقش قاطع توده های مردم منحرف خواهد ساخت؟

گاه ما با این اظهار نظر برخورد میکنیم که گویا باصطلاح "رویزونیستهای معاصر" بامالغه در اهمیت تکنیک بمقتضای توده مردم در شرایط کنونی کم بها میدهند. همزمان با این امر درباره خطرات عواقب استعمال سلاح هسته ای سکوت میشود و این جز "مهمی از" توجیه تئوریک "حمله بسیاست همزیستی مسالمت آمیز است".

توده مردم نیروی قاطع تاریخ اند. تا حدودی هم این صحیح است گمناید در "نقش تکنیک بمالغه کرد"، گرچه تمام مطلب مربوط بچگونگی درک این مسئله است. ولی برای تنظیم سیاست صحیح نباید کار را به تاکید و تصریح حقایق تجریدی و تضادهای "بیجان" برکنار کرد بلکه باید این مطلب را درک کرد که اطمینان نقش قاطع خود را در تاریخ امروز چگونه انجام میدهد و ارتباط متقابل میان فعالیت انسانی و وضع تکنیک جنگی عصر حاضر در چیست.

در واقعیت امر نقش توده مردم باالامیزود (در اینجا مائودهای مردم کشورهای سرمایه داری و کشورهای سوسیالیستی را در نظر داریم) زیرا فقط آنها هستند که میتوانند جنگ جهانی موشکی و هسته ای را پیشگیری کنند. بدینسان از نابودی عام جلوگیری نمایند. ولی بعلمت تغییر برخی شرایطی که مبارزه توده های مردم در آن انجام میگردد احتساب دقیق مجموعه عوامل و تغییرات جدید استراتژی و تاکتیک مبارزه برای صلح ضرورت پیدا کرده است.

قبل از هر چیز وظیفه پیشگیری جنگ جهانی موشکی و هسته ای شرط ضروری ادامه موجودیت جامعه انسانی در جهان و در گرونی هر چه سریعتر حیاتیات انسانی بر مبنای سوسیالیسم - شده است. نباید فراموش کرد که سوسیالیسم و کمونیسم در قیاس بر سرمایه داری اشکال عالیتر تمدن هستند. تصور حرکت صعودی پرورانه های تمدن جهانی پس از جنگ موشکی و هسته ای دشوار است. مباحثه بر سر این مسئله که آیا تضادم هسته ای موجب نابودی کامل جامعه انسانی خواهد شد یا موجب نابودی قسمتی از آن در شرایط کنونی جنبه تجریدی بخود میگیرد و تقریبا نتیجه ای ببار نمیآورد.

نویسنده این مقال چندی پیش نامه ای را خواند که یکی از سازمانهای مترسکیستی امریکا متن آنرا با تیراژ زیاد برای تمام کشورهای فرستاده بود. در این نامه ادعا میشود که در نمای نابودی عام توده های هزار سرد میکنند و موجب تضعیف اراد مبارزه آنها میگردد. آری اگر راه چاره دیگری نباشد، اگر اطمینان پیروزی بر امپریالیسم بدون توسل بکنک وجود نداشته باشد، اگر برای اجتناب از تضادم نظامی برای بازداشتن امپریالیستها از تعقیب سیاست خطرناک حفظ تعادل "بر لب پرتگاه جنگ" و برتاب جهان بگرداب تضادم هسته ای - طرق و وسائل لازم جستجو نشود - این مطلب صادق خواهد بود. اگر واقعیت بد انسان که هست بررسی گردد و بعنوان پروسه متضادی، که در آن تقصیر و حتی عقب نشینی های فرعی امکان دارد - در نظر گرفته شود، آنوقت روشن است که درک صحیح خصلت و عواقب ناشی از جنگ جهانی محتمل نتیجه اش تشدید بیسابقه فعالیت سیاسی مستقل توده ها بوده است و با گذشت زمان این فعالیت شدیدتر خواهد شد. این فعالیت علیه بروز جنگ و نیز علیه انواع نقشه ها و اقدامات مشخصی متوجه است که هدف ایجاد تضادم جهانی را در بر دارد. اعتدالی جنبش توده ها علیه جنگ در نتیجه پنهان داشتن حقیقت دهشت هراسی جنگ هسته ای صورت نگرفت بلکه این جنبش در جهت اعتدالیافت که حقیقت مذکور با اطلاع ملل جهان رسید

و در عین حال رامحل مثبت جلوگیری از جنگ نیز ارائه داده شد .

این نکته را نیز باید خاطر نشان ساخت که هم خصلت خود سلاح هسته ای موشکی وهم وظایفی که ایجاد این سلاح در برابر تولید و علم و آموزش و غیره قرار میدهد نقش توده های مردمی را که از خود سازمان دولتی دارند بالا برده است . اینها آن قسمت از توده های هستند که جمعیت اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی را تشکیل میدهند و امکان دارند از طریق دولت خود با اقدامات سیاسی و غیره دست بزنند و با فعالیت خود حد اعلائی تاثیر را در جریان حوادث بین المللی به بخشند . بدینسان امریالیسم در اثر سیاست تدارک جنگ جهانی از همه طرف تحت فشار قرار میگیرد .

سیاست همزیستی مسالمت آمیز شرایط مساعدی برای مبارزه توده ها فراهم میسازد ، به همپیوستگی آنها کمک میکند و قدرت اقتصادی ، سیاسی و نظامی توده های مردمی را که از خود سازمان دولتی دارند به عامل قاطعی در جهان تبدیل میکند که همراه با پیغمبر و های صلح دوست بتدریج طبقه حل نظامی مسئله جنگ و صلح را از دستور روز حذف میکند .

توجه باین نکات روشن میسازد که هرگونه گفتگویی درباره وجود " انحصار هسته ای " اتحاد شوروی بیچر بی اساس است ، آنها نه فقط از آن جهت که چنین ادعائی اتحاد شوروی را بسادول - امریالیستی در یک کفه قرار میدهد بلکه علاوه بر آن از آن جهت که اتحاد شوروی سلاح هسته ای را طبق تعامد ذهنی رهبران خود تولید نمیکند بلکه تولید این سلاح ناشی از این واقعیت عمیق است که اتحاد شوروی پیشروترین و از لحاظ اقتصادی رشد یافته ترین کشور سوسیالیستی است . خصلت تکنیک جنگی مدرنی که مردم شوروی در اختیار دارند نقش اتحاد شوروی را در امر تأمین صلح و تکامل پروسه انقلابی جهانی بیش از پیش بالا میبرد .

در شرایط کنونی اشاعه بیشتر سلاح هسته ای و قرار گرفتن آن در اختیار کشورهای جدید بهیچوجه بسود صلح و ساختمان سوسیالیسم تعارض نمیشود . مگر روشن نیست که اتحاد شوروی در مسائل مربوط به دفاع از سایر کشورهای سوسیالیستی سیاستی را تعقیب میکند که با تمام مناسبات موجود در ارد و گاه امریالیست ها از بیخ و بن متفاوت است ؟

خصلت تازه ای که جنگ از لحاظ مادی و معنوی و عواقب آن برای جامعه بشری ، بخود گرفته ایجاب میکند که مبارزه فعال ملل با شکل جدید توسعه یابد و نقش و اهمیت توده های که از خود سازمان دولتی دارند در سیاست جهانی جد اتقویت گردد . در این مورد بنای کار را نباید فقط بر تجربه جنگهای گذشته و یا نوع معینی از جنگها قرار داد .

مثلا برای امریالیست ها تضعیف تاثیر توده ها در گروه محدود افرادی که با سلاح موشکی هسته ای سر و کار دارند به مراتب آسانتر از آنست که میلیونها سرباز از تاثیرات خارجی محفوظ کنند . " پاسخ کلاسیک " توده های مردم کشورهای امریالیستی نظیر مبارزه علیه جنگ جهانی هسته ای پس از آنکه جنگ آغاز شد مشکل بتواند حائز اهمیت باشد . چنین مبارزه ای هر آینه قبل از بروز جنگ گسترش یابد میتواند نقش خود را بازی کند و جنگ را محدود نماید . کسیکه بخواهد بتوده ها کمک کند باید شهادت آنرا داشته باشد باین مطلب اعراف کند که عده بسیار زیادی از افراد یکه قصد دارند پس از شروع جنگ هسته ای علیه آن مبارزه کنند با احتمال قوی آنها نگاهد یگر برای میان اعتراض خود هیچ وسیله ای بجز مبارزه نهائی و ظاهرا بی شرطیه شراره های مرگبار بمب ایدرژتی نخواهند داشت .

ملل باید قبل از شروع جنگ و در همین حال حاضر نقش قاطع خود را در مبارزه علیه خطر این جنگ اعمال کنند . اگر این مطلب صحیح است آنوقت دیگر آنهاهم اظهارات زیان بخش بی پایه علیه وحدت در مبارزه برای صلح ، که در اجلاس شورای جهانی صلح در ورشو شنیده شد و سپس مورد استفسار ه

وسیع محافل ارتجاعی امپریالیستی قرار گرفت - چه معنا دارد ؟

واما بعد \* این تصور که راه عده تائین صلح عیارتست از حدت تمام تضاد ها و امن زدن مصنوعی بمبارزه طبقاتی - زیرا تود مها بهرحال در " لحظه قطعی " خود وارد صحنه خواهند شد - معنایش گمراه ساختن خود و فریب داد نملل است \* اگر کمونیست ها هم اکنون مبارزه نمیکردند با احتمال قوی دیگر بنیاد آستن تود مها برای مبارزه ضرورت پیدا نمیکرد \* اگر سیاست همزیستی مسالمت آمیز نمیچوید ، اگر نیروی اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و قدرت هسته ای شوروی ، که صلح را حراست میکنند و امکانات مساعدی برای بسط مبارزات ملل علیه جنک پیدا میآورد ، نمیچوید - دعوت تود مها بمبارزه بسیار دیر بود \*

اکنون تناسب قوا در جهان بطور آشکار بزبان امپریالیسم و ارتجاع تغییر میکند \* هم اکنون بخشی از امپریالیستها جنک جهانی هسته ای را وسیله معقول سیاست نمیدانند و گواه این امر از جمله روشن آن محافل امپریالیسم امریکاست که در سالهای اخیر در سیاست کنونی امریکا تاثیر قاطع می بخشند ، اگر چه باید گفت که محافل مزبور در تعقیب این سیاست تردید و تزلزل و ناپایداری زیاد از خود نشان میدهند و غالباً در برابر فشار عناصر اولترا عقب نشینی میکنند \* ولی هیچ پروسه میتنی بر قوانین عینی هموار و سراسر است صورت نمیگیرد ، بلکه راه خود را با دفع انواع تصادمات هموار میسازد \* این قبیله نوسانات دلیلی بر ضد سیاست همزیستی مسالمت آمیز نیست بلکه نشان میدهد که پروسه تغییر گروه بندی نیروها در ارد و گاه امپریالیسم چه اندازه عمیق و غرنج است \* همین خصلت عمیق تضاد های داخلی امپریالیسم امکانات جدیدی برای اعمال تاثیر بر این پروسه و وسائل جدیدی برای تشدید مبارزه علیه جناح افراطی ارتجاع در اختیار نیروهای صلح میگذارد \*

تناسب جدید قوا در جهان و خصلت جدید تصادم احتمالی بخودی خود تضمین مطلق در قبال بروز احتمالی جنک جهانی هسته ای بوجود نمیآورد \* حتی آن امپریالیستهای هم که از زمره " عناصر واقع بین " هستند ممکنست در ارزیابی قوای خود مبالغه کنند و آن برپها دهند \* " وسوسه " پیشدستی در وارد ساختن نخستین ضربت با افزایش قدرت تخریبی سلاح نو و افزایش سرعت پرتاب آن بسوی هدف - تشدید میشود \* امکان اتحاد شوروی در وارد ساختن ضربت متقابل فوری با نیروی تخریبی عظیم - بیشک جلوی محافل تجاوزکار را میگیرد \* ولی این " وسوسه " ممکنست در لحظه معینی شدید تر از تعقل درآید ، بخصوص اگر عناصر رهبرها مشاهده اینکفتنا مسبب قوا بطور قطعی بزبان آنها تغییر یافته است - باین خیال که " نیاید فرصت را از دست داد " دستخوش این وسوسه شوند \*

برخی عوامل دیگر نیز ممکنست نقش معین بازی کنند \* جنک جهانی در آن کنونی که با سلاح همگام و موشکها همراه است وجود اشکال ویژه تشکیلات دستگاه نظامی را بر پایه سطح عالی تکنیک و همکاری دقیق عد زیادی افراد ایجاد میکند \* در چنین اوضاع و احوالی باید هرگونه امکان اشتباه و تصادف متفی باشد ( فاصله زمانی میان لحظه ایکه نخستین علامت پرتاب موشک قاره پیمای حامل بعب شید رژی روی صفحه دستگاه رادار پیدا میگرد و لحظه ایکه انفجار هسته ای در درزترین نقاط انجا میگیرد تقریباً ۱۵ دقیقه است ) \* باینجهت خطر آن هست که تصمیم نهایی شوم در باره شروع عملیات جنگی از طرف گروه کوچکی از نمایندگان محافل نظامی و کارشناسان مرتجع اتخاذ گردد و آنهم در یک فاصله زمانی کوتاه و بدون مشورت لازم با رهبران سیاسی \*

مثلاً در مطبوعات خبری درج شد حاکی از اینکه چند سال قبل فرماندهی مشترک نیروهای دفاع ضد هوایی امریکا و کانادا در امریکای شمالی علامت کاذبی دریافت کرده بود که طبق آن گویا " موشکهای شوروی به پرواز درآمد " اند \* \* نمایندگان این فرماندهی برای اتخاذ تصمیمی که سرنوشت صلح و جد ها



میلیون نفر بآن وابسته بود فقط يك دقیقه وقت داشتند • خوشبختانه باین نتیجه رسیدند که علامت دستگاه رادار اشتباه بوده است • ضمناً رانینگام نخست وزیر خروشچف در دوره اجلاس سازمان ملل متحد در نیویورک بود !

علاوه بر این امکان بروز جنگ بر اثر " تصادف " نیز منتفی نیست • میدانیم که بسبب افکنشهای امریکائی حامل سلاح هسته ای طی سالهای اخیر بارها و از جمله در خاک ایالات متحده سقوط کرده اند • دستکم یکبار در نتیجه سقوط تصادفی بمب اتمی تمام ضامن های مخصوص جلوگیری از انفجار باجزئی باز شدند •

برای آنکه امکان پیشگیری جنگ جهانی با تحولات بدل گردد تنها افزایش قدرت دفاعی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی کافی نیست • سیاست کاملاً واقع بینانه و انقلابی در آمیختن کلیه اشکال مبارزه برداشتن گامهای مشخصی را ایجاب میکند که بتواند تشنج رادارها را خنثی نماید و خطر جنگ ناشی از " تصادف " را کم کند و امکانات عناصر هر دو طرف را محدود کند • اینجاست که مسئله خلع سلاح عمومی و کاملی اهمیت درجه اول کسب میکند • به همین جهت اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی در آن واحد هر دو خط مشی را که خطی سیاست واحد جلوگیری از جنگ است - عملی میسازند •

ولی همانطور که خاطر نشان ساختیم طبیعت امپریالیسم تغییر نکرده است • امپریالیستها از تدارک جنگ و از سابقه تسلیحات دست برنمی دارند • برای ساختن سلاح هسته ای با کالیبر " کوچک " تلاش زیادی بکار میرود • مخالف ارتجاعی پیوسته دکتورین های رنگارنگی در باره مخربهای " محدود " یا " مرکب " که در آن از سلاح معمولی و سلاح هسته ای استفاده شود - طرح میکنند • در باره بمب با اصطلاح " نوترون " که گویا " فقط " افراد را نابود میکند و تکنیک را از بین نمی برد زیاد صحبت میشود و مسود جنگ میکروبی نیز تبلیغات ضد پیشروی اتحاد میگیرد •

ولی ساده کردن موضوع است اگر یاد آور شویم که سلاح هسته ای هنوز ضرورت حربه ارتشهای " معمولی " دارای نفعات زیاد را از بین نمیرد • امپریالیستها نمیتوانند از ارتشهای مجهز سلاح عادی صرف نظر کنند و از این ارتشها در جنگهای که برای تأمین تسلط خود در کشورهای مختلف پسران میاندازند استفاده میکنند • پس از پایان جنگ در دم جهانی در کره و ویتنام و الجزیره از این ارتشها استفاده شد • امپریالیستها ارتشهای بزرگ را برای استقرار میلیتاریسم در کشورهای خویش برای تأمین سود جهت انحصارات نیز لازم دارند •

امپریالیستها بمناسبت فشار روز افزون نیروهای دمیکراتیک و مترقی میکوشند ارتشهای " حرفه ای " پرا متیازویا دست کم " واحد های مخصوصی " بوجود آورند که طبق حساب آنان مصون داشتن آنها در قبال نفوذ تود مها آسانتر باشد • چنین ارتشهای از جمله در یکسلسله از کشورهای امریکای لاتین وجود دارد •

هدف تمام تلاشهای تب آلود جدید یک امپریالیسم در رژیمه دکتورین جنگی و سیاست انجام میدهد آنستکه جنگ را بعنوان وسیله پیشرفت سیاست خود محفوظ نگاهدارد • این امر بیشک برای صلح خطر جدی در بردارد • زیرا امپریالیستها امید زیاد دارند که بدینوسیله بتوانند شان را خود را علیه کشورهای سوسیالیستی در رژیمه سیاست و اقتصاد ادامه دهند و متعهدید و تجاوز مستقیم نیروهای جنبش آزاد بخش ملی و جنبش کارگری را تحت فشار قرار دهند • آنها همچنین بر آنند که این امر شرایط مبارزه تود مها را در کشورهای سرمایه داری دشوار میکند و در عین حال محیط مساعدی برای تشدید ناسیونالیسم و میلیتاریسم بوجود میآورد •

واما تکلیف تود بها در برابر این قسمت از سیاست امپریالیسم چیست؟ باید فشار بر نیروهای امپریالیسم را با استفاده از تمام وسائل مبارزه و از جمله وسائل دیپلماتیک تشدید کرد. نمونه آن قرارداد مسکود ریزه منع محدود آزمایشهای هسته ای است. اگر ملل راه دیگری را در پیش گیرند آیا از آن سود خواهند برد؟ البته نه. در چنین صورتی نه فقط آزمایشهای سلاح هسته ای با تمام عواقب خدارناکی که برای جامعه بشری دارد ادامه مییافت، بلکه در تمام جبهه مبارزان راه صلح نیز تفرقه و ناپسامانی روی میداد. علاوه بر این مگر خالاکصحاف اجتماعی جهان تصعیم خود را تأیید کرده و این امر در سندی متجلی شده که اکثریت قاطع کشورهای جهان آنرا امضا کرده اند. منع انواع دیگر آزمایشها و سپس منع قطعی استفاده از سلاح هسته ای آسانتر نشده است؟ کدام سانس تراست: تصرف در نیرومند و کاملاً مستحکم شده در خارج از چهار دیوار رود عوت بصحبه رنگ و کامل آن یا رخنه کردن در دژ همپراه هزاران نفر (در این مورد میلیونها نفر از موقعیت اولیه الهام گرفته و عزم راسخ و اراد مشترکی برای پایان دادن به این بلا دارند.) پیکار ادامه دادن؟ این موضوع بیکسلسله از مسائل اساسی دیگر مبارزه در راه صلح نیز که در آن کامیابیهایی محدود میتواند انگیزه نیرومندی برای تشدید مبارزه در راه نیل به هدفهای نهائی باشد. صادق است؟ جدا شدن از واقعیت عینی و وظائف مردم مبارزه شده ها غلبه کنک بخاطر برخی اصول انقلاهی تجریدی - کار خطرناکی است.

تودهای خلق فقط پس از طبقه برای این نظریات خطا است که میتوانند با قاطعیت و اثربخشی بیشتر نقش قاطع خود را اعمال کنند و علیه امپریالیسم و تدارکات آن در زمینه جنگ جهانی هسته ای با فعالیت بیشتری مبارزه نمایند.

حال این سؤال پیش میآید که آیا فرمول کلوزوتس مبنی بر اینکه جنگ عبارتست از ادامه سیاست بکنک و مسائل دیگر بقوت خود باقی هست یا نه؟ مفهوم واقعی این فتوی چیست؟ فرمول کلوزوتس این فکر را خاطر نشان میسازد که وقتی جنگ رخ میدهد علی ساختن آن ادامه سیاست معینی است. در عین حال این فرمول بهیچوجه معنای آن نیست که "ادامه" یک سیاست معین حتماً جنگ خواهد بود. همانطور که در بالا گفته شد امروز بخشی از امپریالیستها جنگ جهانی هسته ای را وسیله معقول مسا "ادامه" معقول برای سیاست امپریالیستی نمیدانند. البته اگر با وجود تمام مساعی نیروهای صلح دوست عناصر هاربتوانند رومیانند و تصادم هسته ای جهانی بوجود آورند در آن صورت نیز چنین جنگی ادامه سیاست امپریالیسم خواهد بود. ولی در لحظه بحران که برای جامعه بشری البته بی تفاوت نبود که چه کسی بر سر کار است؛ کندی یا نمایندنده عناصر افراطی.

واما جنگ جهانی تنها شکل جنگ نیست. مثلاً در جهانی که در آن هستیم مبارزه مسلحانه آزاد بیختر انگلویا نیروهای جنبش مللی در ویتنام جنوبی انجام میگیرد. عملیات مسلحانه استعمارگران برتغالی و امریکای ادامه سیاست تاراجگری و اعمال قهرانه است. مبارزه آزاد بیختر مردم الجزیره ادامه سیاست آنها برای آزادی بود و این جهت عادلانه بود.

در صحنه جهانی هم مواردی هم پیش آمده که جنبش آزاد بیختر ملل مستعدیده تا لحظه احراز استقلال سیاسی ادامه یافته بی آنکه به جنگ توسل شده باشد. مثلاً در غنا یا کینه وضع بر این منوال بوده است. در سال ۱۹۶۲ خطر تجاوز امریکا به گها دفع شد و این جهت تازه ای از مسئله را بهمانشان میدهد. ارتباط دیالکتیکی متقابل میان جنگ و سیاست که در فرمول کلوزوتس بیان شده است فقط در جامعه ای اعتبار دارد که جنگ در آن هنوز امکان پذیر و گاه حتی ناگزیر است. ولی جامعه سوسیالیستی بکنک بعنوان وسیله نیل به هدف خود نیاز ندارد.

البته مادام که انواع مختلف رژیمهای اجتماعی وجود دارند. ممکنست مواردی پیش بیاید (و پیش هم



آمده است ) که امپریالیسم اشکالی از مبارزه سیاسی را که ذاتی خود آنست بد یکران تحمیل کرده است .  
 باینجهت کشورهای سوسیالیستی همواره برای دفاع از دستاوردهای خود آماده اند و ملل مبارز راه آزادی  
 نیز در اغلب موارد فقط پس از آنکه سلاح بدست میگیرند بهمدفهای خویش نائل میآیند .  
 ولی قبل از آنکه سوسیالیسم هنوز به پیروزی کامل خود رسیده باشد در شرایطی که قوانین سوسیالیسم  
 تا شرد بدم غیقترو همه جانبه ای در جریان حوادث جهانی میخشنند نظام سوسیالیستی قادر خواهد بود  
 اشکال مبارزه سیاسی خود را به امپریالیسم تحمیل کند ، مسأله مورد اختلاف را از طریق مسالمت حل  
 و فصل نماید ، جلوی مداخلات مسلحانه امپریالیستی و صدور ضد انقلاب را بگیرد ، تشنج اوضاع را که بطور  
 مصنوعی بوجود آمده کاهش دهد و غیره .  
 برآند آختن کامل جنگ با استقرار سوسیالیسم در سراسر جهان امکان پذیر خواهد بود و ملت این امر  
 آنگذ که جنگ خصلت طبقاتی و محتوی طبقاتی دارد ولی مادامکه امپریالیسم وجود دارد داشتن برخورد  
 سرد نسبت به سوسیالیسم بی اعتمادی به نیروهای آن — هراندازه هم که این بی اعتمادی با الفاظ  
 \* مافوق انقلابی \* پوشانده شود — ممکنست سیاستی را بدنیال داشته باشد که تناسب جدید قوا و  
 کیفیت جدید تکنیک جنگ را در جریان مبارزه برای حفظ جامعه بشری از جنگ جهانی بحساب نیآورد .  
 سیاستی که برخلاف آن شرایط جدید را در نظر میگیرد و مورد استفاده قرار میدهد ، صحیحترین و انقلابی  
 ترین سیاست است .



# باید بر تمام اشکال مبارزه انقلابی تسلط داشت

کوستانر کولی یانیس

چرا باید بر تمام  
اشکال مبارزه  
تسلط داشت ؟

در شرایط کنونی تسلط بر تمام اشکال مبارزه طبقاتی برای احزاب کمونیست ضرورت بسیار مبرم دارد . علت این امر آنستکه هروسه انقلابی جهانی کسه جامعه بشری را بسوی سوسیالیسم و کمونیسم رهنمون است بتمام معنی خصلت عام بخود گرفته است . اکنون تمام ملل و تمام قاره ها به فعالیت تاریخی خلاق کشانده شده اند . جریانها و نیروهای اجتماعی و سیاسی بکلی متفاوتی با هم در آمیخته وسیل انقلابی بر قدرتی را پدید آورده اند . میان این جریانها و نیروها مناسبات و ارتباطات متقابل بغرچ و پیچیده ای برقرار میگردد و در اثر آن تنوع بیمسابقه ای از اشکال و اسالیب مبارزه و اشکال فعالیت سیاسی بوجود میآید .

احزاب کمونیست موظفند میان تیر و های انقلاب اتحاد و پیوستگی برقرار سازند ، آنها را رهبری کنسند و خصوصیات اوضاع و احوال جدید را در نظر گیرند . وجود این خصوصیات بیش از هر زمان از کمونیستها و از طبقه کارگر و متحدین آنها میخواهد که این رهنمود های لنین را بخاطر داشته باشند و در اجرای آن بکوشند :

- \* طبقه انقلابی برای انجام وظیفه خود باید بر تمام اشکال یا جوانب فعالیت اجتماعی ، بدون هیچ استثنائی ، تسلط داشته باشد .
- \* طبقه انقلابی باید برای تعویض بسیار سریع و ناگهانی یک شکل با شکل دیگر آماده باشد .

( کلیات آثار لنین ، جلد ۳۱ ، ص ۷۶ )

بررسی تجربه سرشاری که در جریان فعالیت چندین ساله احزاب کمونیست سراسر جهان اند وخته شده برای حزب کمونیست یونان برای تمام جنبش انقلابی و مترقی کشور ما نیز واجد اهمیت بسیار است . در مبارزه طبقاتی اشکال دارای جنبه مطلق یعنی اشکالی که در هر زمان و در هر شرایطی اثر بخش باشند ، وجود ندارند . هر شکل مبارزه با اوضاع و احوال تاریخی مشخص و معین وابسته معینی از فعالیت انسانی مطابقت دارد . مبارزات اقتصادی ، سیاسی واید مولودیک با هم ارتباط ناگسستنی دارند و غالباً یکی بدیگری بدل میگردد . ولی هر یک از آنها ویژگیها و اشکال متنوعی دارد که در جریان زندگی دائمافزونی می یابد .

مبارزه سیاسی که دارای اشکال بسیار متنوعی است اهمیت خاصی کسب میکند . این مبارزه هم با وسائل مسالمت آمیز انجام میگردد و هم با وسائل غیر مسالمت آمیز ، در چارچوب قوانین و در خارج از چارچوب قوانین ، بکمک وسائل پارلمانی و در خارج از پارلمان یعنی با اقدامات جمعی زحمتکشان ( میتینگ ، دموستراسیون ، انحصارات سیاسی وغيره ) انجام میگردد . تمام انحرافات اپورتونیستی راست و چپ که جنبش کمونیستی طی تمام تاریخ خود دامعاطیه آنها

مبارزه می‌کند با وجود اختلاف در پلاتفرم های سیاسی و در راه بینی که مدار می‌برند. علائق خاصه ترکیب سیاسی مبارزه می‌کنند که نحوه فعالیت آنها بطور عینی موجب آن می‌گردد، بدین معنی که همه آنها اشکال و اسالیبی را که احزاب برای مبارزه انقلابی بکار می‌برند بحد اقل می‌رسانند و آنرا در دایره تنگ تاکتیک اپورتونیستی خود محدود می‌سازند و اشکال معینی را بدون هیچ مجوزی در نقطه مقابل اشکال دیگر قرار می‌دهند. اگر سرب اپورتونیست‌های راست روی اشکال صرفاً مسالمت‌آمیز و قانونی مبارزه بصورت فعالیت پارلمانی و مبارزه با اقتصاد و نظائر این اشکال اصرار می‌ورزند. "چپ‌ها" بر عکس شیوه های مسالمت‌آمیز کم به امید هند و حتی ایسین شیوه‌ها را نفی می‌کنند و تنها شیوه های غیر مسالمت‌آمیز مبارزه نظیر قیام مسلحانه، جنبش‌پارتیزانی، جنگ داخلی و غیره را محارم می‌دانند. هر دو اینها ترمش و انعطاف را از تاکتیک انقلابی سلب می‌کنند، اما کانات کمونیست‌ها و ارتش انقلابی را در مورد استفاده از وسائل مختلف مبارزه و صلح و می‌کنند و مانع آن می‌شوند که آنها برای مبارزه دشمن پایبای تغییر دائم اوضاع و احوال تدارک جامعه بینند.

اپورتونیست‌ها و طبقه کارگر به روزروزی و احزاب سیاسی آن بیشتر از پیش اشکالی از مبارزه را که با مصالح ترقی و آزادی اجتماعی بیشتر از همه مطابقت دارد، استحصال می‌کنند. این همان مطلبی است که دکماتیک‌ها درک نمی‌کنند. دکماتیک‌ها که در بکار بردن اشکالی از مبارزه که پخته شده و در لحظه حاضر بر دردمی‌خورد اصرار می‌ورزند، از نظریه اپورتونیستی می‌کنند که بموجب آن نیروهای جهان کهنه کفافی السابق بر نیروهای جهان نوظهور دارند و نوع سلاح و اسالیب مبارزه را نیز کفافی السابق فقط دشمن انتخاب می‌کند و تحمیل می‌نماید.

حزب کمونیست یونان، هم‌با نظریات سکتاریستی و چپ‌روانسه ای که در سالهای ۱۹۴۱ - ۱۹۵۶ در حزب ما حاکم بود مبارزه می‌کند و هم‌با نظریات اپورتونیستی راست. صاحبان نظریات اول با امکانات عینی کم به امید هند و توامغریبانه به اسلحه‌های کهنه و منسوخ و نیز ما حراجی‌بانه ای در مبارزه متوسل می‌شوند که در راه تجدید سازمان نیروهای حزبی صراط‌کللی تمام نیروهای مترقی مانع ایجاد می‌کند و جنبش‌توده ای را در شکنه تنگ سکتاریستی محدود می‌سازد. عناصر اپورتونیست راست ضرورت فعالیت در خارج از چارچوب قوانین را نفی می‌کنند و فقط اشکال قانونی مبارزه را مجاز میدانند که معنای آن علا عبارتست از محدود کردن دامنه فعالیت حزب و تابع ساختن آن بحدود و شغور بسیار تنگی که رژیم ضد دموکراتیک معین می‌کند و نیز عبارتست از تلاش برای تحمیل سیاست دنیاله روی به جنبش ما. شرط حتمی برای تسلط بر تمام اشکال مبارزه چیست؟ کادر رها، حزب کمونیست که ستاد حزب انقلابی را تشکیل می‌دهند موظفند قبل از هر چیز تجربه تمام جنبش انقلابی را در گذشته و در حال حاضر عمیقاً بررسی کنند، آنرا بطور خلاق بسنجند و با شرایط خود تطبیق دهند.

کم به یاد آن که اهمیت تجربه مجموعه جنبش جهانی کمونیستی و مطلق کردن اهمیت تجربه حزب خود معنائش سرفرمودن در لاک منافع محدود ملی و فراهم ساختن زمینه برای شکست در مبارزه است. حزب کمونیست یونان در این مسئله نیز تجربه تلخی دارد. بدین معنی که رهبری سابق حزب به تجربه بین‌المللی واقعی نیکداشت.

تجربه کشور خود اعم از تجربه مثبت و منفی بخصوص از آن جهت گران بهاست که هر یک از نمودارهای مبارزه انقلابی در گذشته و حال یک نوع مقدمه ایست برای نبرد های آینده. بدین معنی که آرایش قوا و آن شیوه های مبارزه را که می‌توان در آینده بکار برد علا نشان می‌دهد.

تجربه حزب کمونیست یونان تجربه ناچیز و بی‌مقدار نیست. حزب ما در جریان مبارزه امید شوار و صعب با استفاده از اشکال مختلف در این مبارزه - از اشکال بسیار ساده، مسالمت‌آمیز، قانونی، غیرقانونی و بی‌انیمه قانونی (۲۵ سال در حالت مخفی) گرفته تا مبارزه مسلحانه آشکار - پرورش یافته است.

این تجربه غنی، اعم از مثبت و منفی، که حزب ما طی مبارزه طولانی اندوخته است هر چه بهتر از طرف کمونیستهای یونان بررسی شود. بررسی آن با بررسی تجربه بین المللی نیز توأم گردد - فعالیت کمونیستهاراد رهبر رفته ای که کارکنند اش بخشد تر خواهد کرد.

بطوریکه امید انیم بهترین مکتب برای تعلیم تود ما و کادرهای حزب فعالیت زنده و مبارزه انقلابی است.

شرکت در این مبارزه، تحلیل روشن هر حادثه بزرگ این مبارزه، معین کردن در سبهای این مبارزه، انتقاد از اشتباهات و نقائص کار بهترین وسیله آموختن شیوه صحیح رهبری مبارزه، دور ریختن اشکال کهنه و بی مصرف یافتن و موجود آوردن اشکال جدید و از هر جهت مناسب برای مبارزه است.

در مرحله کنونی یعنی در سومین مرحله بحران عمومی سرمایه داری بمناسبت پدایش خصوصیات اساسی در اوضاع و احوال موجود، بسیاری اشکال جدید برای مبارزه پدید میگردد و اشکال قدیمی و سنتی نیز محتوی تازه ای کسب میکنند. احزاب کمونیست حق ندارند شرایط جدید را بدون بررسی بگذرانند.

در عین حال احزاب کمونیست با ولوتتاریسم - در بکار بردن اشکال شناخته شد مبارز مخالفند، زیرا این اشکال را ناشی از اوضاع و احوال عینی میدانند و جعل اشکال جدید را نفی میکنند و این نکته را بخاطر میسپارند که اشکال جدید را خود مبارزه تود ما پدید میآورند. احزاب تجربه مبارزه تود ما را بدقت بررسی میکنند، از بهترین اشکال آن پشتیبانی میکنند و مآتعام وسائل در اشکال این اشکال میکوشند.

کیش شخصیت ز اخاریادیس که در حزب کمونیست یونان حاکم بود. رژیم غیرعادی که در سالهای ۱۹۴۶ لازم بگیرد. این امر عواقب وخیم ببار آورد. پلنوم وسیع (پلنوم ششم) کمیته مرکزی و کمیسیون مرکزی تفتیش حزب کمونیست یونان در سال ۱۹۵۶ و سپس کنگره هشتم باین وضع پایان داد، مشی خطای حزب را اصلاح کرد و مقدامتی بوجود آورد تا حزب بتواند نقش تاریخی خود را ایفا کند.

اشکال مسالمت آمیز  
و غیر مسالمت آمیز  
مبارزه

در حال حاضر مسئله برقراری ارتباط میان اشکال مسالمت آمیز و غیر مسالمت آمیز مبارزه حد مشخص کسب کرده است. بطوریکه امید انیم مشی متخذه احزاب کمونیست در زمینه بسط دامنه اشکال مسالمت آمیز مبارزه یکی از اماجهسای عدد حملات شدیدی است که اکنون رهبران چینی به استراتژی مشترک تنظیم شده احزاب کمونیست برای جنبش جهانی کمونیستی و اسناد جملات مشاوره جهانی مینمایند.

رهبران چینی بابت تبلیغ نظریات دکماتیکی و سکتاریستی و اعلام علیات قهری مسلحانه بعنوان شکل تقریباً منحصر بفرد مبارزه انقلابی و اپورتونسم جلوه دادن هرگونه کوششی برای یافتن یکا بردن اشکال دیگر مبارزه یعنی اشکال مسالمت آمیز سعی دارند تا تکتیک ماجراجویانه ای را که همصا از عواقب شاق آن برای جنبش ما خیریم - به جنبش جهانی کمونیستی تحمیل کنند. در عین حال رهبران چینی احزاب برادر را به ترس و جبن متهم میسازند و ادعا میکنند که احزاب برادر گویا از مبارز مسلحانه علیه امپریالیستها و پروروازی بیسم دارند. ولی این ادعاهای افتراء آمیز کلی بی پایه است و واقعیت زنده ما آنها را تکذیب میکند.

در سراسر جهان هیچ حزب کمونیست را نمیتوان یافت که اسلوب مبارز مسلحانه را از نظر اصولی از زرادخانه خود حذف کرده باشد.

در یک سلسله از کشورهای نظیر پرتغال و برخی از کشورهای امریکای لاتین و غیره کمونیستها تا تکتیک خود را بر این پایه مبتنی میسازند که محتمل ترین شکل مبارزه در راه تحول انقلابی کشورهای آنها مبارز مسلحانه است. مارکس و انگلس و نینین به کمونیستها توصیه کرده اند که مبارز مسلحانه را بکنوع هترتلف کنند. لنینسن نوشته است: " برای آنکه قیام موفقیت آمیز باشد اولاً باید به توطئه، به حزب متکی نباشد، بلکه بطبقه

پیشرو منکی باشد • ثانیا قیام باید به اعتدالی انقلابی مردم منکی باشد • ثالثا قیام باید با جنس مل  
نقطه مختلف در تاریخ انقلاب رشد یابنده منکی باشد که در آن فعالیت صفوف پیشرو مردم بعد اکثر  
خود رسیده باشد و زلزله صفوف دشمنان و صفوف دوستان ضعیف و در مردم انقلاب شدید تر از هر  
زمان باشد • این سه شرط لازم برای طرح مسئله قیام مارکسیسم را از لائیکسیسم متمایز میسازد • و اما  
هنگامیکه این سه شرط موجود است اثر قیام بعنوان یک هنر در نظر گرفته میشود بهمارکسیسم و انقلاب  
خیانت شده است \* ( لنین - جلد دوم آثار منتخبه ، قسمت دوم ، ص ۱۸۷ ، چاپ فارسی ) •  
باینجهت کمونیست ها برای قابلیت تعیین بدون اشتباه لحظه قیام و رهبری صحیح قیام جهتتیل  
به پیروزی اهمیت فراوان قائلند •

در مواردیکه بعلمت تغییر اوضاع و احوال ضرورت خودداری از مبارزه مسلحانه پیش میآید باید توانست  
نیروهای انقلاب را بموقع از زیر اثر دشمن خارج ساخت و آرایش صفوف خود را تجدید کرد و اشکال جدیدی  
را برای مبارزه بکار برد و کمک این اشکال پیروزیهای حاصله در مرحله نهایی انقلاب را تحکیم بخشید و  
این پیروزیها را در شرایط جدید توسعه داد •

واما در مواردیکه احزاب کمونیست پاره اح از کشورها بعلل مختلف نتوانسته اند بهنگام تغییر اوضاع  
و احوال سمت حرکت خود را معین کنند برای انتخاب اشکال مسالمت آمیز مبارزه بموقع تصمیم اتخاذ نمایند -  
جنبش انقلابی بوضع بسیار دشواری دچار شده است • جنبش جهانی کمونیستی در تاریخ گذشته و تاز  
اخیر خود نمونههایی از این تجربه منفی را در دست دارد •

بمعین طریق عدم قابلیت حزب کمونیست در تدارک لازم برای مبارزه مسلحانه و تعیین صحیح لحظه ای

که باید تمام نیروها را برای قمع مسلحانه دشمن بکار برد در تکامل انقلاب تاثیر منفی بخشیده است •

حزب کمونیست یونان اشتباه دوگانه مرتکب شده است : از یکطرف نتوانست تغییرات اوضاع پس از  
جنگ را در سالهای ۱۹۴۵ - ۱۹۴۶ بدرستی ارزیابی کند و بمعین جهت به اشکال مسالمت آمیز مبارزه  
کمی نتوانست اتحاد اکثریت مردم را در پیرامون حزب تسهیل کند - بی اغنا ماند و از طرف دیگر بدون آنکه  
مقدمات لازم برای مبارزه مسلحانه فراهم باشد به مبارزه مسلحانه توسل جست و وقتی هم تصمیم گرفت به  
اسلحه توسل شود گندی از خود نشان داد و از فرصتی که در اختیار داشت برای تدارک مبارزه مسلحانه  
استفاده نکرد و دشمن از این امر استفاده کرد • هم اشتباه اول که اشتباه عمده است و هم اشتباه دوم که  
جدی ترین اشتباه است همراه با اشتباهات دیگر که سیاست سکتاریستی آنزمان رهبری حزب موجب آن  
شده بود عواقب وخیمی برای جنبش شده ای ما به بار آورد • کنگره هشتم حزب کمونیست یونان در سهای  
این دوره را چنین بیان کرده است :

" در شرایطی که امپریالیستهای انگلیسی و لیگاری هیئت حاکمه فشار خود را تشدید میکرد و کار را  
بموجب داخلی میکشاند کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان نتوانست بقرنحی اوضاع احوال موجود را  
بدرستی ارزیابی کند و در دو زمین پلنوم خود ( فوریه ۱۹۴۶ ) تصمیم به تحریم انتخابات و مبارزه مسلحانه  
گرفت • بحران انقلابی جدیدی پدید میآمد • حزب در مبارزه برای استقلال و دموکراسی اکثریت طبقه  
کارگر را بجانب خود داشت • دهقانان و قشرهای میانه حال دهماره پیرامون طبقه کارگر متحد شده بودند •  
مردم بیکوشیدند برنامه رستائیزد دموکراتیک کشور را از طریق عادی و مسالمت آمیز علی سازند • در آنزمان  
برای اینکار واقعا هم امکانات معینی وجود داشت • بنابراین یگانه سیاست صحیح این بود که باتمام  
قوادرات انتخابات شرکت شود • این امر موجب توسعه نفوذ حزب و جنبش " ۱ - آ - ام " و تحکیم روابط  
آنها با مردم و تصرف مواضع جدید میشد • در آنصورت یکی از این دو شق روی میداد : یا تحت فشار  
مردم مشی تکامل عادی پیروزمیشد و یا چنانچه امپریالیستهای انگلیسی و لیگاری هیئت حاکمه تکامل

عادی دموکراتیک را مانع میشدند تود مها بتجریه خود باین نتیجه میرسیدند که جز مبارزه مسلحانه راه دیگری وجود ندارد \*

ولی رهبری حزب اوضاع واحوال و روحیات تود مها را نادرست ارزیابی کرد و اجازه داد که پایش را به مبارزه مسلحانه که امپریالیستهای انگلیسی خواستار آن بودند بکشانند. بی آنکه از تمام امکانات تکامل مسالمت آمیز استفاده کرده و تود مها را متقاعد ساخته باشد که بجز مبارزه مسلحانه راه دیگری وجود ندارد \*

تحریم انتخابات اشتباه دارای تاثیر قاطع بود. برای حزب و تمام جنبش دموکراتیک عواقب بسیار شاق داشت \*

و نیز اشتباهی بس جدی بود که رهبری حزب پس از اتخاذ مشی مبارزه مسلحانه اقدامات مستطلی لازم برای تدارک آن بعمل نیامد \*

از آنچه که گفته شد بروشنی دید میشود که رهنمود نئین درباره اینکه نباید با انقلاب بازی کرد چه اندازه گرانها است و شرایط امروز مطابقت دارد و نیز بهنگام انتخاب هر شکل مبارزه چه اندازه تأیید و پشتیبانی تود مردم برای کمونیست ها ضروری است. \* کمونیست ها هر شکلی را برای مبارزه بکار برند باید به تحکیم پیوند حزب با تود مها کمک کند. \* این اشکال مبارزه که این پیوند را تضعیف کنند ( البته در کشور معین و در مرحله معین ) بدر احزاب کمونیست نمیخورد \*

این واقعیت که لاومرز حمتکشان کشور ما زحمتکشان برخی از کشورهای دیگر نیز در سالهای پس از جنگ مبارزه مسلحانه پرداختند و با پیروزیها و شکستهای مواجه شدند این فکر را در ما بوجود میآورد که بررسی مشترک تجارب تمام این کشورها در این زمینه و گرفتار درسهای لازم از آن بسیار سودمند خواهد بود \*

اشکال مختلف مبارزه البته بهیچوجه نافی یکدیگر نیستند بلکه برعکس میتوانند باهم توأم شوند \*

در میان اشکال مسالمت آمیز مبارزه طبقه کارگر احصایات و متینگها و دموستراسیونها همیشه جای بسیار مهم داشته اند \* اثر بخشی این شکل مبارزه فقط کمتر شده، بلکه بیشتر شده است \* تاثیر این شکل مبارزه در زندگی داخلی سیاسی کشور نیز افزایش مییابد \* در این مورد جنبش بین المللی کارگری نمونههای بسیار و تجارب فراوانی دارد که پیوسته افزایش می پذیرد \* حزب کمونیست یونان وظیفه خود میداند این نمونه ها و تجارب را با توجه خاص بررسی کند \* اینک چند نمونه از آن \* احصای عمومی زحمتکشان ایتالیا که با دموستراسیون بزرگ ۸ ژوئیه سال ۱۹۶۰ توأم شد، راه را بر فاشیسم در این کشور سد کرد و دولت ارتجاعی تامبرونی را ساقط ساخت \* و احصای عمومی در فرانسه در دسامبر سال ۱۹۶۱ و در فورییه سال ۱۹۶۲ که در آنها هر بار بیش از ۱۲ میلیون نفر شرکت کردند نقشه های شورشیان \* او. اس. \* را برهم زد و وارد مردم فرانسه را به برقراری صلح در الجزیره نشان داد و به مردم قهرمان الجزیره در پایان پیروزمندانه جنگ آزاد میخس کمک کرد \*

از حوادث و تغییرات اخیر در کشور ما میتوان تجارب جدی و درسهای را نتیجه گیری کرد \* بطوریکه میدانیم در سالهای اخیر با کمک امپریالیستهای خارجی کابینه های چاکر پیشه ای نظیر کابینه های حزب \* ( ا. ا. ) \* به یونان تحمیل شد و رژیم ثرورستی پلیسی ضد دموکراتیک در کشور برقرار گردید \* دولت اخیر \* ( ا. ا. ) \* در نتیجه انتخابات تقبلی سال ۱۹۶۱ اکثریت قاطع در پارلمان بدست آورد \* حزب کمونیست یونان جدا تاکید کرد که این رژیم چاکر بیگانگان را میتوان سرنگون ساخت و راه برقراری دموکراسی را در حیات داخلی میتوان بانوسعه دامنه مبارزه توده مردم هموار کرد \* واقعا هم دچار شدن این رژیم به بحران و سرنگونی کابینه \* ( ا. ا. ) \* نتیجه گسترش مبارزه مردم و تظاهرات بود که وسعت دامنه آن در سال اخیر در تمام دوران پس از جنگ یونان سابقه نداشته \* تعدد کارگران احصایی تنها در سال ۱۹۳۳ تقریباً یک میلیون نفر رسید و این بدوین احتساب مبارزات قشرهای دیگر مردم است \* تقریباً در تمام مناطق کشور تظاهرات بزرگ سیاسی صورت گرفت \* دموستراسیون سیاسی بزرگی که پس از قتل کریگوروس لامبراکیس



مبارز شجاع راه صلح و نمایندگی دست چپ مجلس شرکت ۵۰۰ هزار نفر در خیابانهای آن تشکیل شد  
نقطه اوج این مبارزه بود \*

این واقعیت برای ما اهمیت بسیار زیاد دارد که سقوط عناصر دست راستی جاکر پشه که یکمک دستگاه  
ثیوفاشیستی دولتی خود در پارلمان قدرت مطلقه بدست آورد و بودند و شکست ناپذیر بر سر تیر می رسیدند ، از  
طرف مبارز صمحلخانه انجام نگرفت بلکه از طریق مبارزه توده ای مد اوم و دیگری بر اساس جبهه خواهد توام بسا  
مبارزه پارلمانی انجام گرفت \* این امر نیز اهمیت بسیار زیاد دارد که در این مبارزات و تظاهرات توده ای  
نقش نیروهای چپ نقش قاطع بود ( این مطلب را رهبران سایر احزاب تصریح کرده اند و مورد قبول همگان  
است ) \*

این مبارزات ضریب درهم شکنی بدولت کارامانلیس وارد آورد رژیم ارتجاعی را متزلزل ساخت \* انتخابات  
سوم نوامبر ۱۹۶۳ که سپهری عمل آمد بتغییرات وارد و برابر مبارز مردم صورت قانونی بخشید و حوران رژیم  
اسارت را بیش از پیش عمیق کرد \* کمونیست های یونان و تمام جنبه مایاید همواره باین حوادث عطف توجه  
نمایند و این موضوع مورد تحلیل قرار دهند که حوادث مزبور را چگونه سازمان دادند رهبری کردند چه  
اشتباهاتی مرتکب شدند و کارشان چمنقاصی داشت ، بچه نتایجی رسیدند بچه نتایجی میتوانستند  
برسند \* این بزرگترین مبارز صمсалت آمیز مردم در کشور ما طی سالهای پس از جنگ است که نتایج بسیار مهمی  
برای سراسر کشور به بار آورد \* تجربه و درسهای گمستوان ازان گرفت برای ما بسیار پر ارزش است \*  
ما طی سالهای پس از جنگ ناظر توسعه دامنه دار احصایات بزرگ سیاسی توده ای و مبارزات دیگر و  
از جمله احصایات سیاسی عمومی هستیم \* قبل از دومین جنگ جهانی چنین احصایاتی نادر بود \* ولی  
امروز تعداد آنها بحال بحال زیادتر میشود \*

نیروی عظیم احصایات توده ای رانخستین انقلاب روس در سال ۱۹۰۵ نشان داد \* ولی این انقلاب  
در عین حال ضعف احصایات عمومی را نیز در شرایطی که انقلاب بردشمن تفوق قاطع قوا ندارد آشکار ساخت \*  
لنین در آنزمان نوشت که \* \* \* احصایات سیاسی عمومی باید در لحظه معین جنبه شریکتر بعنوان وسیله  
ممکن قیام تلقی گردد تا بحسب توان و وسیله مستقل مبارزه \* \* \* ( کلیات آثار ، جلد ۱۰ ، ص ۱۳۲ ) \*  
ولی لنین با توجه باینکه احصایات عمومی فقط در شرایط مشخص انقلاب ۱۹۰۵ ( بقیام انجامید خاطر نشان  
ساخته است که از حکمتشان در شرایط دیگر یکمک احصایات عمومی مسالمت آمیز میتواند در قبایل نیروهای ارتجاعی  
به پیروزی ناکب آیند \*

لنین قبل از هر چیز بد و شرط اشاره کرد که وجود آنها بتغییر اوضاع را امکان پذیر میساخت \* قدرت  
اراده و تشکر مردم انقلابی و توانایی ارتجاع برای استفاده از نیروهای مسلح \* \* \* احصایات واحد های  
ارتش و استنفاد آنان از تیراندازی بسوی تود مردم مسلما میتواند در این یا آن مورد به پیروزی احصایات صرفا  
مسالمت آمیز بیانجامد \* ( کلیات آثار ، جلد ۱۱ ، ص ۱۰۱ ) \*

همین شرایط لازم برای پیروزی احصایات سیاسی عمومی ، که لنین ازان سخن میگفت اکنون در برخی  
از کشورهای سرمایه داری پدید میگردد \* نخست آنکه نیروهای طبقه کارگرو توده های وسیع زحمتکشان شهرو  
ده ، تشکر و آمادگی آنان برای مبارزه بسی افزایش پذیرفته است \* دوم آنکه نیروهای مسلح کمونیست  
هاد صفوف آنها بنحو خستگی ناپذیری بفعالیت توضیحی دامنه دار مشغولند حالا به هیچوجه همیشه تکیه گاه  
مطمعنی برای رژیمهای ارتجاعی نیستند و امکان استفاده از آنها بمنظور سرکوب جنبه خلق محدود شده است \*  
سوم آنکه اقتدار و نگاه سوسیالیستی و تمام نیروهای مترقی صدور ضد انقلاب رار و بزور شوارتر میسازد \*  
در نتیجه این امر احصایات عمومی و سایر مبارزات سیاسی تودهای مردم در آن کنونی بوسیله نیرومند  
مبارزه مسالمت آمیز برای دفع تعرض عناصر ثیوفاشیست و تامین دموکراسی ( مبارزه ایکه نمونه آن در کشور ما



مشاهد میشود ) بطور کلی برای انتقال قدرت بدست زحمتکشان سبب میگردد .  
 تجربه سالهای اخیر ( بطوریکه از نمونههای پیشگفته بروشنی دیده میشود ) نشان میدهد که این شکل کلاسیک مبارزه طبقاتی کارکنان فقط وسیله اقدامات صرفاً پرولتری نیست بلکه در عین حال عامل مبارزه عام مردم نیز هست زیرا اکنون قشرهای دیگر مردم یعنی توده کارمندان ، دهقانان ، قشرهای متوسط شهری و سایر نمایندگان خرد بهره‌روازی شهری ، جوانان ، دانشجویان و خلاصتاً کم‌سابقه از سیاست بهره‌روازی انحصارگرناراضی هستند نیز در اعصاب عمومی و سایر اقدامات سیاسی توده ای شرکت میکنند .  
 در اعصاب عمومی توده ای کثونی معمولاً خواستههای اقتصادی و سیاسی بسیاری از قشرهای مردم با هم درمیآمیزند . بکلیت اعصاب در صورت وجود شرایط مساعد دیگر میتوان بهدفعهای گوناگونی نام آمد .  
 از افزایش دستمزدها گرفته تا اصلاحات اساسی در رژیم اجتماعی . زحمتکشان در اعصاب عمومی کثونی خواستههایی خود را بمسائل صرفاً اقتصادی و یا حتی مسائل مربوط به سیاست داخلی محدود نمیکند بلکه بهعرصه سیاست خارجی دولت بهره‌روائی نیز هجوم میبرند . اعصاب در مبارزه برای صلح ، خلع سلاح و انحلال پایگاههای نظامی خارجی ، جلوگیری از جنگهای استعماری و پیشگیری جنگ جهانی جدید نقش مهمی ایفا میکنند .

بهین جهت اگر در گذشته مارکسیستهای انقلابی اعصاب سیاسی عمومی را در دوران بحران انقلابی فقط وسیله بسیج توده ها و قیام مسلحانه میدانستند اکنون آنها چنین اعصابی را وسیله ای برای تحولات ترقی و دموکراتیک میدانند هرچی احزاب مثلا حزب کمونیست اسپانیا برانداختن رژیم ارتجاعی برقراری رژیم دموکراتیک را با چنین اعصابی مربوط میسازند .

تشکیل ارتش  
 توده ای مبارزان  
 انقلابی

هر طبقه یا قشر اجتماعی که در انقلاب شرکت میکند علاوه بر اینکه مقاصد و وظائف خاصی برای خود دارد این مبارزه را نیز با استفاده از شیوه ها و وسائل خاص خود انجام میدهد . آنها از خود سازمانهایی نیز دارند که خصالت آنها با هدفهایشان مطابقت دارد . همین سازمانهاست که احزاب کمونیست توجه درجه اول بآنها معطوف می‌دارند .

در ارتش جهانی انقلاب بزرگترین واحد را طبقه کارگر و سوبیه طبقه کارگر کشورهای عمده سرمایه داری تشکیل میدهند که قریب ۲۰۰ میلیون کارگر و کارمند دارند . نیروی عظیم این طبقه علاوه بر تعداد در تشکیل آن نیز هست . اکثریت قاطع ۹۰ میلیون عضو سند یگاہا تمام کشورهای غیر سوسیالیستی از کارگران کشورهای عمده سرمایه داری هستند . سند یگاہا در میان سازمانهای توده ای زحمتکشان بزرگترین سازمانها هستند . کمونیست ها کار در سند یگاہا را وظیفه درجه اول خود میدانند . تغییرات سیاسی اخیر در کشورهای امکانهاست مهمی برای مبارزه در راه برانداختن استیلای پلیسی بر سند یگاہا و احیای ترتیبات قدیمی دموکراتیک در جنبش سند یگاہی ما و تبدیل سند یگاہا بسازمانهای توده ای واقعا بیکارچهرای دفاع از منافع طبقه کارگر - فراهم میسازد .

کمونیستها با فعالیت در سند یگاہا بموفقیت های بزرگ نائل میآیند . اگر نا قبل از دو مین جنگ جهانی سند یگاہای ملی حسب القاعده تحت نفوذ سوسیال رفرمیست ها بودند در عوض طایف سالهاست اخیر بخش قابل ملاحظه ای از اعضا سند یگاہا و سازمانهای سند یگاہی و از جمله سازمانهای سند یگاہی سرتاسری روش انقلابی قاطع دارند . برای کشور ما بسیار اهمیت دارد که ۱۰۸ سند یگاہی جدید دیگر نیز طی مدت کوتاهی به جنبش هماهنگی ۱۱۵ سازمان که مشی پیگیر و صحیحی تعقیب میکند پیوستند . این جنبش نیروی حاذبه زیاد دارد و این امر امکانهاست کنگره متحد را بسی افزایش میدهد .

در حال حاضر سئوالات نگاهها کشورهای سرمایه داری رشد یافته ضمن ادامه مبارزه برای افزایش دستمزدها و تقطیل ساعات کار روزانه و از بین بردن بیکاری و تامین رفاه اجتماعی برنامه های دامنه داتری را نیز به پیش می کشند که در آنها خواسته های اقتصادی بر زمینه حل عمومی مسائل اساسی اجتماعی و سیاسی مطرح میگردد .  
 فعالیت سند یگاها در تحکیم همبستگی انترناسیونالیستی زحمتکشان نیز نقش بسیار مهم بازی میکند .  
 این همبستگی بین المللی را طبقه کارگر یونان در جریان مبارزه دشوار خود در شرایط رژیم ضد دموکراتیک همواره احسان کرده است .

انحصارات سرمایه داری نه فقط بمنافع حیاتی کارگران بلکه بمنافع حیاتی قشرهای دیگر مردم نیز تعرض میکنند . این قشرها عبارتند از : دهقانان ، روشنفکران ، پیشه وران و اصناف ، کارفرمایان کوچک و متوسط - ( صاحبان صنایع ، پروروزاری ملی ) . پس از الحاق یونان به " بازار مشترک " وضع این قشرها نیز در کشور ما خراب شده است و این قشرها برای مقابله با رقابت مهلك سرمایه خارجی باید یکدیگر متحد میشوند و مبارزه میکنند و ضمناً طبقه کارگر بعنوان انقلابی ترین طبقه جامعه پشتیبانی میطلبند . اتحاد نیروهای تازه بتازه پیرامون طبقه کارگر کمونیستهارا موظف میسازد اشکال جدیدی برای مبارزه جستجو کنند که بهترین جوابگوی مبارزه مشترک قشرهای بسیار متنوع مردم علیه دشمن مشترک ما یعنی سرمایه انحصاری باشد .  
 احزاب کمونیست در میان متحدینی که طبقه کارگر برای مبارزه انقلابی دارد توجه عمده را به دهقانان معطوف میدارند . میلیونها دهقان و طومر عمده دهقانان خرده پامیان محال در قبال خطر افلاس عمومی که از جانب انحصارات تهدید میشود به غرورت وحدت عمل با طبقه کارگر و قبول اشکال و اسالیب پرولتری مبارزه در راه حقوق خویشی میبرند .

طی سالها اخیر در یونان و نیز در بسیاری از کشورهای دیگر جنبش دهقانی بزرگ جنبه واحد بصورت تیئنگها و مارش روسوی شهرها و اشغال جا ده ها و احصایات برپا شد و این اقدامات تصادماتی را با پلیس همراه داشت که غالباً خونین بود .

کمونیستها از منافع دهقانان و تمام کسانی که روی زمین کار میکنند دفاع مینمایند ، بحثکل مبارزه آنها کمک میکنند ، پشتیبانی فعال زحمتکشان شهرز آنها و نیز وحدت عمل تمام زحمتکشان را همین مینمایند .  
 در میان اشکال مبارزه دهقانان بخصوص باید جنبش کشور اتیوی ده را خاطر نشان ساخت . تجربه حزب ما و احزاب دیگر گواه بر آنستکه انواع مختلف کشورهای اتیویها چنانچه امور آنها در دست خود دهقانان زحمتکش باشد در ردیف اشکال دیگر سازمان نمیتواند به سلاح نیرومندی برای مبارزه ضد مونیوپولیستی در ده بدل گردد . رفقای ایتالیائی جنبش کشورهای اتیوی را با مبارزه برای اصلاحات ارضی مرفراری نظارت بر انحصارات مربوط میدانند . بدینسان کشورهای اتیویکه شکل قدیمی سازمان دهقانی است در شرایط معین میتواند محتوی تازه و وسیعتری کسب کند .

اشکال سازمان خاص پرولتری در میان دهقانان روز بروز بیشتر رایج میشود . مثلاً در فرانسه سند یگاها تاك داران و ذرتکاران و گاوداران و شتون کاران وجود دارد . در ایتالیا فدراسیون دهقانان نصفه کاره جزو کنفدراسیون کد کار ایتالیا است در جنبش دهقانی نقش بزرگی ایفا میکند . اتحاد دهقانان اندونزی سازمان نیرومند دهقانان اندونزی با چند میلیون عضو است که برای تحقق انقلاب در دهات اندونزی برای تامین منافع اساسی مردم مبارزه میکند . در یونان انجمن های روستائی وجود دارد .  
 تکامل سازمانهای سند یگائی در ده به نزدیکی بیشتر دهقانان با کارگران و تسلط بهتر بر اسلحه های شمر بخشی که طبقه کارگر برای مبارزه بکار میبرد کمک میکند .  
 احزاب کمونیست در میان کارمندان دولت و قشرهای متوسط شهری و جمله پیشه وران و اصناف و غیره نیز فعالیت میکنند و این کار را پانهایت دقت انجام میدهند .

حوانات و زنان نیز در دوران ما نیروی فعالی را برای مبارزه تشکیل می دهند و مبارزات آنان جنبش انقلابی را با اشکال توده ای جدیدی تکمیل میکند. وحدت عمل تمام نیروهای مترقی کمک جدی مینماید. حیوانات یونان با نیروی الهام و یکپارده رغبت او مبارزه جای دارند و شور و شوق انقلابی باین مبارزه میبخشند.

مجموعه این عوامل هماهنگی و وحدت عمل تمام طبقات و قشرهای شرکتکننده در انقلاب و نیز سازمانها سیاسی، سندیکائی و اجتماعی آنها را در دوران ما به صفت مشخصه تاکتیک احزاب کمونیست بدل ساخته است.

در اوضاع و احوال جدید - مبارزه پارلمانی اهمیت خاص دارد.

لنین نوشته است: " کمونیستهای اروپای غربی و امریکا باید نحوه ایجاد پارلمان تارسم جدید، غیرمعارفی، غیر اپورتونیستی و غیر کاربرشی را بیاموزند. ۰۰۰ باید برای انجام آن وظائف پراتیک کوشید که روز بروز متنوعتر و پیوند شریک تمام شئون حیات اجتماعی بیشتر میشود. ورشتمطی مختلف رایگی پس از دیگری از جنگ بفرزوازی خارج میسازد." ( کلیات آثار، جلد ۳۱، ص ۷۸ - ۷۹ )

در ایران ما احزاب کمونیست و کارگری یکسلسله از کشورهای با استفاده از امکانات مساعد جدید همه پیروی از احکام اعلامیه سال ۱۹۶۰ مسکو در کار ایجاد پارلمان تارسم جدیدی هستند که جوابگوی منافع مبارزه رُحمتکشان باشد.

فعالیت کمونیستهای رانجمن های شهری نیز متوجه همین هدف است.

سابقان نمایندگان کجده کمونیستهای پارلمان میتوانند بطور عمده فقط سیاست ارتجاعی دولت را افشاکند ولی اکنون در یکسلسله از کشورهای افراسیونهای بزرگ نمایندگان کمونیست که مورد پشتیبانی توده انتخاب کنندگان در خارج پارلمان هستند نیروی سیاسی واقعی را تشکیل میدهند و این امکان را بدست آورده اند که گروههای دیگر نمایندگان ائتلاف کنند و پوزسیون موثری بوجود آورند. همه تصویب قوانینی نائل آیند که حدود و شعور دموکراسی را وسعت بخشد و تکامل پروسه انقلابی را تسهیل نماید.

فعالیت پارلمانی احزاب کمونیست توأم با اشکال دیگر مبارزه برای اجرای برنامه های دامنه دار رفرمهای بنیادی، اصلاحات ارضی، ملی کردن صنایع، برقراری نظارت کارگران بر تولید و نیز توسعه دموکراسی زمینه علی بوجود آورده است.

### اشکال غنی و غیر

#### غنی مبارزه

جنبش کمونیستی از همان نخستین گامهای خود با تلاش شدید طبقات مرتجع برای درهم کوبیدن و نابود کردن احزاب کمونیست روبرو شده است. تقریباً تمام احزاب کمونیست مکتب دشوار کار مخفی را گذرانده اند. اکنون نیز تقریباً نیمی از تمام احزاب کمونیست که در خارج از اردوگاه سوسیالیستی فعالیت میکنند از حق فعالیت غنی محرومند. بسیاری از آنها شدیداً مورد تعقیب هستند. این وضع ایجاد میکند که احزاب کمونیست کشورهای سرمایه داری هم پراشکال غنی و هم پراشکال غیر غنی مبارزه تسلط پیدا کنند.

مهمترین شرط فعالیت غیر غنی موفقیت آمیز حزب آنست که اشکال غیر غنی مبارزه با اشکال غنی آن بنحو صحیحی توأم گردد. حزبی که در فعالیت خود فقط با اشکال غیر غنی مبارزه مکتبی باشد خود را در برابر خطر جدائی از توده ها و تهدید بفرقه محدود و توطئه گری محکوم بشکست ناگزیر قرار میدهد. لنین خاطر نشان ساخته است که: " ۰۰۰ انقلابیونی که نتوانند اشکال غیر غنی مبارزه را با کلیه اشکال غنی توأم سازند انقلابیون بسیاری هستند." ( کلیات آثار، جلد ۳۱، ص ۷۶ - ۷۷ )

در گذشته کمپروهای انقلاب و ترقی هنوز ضعیف بودند ارتجاع موفق میشد به برخی از احزاب کمونیست ضربات سنگین وارد سازد و گاه حتی عملاً فعالیت آنها را فلج کند، همانطور که در کشور ما به هنگام دیکتاتوری

متاکراس بود ریکسلسله از کشورهای اروپا به هنگام تسلط فاشیسم مشاهده شد .  
 ولی تحولات اساسی که پس از آن در دنیا روی داد نیرو و امکان آنتی کمونیسم را  
 یعنی محدود ساخت و اکنون فعال مایشائی مرتجعین موجب خشم و اعتراض هر چه شدیدتر ملد سراسر جهان  
 میگردد .

در عین حال امکان فعالیت غنی در میان توده های وسیعی افزایش یافته است . حتی در کشورهای کوه  
 ارتجاعی ترین رژیمها بر آنها چیره استعمار زود ه مردم ارتجاع را و امید دارد وجود برخی آزادیها و سازمان  
 های توده ای را مجاز شمرد . در برخی از کشورهای خود زمامداران مرتجع میکوشند سازمانهای توده ای  
 پیوسته سود آورند ، ولی تحت رهبری خود .  
 کمونیستها در میان سازمانهای توده ای زحمتکشان فعالیت محدودانه انجام میدهند . در یونان  
 با آنکه حزب کمونیست مخفی و مورد تعقیب است کمونیستها به پشتیبانی توده های بزرگ مردم علاوه حق فعالیت  
 غنی را در تمام شئون فعالیت انسانی و در تمام سازمانها زحمتکشان بدست آورده اند . این امکان برای آنان  
 واگذار نشده بلکه کام بگام در جریان نبردهای دشوار رفتن آرزو شده است . این امکان را فقط  
 از طریق مبارزه سرسخت ولی معقول و قاطع میتوان تخکیم بخشید و اثرات آن نیز به قانونی کردن حزب کمونیست  
 یونان بسط داد .

بهترین وسیله غلبه بر گرایشهای سکتاریستی که در شرایط کار مخفی خطر دائم در بردارد و نین بهترین  
 وسیله افزایش امکانات غنی و بسط دامنه جنبش خلق مبارز است از توسعه مبارزه توده مردم بکلیه تمام اشکال  
 مبارزه از قبیل اجتماعات ، اعتصابات ، دموکراسیون ، مینک و تغییره بر پایه تاکتیک جبهه واحد و وسیع مرکب  
 از تظاهراتهای میهن پرست با استفاده از کلیه امکانات غنی و در آمیختن صحیح فعالیت غنی و غیر غنی .  
 زندگی امکان این امر را نشان داده است . زحمتکشان اسپانیا و پرتغال و کشورهای دیگر تحت رهبری احزاب  
 کمونیست خود اعتصابات بزرگ برپا کرده اند و به اقدامات توده ای بزرگ دیگری دست زده اند . آنها بطریق  
 قوانین فاشیستی اعتصابات و دموکراسیونها و اقدامات دیگری انجام میدهند . در برخی از کشورهای احزاب  
 کمونیست در شرایط مخفی برای شرکت در انتخابات مجالس مقننه و انجمن های شهر امکان پیدا میکنند .  
 توده های مردم تحت رهبری کمونیستها کام بگام بازارهای دموکراتیک نایل میآیند . و احزاب کمونیست با  
 وجود مخفی بودن بیش از پیش صحنه فعالیت سیاسی غنی وارد میشوند .

حزب کمونیست یونان ضمن نتیجه گیری از تجارب خود در این زمینه تحارب فراوان سایر احزاب برادر نظیر  
 احزاب کمونیست اسپانیا ، آلمان غربی ، پرتغال ، کشورهای امریکای لاتین و غیره را نیز بدقت بررسی میکند .  
 اوضاع و احوال جدید برای مسائل تشکیلات حزبی در شرایط کار مخفی نیز طرح جدیدی را ایجاد میکند .  
 هر حزب به پیروی از اصول لنینی ساختمان حزبی با توجه به خصوصیات کشور خود با این مسئله برخورد میکند .  
 ولی بطوریکه امید انیم عده ای از احزاب کمونیست که در شرایط مخفی فعالیت میکنند اکنون این وظیفه را در  
 برابر خود قرار داده اند که با احزاب بزرگی تبدیل شوند که توده های بزرگ مردم در آنها شرکت داشته باشند  
 تا این احزاب بتوانند جنبش وسیع خلق را رهبری کنند . بطوریکه امید انیم احزاب غیر غنی در کشورهای  
 نظیر اسپانیا ، آرژانتین ، آلمان غربی ، پرتغال ، اردن و غیره در این جهت فعالیت میکنند .  
 اتخاذ چنین خط مشی البته مستلزم آنستکه هشیاری و پشیمانکاری در قبالت تلاشهای دائم و روز افزونی  
 که دشمن طبقاتی با استفاده از انواع خدعه گریها برای ضربت زدن به احزاب کمونیست بکار میرد گاهش  
 نپذیرد بلکه تشدید گردد .

برای ماکمونیستهای یونان تجربه بین المللی بسیار گرانبه است و ما آنرا با نهایت دقت بررسی میکنیم .  
 ولی ما از این تجربه تقلید مکانیکی نمیکیم ، زیرا مبارزه مردم یونان تحت رهبری حزب ما طی سالهای اخیر

اوضاع و احوالی را بوجود آورده است که از خود تمایزات و ویژگی‌های دارد. این مبارزه تلاش‌هایی را که دشمن طبقاتی برای جد کردن ما از توده‌های بزرگ بعمل آورده عقیم گذاشته و جنبش توده خلق و اقمار پرمال داده است. نادیده گرفتن این خصوصیت خطای فاحش‌مدرتین نوع کوتاه بینی و محدودیت دکماتیکی است.

کمک بزرگی که بمبارزه احزاب کمونیست غیرعربی انجام می‌گیرد عبارتست از پشتیبانی بین المللی و جنبش‌های بین المللی علیه رژیم‌های فاشیستی و ضد دموکراتیک، در راه دموکراسی و علیه تضحیقات، در راه بخشودگی عمومی و آزادی زندانیان سیاسی، جمع‌آوری و اطلبانه اعانه برای کمک به اعتصابیون مبارز اشتیادگان مردم یونان بمبارزه شجاعانه خود در برتوهمبستگی و پشتیبانی مجدانه بین المللی طی هفته‌های اخیر بازاد ساختن چند صد تن از مبارزانی که از ۱۵ تا ۱۹ سال در زندانها بودند نائل آمده است. باتوسعه و تشدید مبارزه می‌توان چند صد مبارز توده‌ای دیگر را نیز که به بهانه‌های سیاسی همچنان در بند نگاه داشته شده‌اند از زندان آزاد کرد. مردم یونان بمناسبت این پشتیبانی بین المللی که از مبارزه دموکراتیک آن بعمل آمده است عظیم‌السیاسگزارند.

در برابر جنبش دموکراتیک توده‌ای کشور ما در نمانده‌های تازه و امکانات تازه‌ای برای احیای آزادی‌های دموکراتیک و اعتلا بیس از پیش مبارزه مردم در امانان دموکراسی صلح و سوسیالیسم بوجود آمده است. در عین حال این جنبش باید دشواریها و موانع بزرگی را که ارتجاع داخلی و امپریالیستهای امریکا و کشورهای دیگر ناتو بوجود آورده‌اند از سر راه خود بردارد.

یونان در برابر انتخابات عمومی جدیدی قرار دارد (روز ۱۶ فوریه) (۱). حزب کمونیست یونان باتمام قوا خواهد کوشید تا عناصر دست راستی چاکریش در این انتخابات باشکست بزرگتری مواجه گردند و دموکراتهای پیگیر دست چپ از این انتخابات محکمبر بیرون آیند و بدینسان پیروزی دموکراتیک روز سوم نوامبر ۱۹۶۳ تثبیت شود و مسط پیدا کنند.

استفاده استادانه از تمام اشکال مبارزه انقلابی برای حزب کمونیست یونان و نیز برای سایر احزاب برادر بهترین شرط اجرای موفقیت آمیز و ظاهفی است که در برابر آنها قرار دارد.

## معضل وحدت ملل عرب (۱)

### فؤاد نصار

جنبش وحدت عرب در آستان نخستین جنگ جهانی و در جریان این جنگ در منطقه بلاد الشام ، که سپس نام سوریه ، لبنان ، فلسطین و اردن بخود گرفت ، پدید آمد و توسعه پذیرفت . بعدها این جنبش عراق را نیز دربرگرفت . این قسمت از سرزمین عرب به ایالاتی تقسیم شده بود که تحت تسلط امپراطوری عثمانی بودند . ملل این منطقه با لاتفاق برای آزادی از یوغ ترکها و تشکیل دولت واحد عرب مبارزه میکردند .

ولی تسلط انگلیس و فرانسه بر این قسمت از سرزمین عرب ، که پس از نخستین جنگ جهانی انجام گرفت ، تقسیم خود سرانه این سرزمین به پنج کشور ، که راه را برای هجوم صهیونیون فلسطین و ایجاد حصارهای سیاسی و اقتصادی میان آنها باز کرد ، دشواریهای عظیمی برای مبارزه ملل عرب در راه آزادی و اتحاد بوجود آورد . این امر سپس کار را به انشعاب جنبش مللی واحد عرب و پیدایش جنبشهای نسبتاً مستقل منجر ساخت . هر یک از کشورهای این منطقه راه خود را در رشته اقتصاد ، سیاست و فرهنگ طی میکرد و تحت تسلط امپریالیسم باقی بود . خلقه عمدتاً این کشورها را بهم پیوند میداد همبستگی برادرانه ملل عرب و مبارزه مشترک آنان علیه امپریالیسم انگلیس و فرانسه بود .

ملل عرب با وجود دشواریها در برابر امپریالیسم متعاقب نشینی نکردند و هیچگاه از آرمان دیرین خود در باره وحدت عرب ، که در مراحل مختلف مبارزه برای تحقق آن مجاهدت میروزیدند - دست نکشیدند . شرایط جدید آنها را و امیدارد مساعی خود را برای مبارزه در راه آزادی از قید تسلط امپریالیسم و نیل به استقلال سیاسی ، که شرط لازم جنبش در راه نیل به وحدت عرب است ، متعزز سازند .

صفت مشخصه عمدتاً جنبش وحدت عرب آنستکه این جنبش در جریان مبارزه مشترک خلق عرب علیه اشکال گوناگون تسلط اجنبی و نفوذ الیسم پدید آمد و توسعه پذیرفت .

جنبش وحدت عرب در حال حاضر از یک کشور بخصوص خارج شده و تمام سرزمین عرب را دربر گرفته و به یک جنبش وسیع بدل گردیده است . اکنون تمام طبقات و احزاب سیاسی و دول کشورهای عربی از وحدت عرب سخن میگویند و ملت آنها هم روشن است ، زیرا پس از آنکه اکثریت کشورهای عربی به استقلال سیاسی نائل آمده اند خلقها با هم نزدیکتر شده و همبستگی آنان تحکیم یافته است .

طی سالهای اخیر معضل وحدت عرب اهمیت بخصوص مبرم کسب کرده است . بطوریکه میدانییم در فوریه سال ۱۹۵۸ اتحاد سوریه و مصر انجام گرفت ، ولی دیری نگذشت که دشواریهای پدید آمد

(۱) - این مقاله بمنظور طرح مسئله وحدت عرب بحث پیرامون آن انتشار می یابد .



و در سپتامبر سال ۱۹۶۱ این اتحادیه هم خورد. در آوریل سال ۱۹۶۳ نمایندگان دولت جمهوری متحد عرب، سوریه و عراق درباره تشکیل فدراسیونی مرکب از این سه کشور موافقت حاصل کردند. ولی ایمن فدراسیون همچنان تشکیل نشده باقی ماند. طرح اتحاد عراق و سوریه نیز که سران حزب بعث برای علی ساختن آن میکوشیدند عقیم ماند. مدتی قبل از آن اتحاد میان عراق و اردن که انگلستان در سال ۱۹۵۸ بوجود آورده بود عقیم ماند.

بسی ثمرانند این تلاش‌ها ناشی از غلط بودن شعار وحدت عرب و یا عدم تمایل خلق‌های عرب به اتحاد نیست. این امر ناشی از سیاست غلط و خدارناکی است که تاکنون عده ای از سران کشورهای عربی تعقیب کرده اند و نیز ناشی از توطئه های دولت امپریالیستی علیه خلق‌های عرب است.

دو گرایش در مسئله وحدت عرب

طی چند سال اخیر پیوسته پس از اتحاد مصر و سوریه دو گرایش عده در مسئله وحدت عرب مشاهده شده است: گرایش اول گرایش پرروانی است که از پرروازی عرب طرفدار امپریالیسم و از قشرهای ناسیونالیست ارتجاعی خلق عرب ناشی میشود و گرایش دوم گرایش انقلابی دموکراتیک است که نظریات پرولتاریا، دهقانان پرروازی ملی مستقل از امپریالیسم را منعکس میسازد.

گرایش پرروانی - فعالیت ایدئولوژیک، سیاسی و پارتیک این جریان در اثره منافع طبقاتی محدود پرروازی محصور است. این گرایش از نقطه نظر اقتصادی منعکس کننده تمایل پرروازی آن کشورهای عربی است که در رشته صنعت رشد یافته ترند و میکوشند بازارهای کشورهای دارای رشد اقتصادی کمتر را تحت کنترل خود قرار دهند. لنین خاطر نشان ساخته است که " برای پیروزی کامل تولید کالایی تا مین تسلط پرروازی بر بازار داخلی و اتحاد مناطق تحت حکومت خلق‌های همزمان در چارچوب یک دولت ضروریست ... "

تصرف بازارهای غیر در برده شعار وحدت عرب و ناسیونالیسم عرب انجام میگردد. روزنامه الاخبار چاپ قاهره در مارس سال ۱۹۵۸ نوشت: " نتیجه مقدماتی وحدت عبارت خواهد بود از پدید آید امکانات وسیعتر برای گردش سرمایه های مصری و سوریه ای که ضمناً اصل عده سیاست اقتصادی را تشکیل میدهد. ما میتوانیم بازار مشترک عربی بشرکت کشورهای که از لحاظ وضع اقتصادی و سیاسی با ما نزدیکند - بوجود آوریم. " ولی این فقط پرروازی مصر بود که برای گردش سرمایه خود امکانات وسیع یافت و اقتصاد سوریه را تابع خود ساخت.

جناح راست پرروازی در جنبش وحدت عرب میکوشد تضاد های طبقاتی موجود در کشورهای عربی را نادیده انگارد و شرایط معنی موجود در هر کشور عربی را از حساب خارج میکند. این جریان با مصالح اکثریت قاطع ملت عرب متضاد است، ولی در عین حال تضاد میان پرروازی کشورهای مختلف عربی را نیز در خود مستتر دارد. اختلاف سطح تکامل اقتصادی کشورهای عربی موجب میشود که پرروازی این یا آن کشور در مسئله وحدت عرب موضع متضادی اتخاذ کنند. پرروازی در حدودی از وحدت عرب پشتیبانی میکند بیه تحقق آن مساعدت نمینماید که این وحدت پاسخگوی مقاصد آزمندانانه اش باشد. مثلاً پرروازی سوریه پس از دو مین جنگ جهانی کوشید وحدت با عراق یا اردن را اعلی سازد زیرا قصد داشت از این رهگذر بازار این کشورها را بتصرف خود در آورد و این بد آن جهت بود که عراق و اردن از لحاظ اقتصادی کم رشد تر از سوریه بودند. در عین حال پرروازی سوریه خواستار اتحاد با مصر نبود، زیرا مصر در رشته صنعت از سوریه رشد یافته تر است. اتحاد سوریه و مصر بصورتی که وجود داشت نه فقط با منافع خود مصر بلکه با منافع پرروازی سوریه نیز مطابقت نداشت.

تضاد میان بورژوازی کشورهای مختلف عربی با وضوح خاصی در مناسبات میان بورژوازی مصر که از نظر اقتصادی بر قدرت تر از همه بود از کشورهای دیگر عربی از سوی دیگر متظاهر گردید . تضاد میان بورژوازی مصر و سوریه علت عدم برهم خوردن اتحاد سوریه و مصر در سپتامبر سال ۱۹۶۶ بود . این تضاد در مناسبات میان بورژوازی مصر از کشورهای عربی از سوی دیگر نیز بروز کرد و این هنگامی بود که بورژوازی مصر پس از پیروزی انقلاب ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ عراق میکوشید این کشور را به جمهوری متحد عربی ملحق کند . در نتیجه همین تضاد بود که عراق در ترکیب جمهور متحد عربی وارد نشد . ولی در عین حال مانع از آن شد که تضاد میان بورژوازی کشورهای عربی بر سر مسئله اتحاد میتواند برای مدت موقت جنبه فرعی بخود بگیرد . با آنکه این تضاد در بسیاری موارد جنبه حادث کسب میکند مع الوصف مانع از آن نیست که جناح راست بورژوازی در هر یک از کشورهای عربی آماده اند بمصالحه تن در دهند تا بدین طریق مواضع خود را تحکیم بخشند و به دست و پا سازی ضریب وارد سازند . برای نمونه اتحاد مصر و سوریه را میتوان ذکر کرد . با آنکه این اتحاد جوابگوی منافع بورژوازی سوریه نبود میخشد از این بورژوازی علناً ابراز عدم رضایت میکرد ( بهر حال از شکل این اتحاد ) نیروهای دست راست و قبل از همه رهبران حزب بعث و خود این اتحاد را امکانی ندیدند برای آنکه لاقلاً برای مدت موقت آزادیهای دموکراتیک را در سوریه ازین ببرند و به نیروهای مترقی سوریه به کمیستهای ضریب بزنند و از تکامل دموکراتیک کشور جلوگیری کنند و نفوذ خود را بسط دهند . برای همین منظور بود که آنها حتی به گذشتهای سیاسی جدی بسود بورژوازی مصر تن در دادند و تا آنجا موافقت کردند که حزب خود را متحل سازند .

همین عمل را رهبران حزب بعث در اتحاد با تمام ارتجاع سعی داشتند پس از انقلاب ۱۴ ژوئیه در عراق انجام دهند . آنها آماده بودند در قبال قاهره به گذشتههای بزرگتن در دهند و عراق را با مصر متحد سازند تا بتوانند کنترل خود را در کشور برقرار سازند ، رژیم دموکراتیک عربی را پایان دهند و به نیروهای مترقی تحت رهبری حزب کمونیست که در پیروزی انقلاب عراق نقش برجسته ایفا کرد ضریب وارد آورند . ولی همینکه " خطر " ی که بورژوازی و نیروهای مختلف دست راستی را تهدید میکرد بر طرف شد بار دیگر تضاد میان بورژوازی کشورهای مختلف عربی حدت پذیرفت . آنگاه نمایندگان این بورژوازی در سوئد دموکراتیک و " رهبری جمعی " اشک تمساح تحول دادند و مخالفت قاطع تر و جدی تر علیه دیکتاتوری و غیره برداختند و یکی از طلب آنکه لیدرهای قاهره خود را بشعار آنتی کمونیسم مجهز کردند این بود که میخواهند بدین طریق بورژوازی عرب را بترسانند و آنرا به تسلیم در قبال بورژوازی مصر وادارند .

خطرناکترین جنبه گرایش بورژوازی راست اینست که نیروهای افراطی دست راستی ضد دموکراتیک و ضد کمونیستی آماده گردانند بیپناه مبارزه برای تامین وحدت عرب نه فقط بمصالحه با امپریالیستها و مرتجعین بلکه به بند میست با آنها نیز تن در دهند . رهبری حزب بعث در عراق و سوریه پس از موافقت با امپریالیستها در باره تدارک کودتای خونین ۸ فوریه ۱۹۶۳ عراق کودتای ارتجاعی ۸ مارس ۱۹۶۳ سوریه به همین نحو عمل کرد . این کودتاها با همکاری آشکار بلوک ستو و انحصارات نفتی انگلیس و امریکاه نقشه تشکیل اتحاد کشورهای " هلال خصیب " را در سر میبروراندند انجام گرفت و علیه جنبش ملی آزاد یخس ملل عرب متوجه بود . زندگی نشان میدهد که گرایش بورژوازی راست در مسئله وحدت عرب فقط از طریق برقراری دیکتاتوری

بورژوازی یک کشور عربی بر کشورهای دیگر میتواند پیروز شود . راهی که جریان بورژوازی راست پیشنهاد میکند عبارتست از توطئه کودتاها که در نتیجه فعالیست تخریبی تدارک دیده میشود . اتحاد سوریه و مصر در سال ۱۹۵۸ با وجود ظاهر " دموکراتیک " آن در نتیجه کودتای نیم منظمی که طی مدت طولانی بدقت برای آن تدارک دیده شد انجام گرفت . اگر نیروهای دست راستی از رژیم دموکراتیک استفاده کردند برای آنکه یک اتحاد با ظاهر " دموکراتیک " نائل شوند علتش فقط این بود که میخواهند همانطور که

زمانی لوثی بنا پارت در فرمانسکرده بودد مکراسی را از طریق \* دمکراتیک \* ناپدید کنند \*  
 جریان بهره‌روائی دست راست که منعکس کننده تعاملات توسعه طلبانه بهره‌روائی امپریالیست پرست  
 کشورهای عربی و مادگی آن برای سازش با امپریالیسم و ارتجاع داخلی است برای جنبش وحدت عرب  
 برای آزادی ملی و اجتماعی ملل عرب خطر بزرگی را تشکیل میدهد \* این جریان از بیخ و بن با منافع  
 طبقه کارگر ، دهقانان و خرده بهره‌روائی شهر و با منافع گروه‌های بزرگی از بهره‌روائی متوسط تضاد دارد و جای  
 تحکیم همبستگی ملل عرب و تشدید مبارزه آنان علیه امپریالیسم و فئودالیسم ، بجای تقویت روابط حسنه  
 با کشورهای سوسیالیستی و جنبش جهانی کارگری در میان کشورهای عربی تخم تفرقه می‌پاشد ، پیروزیهای  
 راکه در زمینه استقلال ملی و دمکراتیک بدست آمده است بخطر میاندازد و کار را به تضعیف مبارزات ملل عرب  
 علیه امپریالیسم و استعمار نومیگشاند \*

### گرایش انقلابی دمکراتیک \*

گرایش انقلابی دمکراتیک در مکرراتیک برخلاف جریان بهره‌روائی راست این  
 اصل را ملاک قرار میدهد که وحدت عرب خواست قانونی بوده و هست و اعمال ملل عرب و ضم راسخ آنها را برای  
 نیند به آزادی کامل از قید تمام اشکال وابستگی استعماری ، محو تسلط امپریالیسم بر کشورهای تحت اختیار مناسبات  
 فئودالی و نیمه فئودالی منعکس میسازد \* وحدت عرب طرفدار راه تکامل غیر سرمایه داری و اتحاد کشورهای  
 عربی بر مبنای دمکراتیک است \* جریان انقلابی دمکراتیک منعکس کننده منافع کارگران ، دهقانان و قشر  
 های وسیع بهره‌روائی ملی است \*

اوضاع و احوال کنونی که جنبش آزادیبخش ملی و جنبش وحدت عرب در آن صورت میگیرد با اوضاع و احوال  
 دورانی که انقلاب بهره‌روائی دمکراتیک در غرب انجام میگرفت و ملل بهره‌روائی بدولتهای ملی واحد بوجود میآورد  
 یکلی متفاوت است \* اکنون معضل عمده برای ملل عرب متحد ساختن بازارهای کشورهای عربی بر اساس  
 سرمایه داری و ایجاد دولت واحد بهره‌روائی ، نظیر آنچه که در اکثریت کشورهای غنوبه پس از پیروزی انقلاب ضد  
 فئودالی رخ داد ، نیست بلکه نپل به آزادی کامل از قید تسلط امپریالیسم و برقراری رژیم های ملی دمکراتیک  
 است \* فقط یک چنین تکاملی میتواند راه را برای اتحاد و اوطنپانه کشورهای عربی بر پایه برابری حقوق  
 باز کند \*

لنین که مسئله ملی و مستعمرات توجه فراوان معطوف میداشت شرایطی را که انقلابهای ملی ، ضد  
 امپریالیستی و ضد فئودالی در شرق انجام بگیرد بدقت معین کرده است \* لنین در سال ۱۹۱۴ نوشت :  
 " \* \* \* ما نمیدانیم که آیا آسیا قیام از سرنگونی سرمایه داری موفق خواهد شد مثل اروپا بصورت سیستمی از  
 دولتهای مستقل ملی درآید یا نه \* \* \* آیا حاجتی با ثبات این مطالب هست که دوران ما دوران تلاشی و فکری  
 سرمایه داری است و انقلابهای ملی در مکرراتیک و جنبش وحدت عرب بخصوص در این دوران انجام میگیرد که  
 انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتیر آنها آغاز نهاده است \* در اعلامیه سال ۱۹۶۰ گفته میشود : " نتیجه  
 عمده این سالها مبارزه از افزایش سریع قدرت و نفوذ بین المللی سیستم جهانی ، پروسه فعال تلاشی  
 سیستم استعمار در زیر ضربات جنبش آزادیبخش ملی ، تشدید نبردهای طبقاتی در جهان سرمایه داری ،  
 انحطاط و تلاشی بیشتر از پیش سیستم جهانی سرمایه داری \* در صحنه جهانی تقوی سوسیالیسم بر  
 امپریالیسم و تقوی نیروهای صلح بین‌نیروهای جنگ در مقدم بیشتر متجلی میشود \* "

صفت مشخصه عمده دوران اینست که سیستم جهانی سوسیالیستی به تامل قاطع تکامل جامعه بشری  
 تبدیل میشود \* جنبش جهانی آزادیبخش ملی که جنبش آزادی کشورهای عربی را نیز در بر میگیرد جنبشی  
 است مترقی \* این جنبش که با جنبش جهانی سوسیالیستی و مبارزه پرولتاریای جهانی پیوند محکم دارد به  
 پیروزیهای تازه بتازه ای نائل میآید \* مبارزه مشترک این سفیروی اساسی انقلابی دوران کنونی در راه

حفظ صلح جهانی و پیشگیری جنگ اتمی و تأمین خلع سلاح عمومی و کامل و محوسیت استعمار در تحلیل آخر علیه ارکان اساسی سیستم جهانی سرمایه داری متوجه است \*

### درک علمی مسئله

#### وحدت عرب

ناسیونالیستهای دست راستی عرب مستلزمات عرب را بطور منفرد و مجزا در نظر میگیرند و نمیخواهند قبول کنند که پروسه تشکیل ملت عرب و نیل به وحدت عرب و نیز هر پدیده اجتماعی دیگر تابع قوانین عینی است \* ملت عرب در این مورد استثنائیت \* برخی شرایط عینی لازم برای تکوین ملت عرب در طول قرون متعادی پدید آمد وسط یافت برخی شرایط دیگران تازه پدید میگردد و \* اشتراك حیات اقتصادی \* را میتوان در زمره ایستثنای شرایط دانست \*

چگونگی شکل و اتحاد ملت عرب وابسته به آنستکه این \* اشتراك حیات اقتصادی \* از چه راهی تحقق خواهد یافت : بطور خود بخودی ، از راه اقدام یلك کشور عربی به تصرف بازارهای کشورهای دیگر و متحد ساختن جبری این کشورها ( همانطور که در دوران اتحاد مصر و سوریه مشاهده شد ) \* از راه توطئه با امپریالیسم و انحصارات نفتی آنها که مورد تمایل سران حزب بعث است و یا اینکه این اشتراك بشکلی صورت خواهد گرفت که با اراده خلقهای عرب مطابقت داشته باشد یعنی شکل ملت فارغ از تسلط اقتصادی ، سیاسی واید ثلوثيك امپریالیستها انجام خواهد گرفت که با تحقق وحدت عرب بر پایه برابری حقوق و همکاری برادرانه تمام ملل عرب مطابقت خواهد داشت \*

تأمین \* اشتراك حیات اقتصادی \* در داخل هر کشور و در کادرمجموعه کشورهای عربی و نیز ایجاد شرایط لازم دیگر برای تشکیل ملت عرب و اتحاد تمام کشورها منعکس کنند \* اراده و تمایل خلقهای عرب است \* استقرار رژیمهای دموکراتیک در کشورهای عربی و انتخاب راه تکامل غیر سرمایه داری در برنامههای زیبائی برای تحقق وحدت عرب بوجود خواهد آورد \*

بسیاری از ملل جهان توانسته اند مرحله تشکیل و اتحاد خود بخودی را ناپیموده بگذرانند \* خلقهای ساکن آسیای میانه اتحاد شوروی که سابقاً تحت ستم ملی بودند شرایط لازم را برای اینکه بصورت يك ملت در آیند داشتند ( برخی از آنها حتی زبان رشد یافته برای خود نداشتند ) \* انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ، کمک برادرانه طبقه کارگر روسیه و حزب کمونیست اتحاد شوروی این خلقها را آزاد کردند و مسیرات ملت آنها را احیاناً نمودند و آنانرا بملل متساوی الحقوق سوسیالیستی تبدیل کردند \* این خلقها توانستند در خانواده واحد ملل شوروی متحد شوند \* بدین طریق این خلقها توانستند از یلایا و هرج و مرجی که با تکوین ملت های پوزوائی همراه است احتراز جویند و اکنون به اتفاق تمام ملل شوروی با اطمینان کامل در راه ساختمان جامعه کمونیستی به پیش میروند \*

وحدت عرب از نقطه نظر جریان انقلابی دموکراتیک باید بروفق تمایلات خلقهای عرب انجام گیرد و مظهر اراده آنان باشد \* وحدت را بازور نمیتوان بدست آورد \* خلق عرب بر اساس بیان آزاد اراده خود بروفق منافع خویش بوجدت دست خواهد یافت \* در حال حاضر جنبش وحدت عرب در جریان مبارزه علیه امپریالیسم و استعمار نوگسترش مییابد \* بموازات توسعه و تعمیق این مبارزه با استقرار رژیم های مترقی در کشورهای عربی منجر میگردد پروسه وحدت خلقهای عرب باشدتی بیشتر از پیش و در جهتی روز بروز صحیح تر انجام خواهد گرفت \* آن کشور یا کشورهای عربی که زودتر از دیگران به آزادی از قید تسلط امپریالیسم نائل آیند و از راه سرمایه داری خارج شوند برای سایر کشورهای عربی سر مشق خواهند شد و مرکزی برای علی ساختن وحدت عرب بدن خواهند گشت \*

راه تکامل  
سرمایه داری است  
پا  
سوسیالیسم

تحقق وحدت عرب یکی از وظایف انقلاب دموکراتیک ملی است \* ولی گاه انقلاب دموکراتیک ملی قادر به انجام برخی از وظایف خمین نشود و آنگاه انجام وظایف معوقه را انقلاب سوسیالیستی بعید میگیرد \* امکان نیل به وحدت عرب در جریان انقلاب دموکراتیک ملی تنها از تمایل خلقهای عرب کشتنای وحدت هستند ناشی نمیشود بلکه از شرایط واقعی موجود در کشورهای عربی و نیز از اوضاع احوال جهانی مساعد همناشی میگردد \* برای شرکت محافل وسیع بورژوازی ملی در اراضی روحیات ضد امپریالیستی و ضد فئودالی در مبارزه برای تحقق وحدت عرب بر مبنای انقلابی دموکراتیک امکان واقعی وجود دارد \* علاوه بر این طرح مسئله بدین نحو امکان جلب این محافل و منفرد ساختن بخش ارتجاعی بورژوازی و شیروهای ناسیونالیست افراطی راست را فراهم میسازد و علاوه بر این امکان را نیز بحساب میآورد که بخش انقلابی خرده بورژوازی میتواند جبهه ضد امپریالیستی و ضد فئودالی را رهبری کند و کشورها را برای تکامل غیر سرمایه داری سوق دهد و تحقق وحدت عرب مبادرت ورزد \* در کشورهای عربی شرایط روز بروز مساعدتری برای تشکیل جبهه دموکراتیک ملی با شرکت نمایندگان کارگران و دهقانان و روشنفکران مترقی و محافل وسیع بورژوازی ملی هواداران مکرسی و مخالف امپریالیسم و ضد الیسم بوجود میآید و این جبهه را میتوان قبل از آنکه پروتاریا قدریه گرفتن رهبری این جبهه بعینی دست خود باشد تشکیل داد \* این امر در نتیجه افزایش مداوم نفوذ اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و نیز در نتیجه جبهه روز افزون اندیشه های سوسیالیستی و تشدید مبارزه آزاد پیکش ملل عرب و همچنین ورشکستگی سیاستی کمونیسم و منفرد ماندن نیروهای ناسیونالیستی افراطی راست میسر میگردد \* باید در نظر داشت که شرایطی که قبل از انقلاب اکثر در روسیه وجود داشت با اوضاع و احوال کنونی کشورهای عربی یکی متفاوت است \* روسیه قبل از انقلاب اکثر کشوری بود امپریالیستی که بسیاری از ملل غیر روس را استثمار میکرد \* اتحاد این ملل و اقوام با روسیه بدون محو کامل امپریالیسم روس و سرنگونی رژیم سرمایه داری و همچنین بدون محو استعمار طبقاتی وستم ملی امکان پذیر نبود \* در میان کشورهای عربی دولت امپریالیستی وجود ندارد \* وحدت کشورهای عربی پایه چیک از کشورهای کبرانیات تسلط استعماری داشتهها دارند نخواهد بود \* اکثریت قریب بتمام مردم کشورهای عربی اقوام برادری هستند که رشته های مشترک بسیاری آنها را پایکدیگر پیوند میدهد و مهمتر از همه آنکه همه آنها در مبارزه مشترکی علیه امپریالیسم شرکت دارند \* این همبستگی و نزدیکی با وجود ابرهای سیاسی که گاهگاه بر فراز آنها پدید میگردد در نتیجه مبارزه مشترک علیه بقایای تسلط امپریالیسم و مبارزه مشترک در راه احراز استقلال اقتصادی کشورهای عربی بسیار پیشرفت قوی می یابد \*

اختلاف سطح تکامل اقتصاد کشورهای عربی در حل مسئله وحدت عرب تاثیر منفی دارد \* این معضل نیز در صورتیکه کشورهای عربی راه تکامل غیر سرمایه داری در پیش گیرند حل خواهد شد \* وحدت کشورهای عربی بر پایه انقلابی دموکراتیک عامل قاطعی برای هماهنگ ساختن تکامل اقتصادی این کشورها خواهد بود \* مقدمات مادی لازم را برای پیشروی بعد از آنها در راه سوسیالیسم فراهم خواهد ساخت \* مسئله وحدت عرب را باید با توجه به شرایط عینی موجود در کشورهای عربی و با در نظر گرفتن اوضاع جهان بررسی کرد \* مارکسیسم - لنینیسم میان انقلاب دموکراتیک ملی و انقلاب سوسیالیستی در یوار چین نمیکشد \*

\* سوسیالیسم عربی \*  
و وحدت عربی

حالا به بینیم د کترین \* سوسیالیسم عربی \* بخصوص در جمهوری متحد \*  
عرب مسئله وحدت عرب را چگونه تلقی میکند \* در فوریه سال ۱۹۵۸ هنگامیکه



اتحاد مصر و سوریه اعلام شد. جمهوری متحد عرب هنوز در چنین مقیاس وسیعی قصد خود را برای ساختمان سوسیالیسم اعلام نکرده بود. فرامین مربوط بعلی کردن دارائی سرمایه داران بزرگ در ژوئیه سال ۱۹۶۱ یعنی دو ماه قبل از برهم خوردن این اتحاد صادر شد. از آن زمان ببعد اقدامات مربوط بعلی کردن سرمایه های بزرگ داخله ادامه دارد. بموجب اعلامیه های دولت نود درصد صنایع مصر اکنون تحت کنترل دولت است. تفریحات عامه بازرگانی خارجی را دولت کنترل میکند. حد تصاحب مالکیت زمین به صد قد آن ( هرقد آن مساوی است با ۶۰ هکتار ) تقلیل یافته است.

این اقدامات نه فقط به سرمایه بزرگ مصر که در گذشته بنیاد اقتصادی جریان بورژوازی راست را در مسئله وحدت عرب تشکیل میداد بلکه مجموعه بورژوازی نیز ضربه سنگین وارد آورده است. در عین حال باید گفت که در سیاست جمهوری متحد عرب هنوز تغییر ماهوی روی نداده است و این سیاست همان سیاست سابق است. همانا فواید خلقی عرب تضاد دارد. میان این تحولات مهم اقتصادی که اخیراً در جمهوری متحد عرب انجام گرفته از یک طرف و دلبستگی محافظ حاکمه این کشور به نظریات ایدئولوژیک و سیاسی راست سابق خود از طرف دیگر تضاد آشکاری مشاهده میشود. اگر این وضع ادامه یابد آنوقت دستاوردهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ممکن است در معرض خطر جدی قرار گیرد. این دستاوردها در ماهیت امر تضاد های میان مردم مصر و امپریالیسم را از زمین نبرده و تضعیف کرده است بلکه برعکس این تضادها را بیش از پیش شدت و حدت داده است. این دستاوردها تضاد های طبقاتی درون جامعه مصر را از زمین نبرده بلکه آنها را عمیقتر کرده و بیشتر عریان نموده است. ادامه دلبستگی محافظ حاکمه بنظریات ایدئولوژیک و سیاسی راست و خصوصاً آنها باد مکرر اسکی و کمونیسم به امپریالیسمها و فئودالیتهای تمام مرتجعین امکان میدهد نیروهای خود را برای ضربه زدن به رژیم موجود و از زمین بردن دستاوردهای کمونی متحد سازند. این وضع بیشتر تشدید میشود اگر در نظر بگیریم انحصارات خارجی و مخصوصاً انحصارات امریکا مواضع نیرومند خود را در اقتصاد کشور حفظ کرده اند. سرمایه انحصاری خارجی بصورت وام انواع " کمک " های کذائی و غیره بجمهوری متحد عرب رخنه میکند. امپریالیسمها به انواع و سائس و سببها با انواع شیوه های خائنه متوسل میشوند برای آنکه جمهوری متحد عرب را بجا جراهای خطرناک بکشانند و از تکامل دموکراتیک کشور و حرکت آن در راه غیر سرمایه داری جلوگیری کنند.

در این شرایط یگانه راهی که موجبات دفاع از دستاوردها و تکامل در راه سوسیالیسم را فراهم میسازد عبارتست از دموکراتیزه کردن رژیم کشور و جلب طبقه کارگرو توده های زحمتکش و تمام نیروهای مترقی بشرکت فعال در زندگی اقتصادی و سیاسی کشور. اکنون هنوز زود است گفته شود که جمهوری متحد عرب برای تکامل بعدی خود چه راهی را در پیش خواهد گرفت. این مطلب وابسته به عوامل داخلی و خارجی بسیاری است. رژیم کمونیستی جمهوری متحد عرب تنها جنبه ای منفی ندارد بلکه بسیاری جوانب مثبت مهم نیز دارد که در مجموعه اوضاع احوال کشور تاثیر میبخشد. تحولات اقتصادی مهم و تحکیم مناسبات دوستانه با اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی دیگر در نتیجه مبارزه مردم و دولت مصر علیه امپریالیسم، فئودالیسم و انحصارات امکان پذیر شده است. مردم مصر مبارزه خود را ادامه میدهند تا دستاوردهای خود را تثبیت کنند و به استقلال اقتصادی کامل کشور نائل آیند.

تحولات مهمی را که در جمهوری متحد عرب انجام گرفته نباید جزاً از اوضاع احوال جهان در نظر گرفت. کامیابیهای بزرگ اتحاد شوروی و تمام اروپا گاه سوسیالیستی، پیروزی سیاست لنینی همزیستی مسالمت آمیز و کمک بی مضایقه سیستم جهانی سوسیالیستی بجمهوری متحد عرب و سایر کشورهای عربی در مردم مصر تاثیر عظیم میبخشد و آنها را برای تکامل کشور انتخاب کننده جوابگوی مصالح اکثریت ملت یاشند. تحولات اجتماعی و اقتصادی در جمهوری متحد عرب پایه استواری است برای تکامل کشور در



راهبر سرمایه داری که در تحلیل آخر به سوسیالیسم منجر میگردد . تمام این تحولات مورد پشتیبانی نیروهای دموکراتیک و مترقی کشورهای عربی است . جمهوری متحد عرب که بزرگترین رشد یافته‌ترین کشور عربی است بشرطی میتواند در جنبش وحدت عرب و در تمام مبارزه آزاد یبخش ملل عرب نقش مهم ایفا کند که دولت کشور سیاست ملی مبارزه علیه امپریالیسم و استعمار نوکپنه را بطور پیگیر تعقیب کند و از مخالفت باد مکراسی و کمونیسم دست بردارد و مناسبات خود را با کشورهای سوسیالیستی و اتعمام نیروهای صلح دوست و مترقی جهان تحکیم بخشد .

روشدول امپریالیستی      واقعیات زیرین روش دول امپریالیستی را در قبال مبارزه آزاد یبخش  
در قبال وحدت عرب      ملل عرب و جنبش وحدت عرب مشخص میسازد :

- ۱ - انحصارات نفتی امپریالیستی تمام ثروت‌های نفت و لوله های نفت را در کشورهای عربی تحت کنترل خود دارند و علاوه بر این انحصارات خارجی نیز در اقتصاد کشورهای عربی بطور مستقیم یا غیر مستقیم مبالغ هنگفتی سرمایه گذاری کرده اند .
- ۲ - کشورهای عربی بعلمت موقعیت جغرافیائی مساعد خود جاها مهمی در نقشه های نظامی و سوق الجیشی دول امپریالیستی دارند .
- ۳ - کشورهای عربی باتفاق سایر کشورهای خاور نزدیک و میانه که ایضاً نفت فراوان و شرایط سوق الجیشی مساعد دارند همیشه عرصه مبارزه حاد میان گروه های امپریالیستی بوده و امروز نیز هستند . تغییر تناسب قوا در عرصه جهانی که بسود صلح و سوسیالیسم انجام گرفته و اعتدالی نیرومند جنبش آزادی بخش ملی در کشورهای عربی دول امپریالیستی را به تغییر تاکتیک خود و توسل بهمانورهای جدید برای تضعیف مبارزه ضد امپریالیستی ملل عرب و امید دارد . ملل عرب در تاریخ خود بارها دیده اند که امپریالیست ها برای مسخ محتوی انقلابی جنبش آزاد یبخش اعراب و استفاده از این جنبش برای مقاصد سو تجار و کارانه خود تلاش بعمل آورده اند . انگلستان در جریان جنگ جهانی اول از جنبش ملی عرب و از تعامل اعراب به آزادی و وحدت برای مبارزه غیرتکریه استفاده کرد و در آستان د وین جنگ جهانی نیز تلاش های مکرر بعمل آورد تا بکمک سلسله ماشینی " سر یفکیر " و اتحاد " هلال خصیب " را بوجود آورد . همه این کارها برای آن انجام میگرفت که به جنبش آزاد یبخش عرب ضربه وارد شود و نفوذ فرانسه در کشور های عهد ازین برود .
- انگلستان قید از پایان د وین جنگ جهانی ابتکار تشکیل جامعه کشورهای عربی را بعهد ه گرفت تا بدین طریق آ - جامعه کشورهای عربی را به حالت تحکیم رژیم های ارتجاعی لوزان بدل کند و بکمک آن اثرشد جنبش آزاد یبخش ملی و از تحقق وحدت خلق های عرب جلوگیری نماید و ب - از جامعه کشورهای عربی برای بیرون کردن فرانسه از این منطقه استفاده کند و خود جای آنرا بگیرد و از نفوذ امریکا به کشورهای عربی نیز مانع شود .

در سالهای پنجاهم قرن بیستم تنها انگلستان نبود که از تمایذ اعراب بوحثت " هواداری " میکرد . محافظ متنفذ امریکا نیز مجبور شدند " تفاهم " خود را در مورد ناسیونالیسم عرب و تعامل خود را بـ " پشتیبانی " از وحدت عرب اعلام کنند . میدانیم که امریکا مشوق اتحاد سال ۱۹۵۸ مصر و سوریه بود و در این مورد هدفهای زیر را تعقیب میکرد :

- سوق محافظ حاکمه قاهره براه " آنتی کمونیسم " ، ضربه زدن به نیروهای ملی هر یک از کشورهای عربی ، برهم زدن همبستگی خلق های عرب ، پایان دادن به آزادی های دموکراتیک در سوریه و بدین طریق مجزاکردن اعراب از دوستان وفادار و صدیق آنها یعنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی .

با استفاده از شعار وحدت عرب برای فشار بر انگلستان و وارد کردن آن کشور به گذشت در قبال انحصارات آمریکا • انگلستان در پاسخ این امر به تشکیل " اتحاد عربی " عراق واردن پرداخت که در نتیجه انقلاب ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ در عراق از بین رفت •

بدینسان امپریالیستهای انگلستان و آمریکا از شعار وحدت عرب برای فریب توده ها و جلب ناسیونالیست ها در راستای یگانگی خود استفاده کردند و این عناصر را برای تدارک توطئه ها و کودتا ها و غیره بکار گرفتند • امپریالیستهای چگاه دارندار وحدت عرب بصورتی که منعکس کنند اراده خلق های عرب برای آزادی کامل از قید تسلط امپریالیسم باشد ، نبوده و نمیتوانند باشند • فقط سیاستمداران ساده لوح و کینه بین میتوانند به " وحدت " پیشنهادی امپریالیستها و مرتجعین عرب باوری داشته باشند و فقط آنها میتوانند قبول کنند که امپریالیستها حاضرند کنار بایستند و تماشاگر آرام اتحاد خلقهای عرب بصورت دولت واحدی باشند که پایان دادن به نفوذ امپریالیستی و الغا امتیازات نفت و تامین آزادی ملی و اجتماعی کامل را وظیفه خویش قرار دهد • امپریالیست ها با تمام قوا میکوشند در میان خلقهای عرب تفرقه بیاندازند و یک خلق را علیه خلق دیگر برانگیزند •



خلقهای عرب بتجربه خود دریافته اند که با پیروی از راه سرمایه داری ، که محرومیت هرنج های فراوان برای آنها به بار میآورد نمیتوان بحل معضلاتی که در برابر جنبش آزادیبخش ملی قرار دارد و از آن جمله بحل معضل وحدت عرب نائل آمد • نیکیتا خروشچف میگوید : " تجربه حاصله از اجرای برنامه دموکراتیک عام پیش از این نشان میدهد که سرمایه داری نمیتواند هدف مبارزه ملل در راه رستخیز ملی و پیشرفت اجتماعی باشد و نمیتواند آرمان آنها قرار گیرد " •

خلقهای عرب با اتکا به همبستگی برادرانه و همکاری نزدیک با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و جنبش جهانی کارگری میتوانند تمام نقشهای انحصارات امپریالیستی را عجم گذارند و وحدت واقعی نائل آیند •



# باستقبال صدمین سال تاسیس

## انترناسیونال اول

در سال ۱۹۶۴ جنبش جهانی کمونیستی و کارگری روزتاریخی صدمین سال تاسیس انترناسیونال اول ( انجمن بین المللی رفاقت‌دارگران ) را برگزار میکند . انترناسیونال اول را کارل مارکس بنیانگذار انگلس بنیاد گذارند و تشکیل آن اعتلای آگاهی سیاسی و تشدید فعالیت کارگران پیشرو و کسلسله از کشورهای اروپا و پدید آیش نیاز به اتحاد بین المللی پرولتاریا را منعکس میساخت .

انترناسیونال اول روز ۲۸ سپتامبر سال ۱۸۴۶ در جلسه بین المللی کارگران در سفت مارتینس هال واقع در لندن تاسیس شد . کارل مارکس روح این سازمان بین المللی و مولف " مانیفست مومسان انجمن بین المللی رفاقت‌دارگران " و اساسنامه آن و نیز عدد زیادی قطعنامه و اسناد دیگر است . در " مانیفست مومسان " و در اساسنامه انجمن رئیس کلی هدفهای جنبش پرولتری بیان شده و اعلام گردیده است که " رهائی طبقه کارگر باید بدست خود طبقه کارگر . . . انجام گیرد " .

تکیهگاه انترناسیونال اول در کشورهای سازمانهای کارگری موجودی بود که شعب انترناسیونال نامیده میشوند و در هر کشور تشکیل فدراسیون میدادند .

نخستین کنگره انترناسیونال اول از ۳ تا ۸ سپتامبر ۱۸۶۶ در ژنو ( سوئیس ) تشکیل شد و در آن ۶۰ نماینده از ۲۵ شعبه کشورهای انگلستان ، فرانسه ، سوئیس و آلمان شرکت کردند .

قرارهای کنگره که با اندیشههای سوسیالیسم علمی مطابقت داشت ضربه محکمی به پیروان پرودون وارد ساخت . کنگره اهمیت جنبش اعصابی را تصریح کرد و نقش بزرگ مبارزه برای معمول داشتن ۸ ساعت روز کار را خاطر نشان ساخت و قطعنامه ای در بفره تعویض ارتش دائم با واحدهای مسلح مردم بتصویب رساند .

کنگره قطعنامه ای درباره اتحادیه های تصویب رسانید که هم به پیروان پرودون که ضرورت سازمان طبقه کارگر را نفی میکردند و هم پیروان لاسال که به اتحادیهها بی اعتنا بودند ضربه وارد ساخت و هم به تردیونیوتیسم محدود انگلیسی .

دومین کنگره انترناسیونال اول از ۲ تا ۸ سپتامبر سال ۱۸۶۷ در لوزان ( سوئیس ) تشکیل شد . در این کنگره ۶۳ نماینده از سازمانهای کارگری کشورهای سوئیس ، فرانسه ، آلمان ، انگلستان ، ایتالیا و بلژیک شرکت داشتند . در کنگره حکم صهی مطرح شد مبنی بر اینکه آزادی اجتماعی کارگران از آزادی سیاسی آنها جدائی پذیر نیست . کنگره از واگذاری وسایط نقلیه و پست و تلگراف به مملکت دولت طرفداری کرد و این دال بر پیروزی اندیشه مارکسیستی مالکیت جمعی بر وسایل تولید بود .

سومین کنگره انترناسیونال اول از ۶ تا ۱۳ سپتامبر سال ۱۸۶۸ در بروکسل ( بلژیک ) برگزار شد و در کار آن ۹۹ نماینده از هفت کشور شرکت کردند . در کنگره مارکسیسم بر پرودونیسم پیروز شد . کنگره

درقراری که پیروان پرودون درلوزان تحمل کرده بودند تجدید نظرکرد و اعصابیات راسلاح قانونی و ضروری طبقکارگر شناخت . کنگره قطعنامه ای علیه جنگ تصویب کرد و درآن تمام شعب و انجمن های رفاقت کارگری را بااستفاده ازاعصاب عمومی علیهجنگ دعوت نمود .

چهارمین کنگره انترناسیونال اول درشهربال ( سوئیس ) از ۶ تا ۱۱ سپتامبرسال ۱۸۶۹

بشرکت ۷۸ نماینده از ۸ کشور تشکیل شد .

درکنگره تصادم بزرگی با دشمن خطرناک جنبش انقلابی یعنی باآنارشئیست های تحت رهبری پاکونین روی داد .

درماه مارس سال ۱۸۷۰ گروهی ازسوسیالیست های روس که به سوئیس مهاجرت کرده بودند شعبه روسی انترناسیونال اول را تشکیل دادند و به کارل مارکس پیشنهاد کردند نمایندگی آنها را درشورای عمومی انترناسیونال بپذیرد . مارکس باعنوان شعبه روسی نوشت : " من باکمال میل و تالیقه پرافتخاری راکه شما بمن پیشنهاد میکنید تا نمایندگی شمارا درشورای کل بعهده بگیرم - می پذیرم " .

در دوران کمون پاریس کارل مارکس وفردریش انگلس درشورای کل بفعالیت بزرگی درپیششسانی ازکمونارهای پاریس دست زدند و همگان را به همبستگی باکمونارها و رساندن کمک های مادی ومعنوی باآنان دعوت میکردند .

پس از سقوط کمون پاریس ازتجاج جهانی بمتعرض علیه انترناسیونال اول پرداخت . دربرخی از کشورهای عضویت درانترناسیونال اول جرم ضد دولت اعلام گردید و شعب آن محبور شدند غیرعلنی شوند . روزپنجم مارس سال ۱۸۷۲ شورای کل بمناسبت فعالیت تخریبی پیروان پاکونین بخشنامه ای تحت عنوان " انشعابیات کاذب درانترناسیونال " تصویب کرد . این بخشنامه را کارل مارکس وفردریش انگلس تهیه کردند و درآن نظریات ارتجاعی خرد بورژوازی میخائیل پاکونین بفعالیت سالوسانه و انشعاب طلبانه او افشاگردید .

کنگره پنجم انترناسیونال اول از ۲ تا ۷ سپتامبر سال ۱۸۷۲ درلاسه ( هلند ) بشرکت ۶۵

نماینده از ۱۱ کشور تشکیل شد . مارکس وانگلس نیز درکار آن شرکت داشتند .

کنگره قراردقتقرائندن را دربارہ تشکیل حزب مستقل پرولتاریا درهرکشورتأییدکرد و ماده ای هم دراین باره بااستانامه انترناسیونال افزود . پاکونین وگیوم تزد یکتربین همکار اوموجب تصمیم کنگره ازانترناسیونال اخراج شدند و مقررگردید که محل شورای کل به ایالاتمتحده امریکامنتقل گردد . این آخرین کنگره انترناسیونال اول پیروزی ایدئولوژیک و سازمانی مارکسیسم را بر اشکال سکتاریستی خرد بورژوازی سوسیالیسم تثبیت کرد .

درسال ۱۸۷۶ انترناسیونال اول بموجب تصمیم کنفرانس فیلادلفی منحل شد . انترناسیونال اول وظیفه آرخی خود را درزمینه آگاه ساختن کارگران پیشرو مهترین کشورهای سرمایه داری ازاندیشه های سوسیالیسم علمی انجام داد . لنین نوشته است : " انترناسیونال اول فراموش نشدنی است و نام آن درتاریخ مبارزه کارگران برای رهائی خویش جاودان خواهد ماند . انترناسیونال اول بنسبای جمهوری جهانی سوسیالیستی راکه اکنون افتخار ساختمان آن نصیب ما گردیده است - بنیاد نهاد " .

در این شماره

واتسلاوا سلاویک  
( عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلوواکی )  
نورمان فرید  
( عضو مشاور کمیته مرکزی حزب کمونیست کانادا )  
مراد قوتلی  
( پمیلیسیست سوریه )

ژایمه پرس  
( عضو هیئت اجراییه و دبیر کمیته مرکزی حزب  
کمونیست اوروگوشه )

کلد استرلینگ  
( روزنامه نگار دانمارکی )

کوستاس کولی بانیس  
( دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان )

فواد نصار  
( دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اردن )

۱ - همیوستگی وثیقه کامیابیهای کمونیستهای  
جهان است

۲ - حزب کمونیست اتحاد شوروی پیشاهنگ  
جنبش جهانی کمونیستی است

۳ - صلح - سلاح هسته ای - سیاست

۴ - باید بر تمام اشکال مبارزه انقلابی تسلط  
داشت

۵ - معضل وحدت ملل عرب

۶ - با استقبال صدمین سال تاسیس انترناسیونال  
اول